آسترولوژی یا نجوم احکامی

حقیقت یا خرافات؟



مهندس فرزاد مشکوة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمْ

آسترولوژی یا نجوم احکامی

حقیقت یا خرافات؟

مهندس فرزاد مشکوة

نام کتاب	: آسترولوژی یا نجوم احکامی
تألیف	: مهندس فرزاد مشکوة
ناشر	: مؤلّف
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی	: خدمات کامپیوتری رحیمی ۳۹۴۶۴۱
مرکز پخش	: صندوق پستی: ۱۱۱۵-۱۳۱۸۵ تلفن: ۳۹۷۲۱۶
لیتوگرافی	: اشکان
چاپ	: گلچین
تاریخ انتشار	: بهار ۱۳۷۲
نوبت چاپ	: اوّل
تیراژ	: ۳۰۰۰ جلد

فهرست مطالب

موضوع | صفحه

مقدمه مؤلف

از آنجا که بین باورهای حقیقی و خرافی پیوسته در اذهان مردم کشمکش و ستیزه موجود است و با توجه به ازدیاد بعضی از کتب به اصطلاح نجومی و انواع وابسته به آن که علاقه مفرط عدهٔ بسیاری را به خود جلب کرده‌اند، مصمم شدم تا بعضی از مراتب نجوم احکامی یا به قول معروف‌تر "آسترولوژی" را مورد کنکاش قرار دهم، قصد من از نوشتن این کتاب به هیچ وجه دفاع یا رد موضوع مورد بحث نیست، بلکه با استفاده از تجارب، دانشمندانی که در این راه متحمل مساعی خاصی شده‌اند و یا بلعکس آنانکه این مورد را به استهزاء گرفته‌اند، ارائهٔ نظریات و تجربیات و پژوهش‌های آنان بوده است و قضاوت کلی را به عهدهٔ خواننده عزیز واگذار می‌نمایم.

کتاب حاضر در سه بخش تدوین گردیده است. در بخش اول اجباراً بعضی از مفاهیم نجوم احکامی هم برای آگاهی ذیعلاقه‌مندان گرامی و هم برای پرهیز از برداشت بعضی از معانی اشتباهی که راجع به عده‌ای لغات و اصطلاحات این فن در افواه مردم است، تعاریفی را آورده‌ام. در بخش دوم نیز نظریات موافق و مخالف و در بخش سوم نیز برای حسن‌ختام بعضی از احکام سنتی و روایات تاریخی مظبوط را درج کرده‌ام. چنانچه این مقوله مورد پسند عزیزان قرار گیرد به تدریج از نظر علمی در فنون مختلفهٔ آسترولوژی پایه‌ها و محاسبات کلی و آشنائی با طی مراحل آن به رشتهٔ تحریر درخواهد آمد. در خاتمه لازم میدانم که از مساعدتها و همراهی‌های دوست عزیزم آقای مهدی رحیمی یگانه در تدوین و چاپ کتاب تشکر نمایم.

۱۳۷۰/۸/۲۱

مهندس فرزاد مشکوة

مسلماً قبول تأثیرات ستارگان بر زندگی بشر به وسیله تمدن‌های پیشرفته باستانی، بر حسب تصادف یا اتفاق نبوده است.

جوزف.اف. گوداویچ

اگر بخواهیم تصویر صحیحی از گذشته خود بدست بیاوریم باید از علوم دیگر نیز کمک بگیریم، پس بیائید با یک اندیشهٔ عمیق و جستجوگر وارد دنیای غیرممکن جدید بشویم، بیائید میراثی را که از "خدایان" برای ما بجا مانده تصاحب کنیم.

اریک فون دنیکن

البته انواع تفأل و غیبگوئی به نظر رو به خاموشی می‌روند اما آسترولوژی ـ علم احکام نجوم ـ که در عصر ما به رتبهٔ والائی رسیده به حیات خود ادامه خواهد داد. و نفوذ علمی عصر جدید نیز قادر به خاموش کردن قدرت اغواکنندهٔ "اساس همزمانی" نخواهد بود.

دکتر کارل گوستاو یونگ

بخش اول

کلیات و تعاریف

فصل اول

تعریف اُصطرلاب

قبل از هرچیز لازم است که معانی بعضی از اصطلاحات نجومی را یادآور شوم تا در ضمن مطالعه کتاب نکتهٔ ابهامی پیش نیاید.

اولین معنی در رابطه با لغت مشهور اُصطرلاب است که اکثراً اسماً و لفظاً با آن آشنا هستیم ولی متأسفانه عامهٔ مردم در برداشت معنی آن دچار اشتباه می‌باشند. چون هرجاکه سخن از اصطرلاب پیش آید فوراً تصویری از پیشگوئی و فال بینی در ذهن عده‌ای منقوش میشود و حال آنکه این کلمه هیچ ربطی به فال‌بینی ندارد گرچه چنانچه بعداً خواهیم دید چون در علم احکام نجوم به زوایا و محل دقیق ستارگان احتیاج است برای تعیین زاویه و محل از این ابزار استفاده می‌شده است ولی فی‌النفسه هیچ ارتباطی با علم احکام نجوم ندارد.

من در آخر این فصل تعاریف مختلفی راکه راجع به اصطرلاب در اکثر کتب معتبره آمده است خواهم آورد، و منظور این است که بدانیم در معنی ریشهٔ لغوی آن، عدّه‌ای دچار سهو گردیده‌اند اما در مورد استعمال آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

ُصطُرلاب یـ اُسطرلاب از کلمه لاتینی ـ یونانی [1] *Astrolabion* معادل دوکلمه یونانی *Astron*[2] و *Lambanein*,میباشد که آسْتْرُون *Astron* معادل کلمه آسْتْرْ فرانسوی یا [3] *Star* (استار) انگلیسی به معنای ستاره است. وکلمه بعدی آن لامبانین *Lambanein* معادل کلمه *Prendre* فرانسوی (پْرِاندر) به معنای گرفتن و سنجیدن است که معادل انگلیسی آن *Take* (تیک) و یا (میِ ژِر) *Measure* می‌باشد. و کلاً به معنای گرفتن ستاره یا سنجیدن ستاره یا ستاره‌سنج معنا میدهد و هیچ ربطی باکلماتی نظیر آینه آفتاب و ترازوی آفتاب ندارد مگر اینکه این معانی را بطور مجازی جایگزین کنیم چه ستاره‌سنجی یا ترازوی آفتابی یعنی اندازه‌گیری محل و زوایای ستارگان.

پس اُصطرلاب، آلتی یا ابزاری یا دستگاهی است که با آن ارتفاع و قامت و زاویه و محل ستارگان را مشخص نموده و بر حسب امر بکار می‌برند. حال این استفاده ممکن است در تعیین طول و عرض شهرها باشد یا در محاسبات معماری یا فضائی و یا انواع دیگرکارهائی که به ریاضی نجوم مربوط است.

اختراع اصطرلاب را عده‌ای به اَبَرخس[4]، عده‌ای به ارسطو، وعده‌ای به بطلمیوس "که ذکر او مفصلاً در این کتاب خواهد آمد" و یا دیگران میدهند ولی گرچه درکتب نجومی و تاریخی معتبر و مرجع، اسامی این دانشمندان را از این بابت آورده‌اند ولی آنچه مسلم است در تمدن‌هائی خیلی پیشتر از این افراد،

---

۱ ـ فرهنگ رندوم هاوس ـ انگلیسی.

۲ ـ فرهنگ لاروس ـ فرانسوی.

۳ ـ در زبان انگلیسی Astro که در بعضی از واژه‌های ترکیبی به جای Star بکار می‌رود معادل همان ستاره بوده و مشتق از یونانی است.

۴ ـ ابرخس یا هیپارک، ریاضی‌دان و منجم بزرگ که مابین سالهای ۱۶۱ تا ۱۲۶ قبل از میلاد در "رودس" متولد شد. بعضی‌ها او را استاد بطلمیوس دانسته‌اند.

اصطرلاب بوده است و یا به عبارتی اختراع شده بوده است، اما افراد فوق‌الذکر هرکدام به نوبهٔ خود در تکمیل آن کوشیده‌اند، همچنانکه استاد ابوریحان‌بیرونی نیز چنین کرد و میدانیم که تا چندی پیش انواع و اقسام اصطرلاب در اطراف و اکناف جهان مورد استفاده دانشمندان ستاره‌شناس بوده است تا آنکه با اختراع دستگاه سکستان[۵] یا سکس‌تنت[۶] کاربرد آن منسوخ شد. سکستان، ابزار اندازه‌گیری مسافتهای زاویه‌ای است که به ویژه در دریانوردی برای سنجش ارتفاع اجرام آسمانی بکار میرود[۷].

حال برای آشنائی به املاء و کلمه اصطرلاب یا نام بعضی از اقسام آن تعاریفی را که در بعضی از فرهنگ‌ها دیده‌ام ذیلاً می‌آورم ولی دقت شود اصل لغت همانی است که قبلاً تشریح شد.

اسطرلاب یا با صاد ـ یکی از آلات مشاهدهٔ نجوم در قدیم بوده که حتی به اروپا رفت و آنان هم استفاده کردند، لکن پس از اختراع دوربین‌های نجومی و تلسکوپ‌ها استعمال آن منسوخ شد[۸].

اسطرلاب یا اصطرلاب از دو کلمهٔ یونانی *Astro* به معنی ستاره و لامبانین *Lambanein* به معنی آینه ترکیب شده و معنی آن آینه نجوم یا ترازوی نجوم است[۹].

---

۵ ـ Sextant

۶ ـ تلفظ فرانسوی سکستان و تلفظ انگلیسی سکس‌تنت است. ولی دیکته آن در هردو زبان یکی است.

۷ ـ در ضمن در نیمکرهٔ جنوبی میان صورت‌های فلکی اسد (شیر) و شجاع، صورتی فلکی به شکل سه پایه وجود دارد که به آن سکستان میگویند (فرهنگ فارسی امروز).

۸ ـ فرهنگ سیاح.

۹ ـ فرهنگ اصطلاحات نجومی.

اصطرلاب: معروف است و آن آلتی باشد از برنج و تال ساخته که منجمان بدان ارتفاع آفتاب و کواکب معلوم کنند و این لغت یونانی است...... و بعضی گویند نام پسر ادریس علیه‌السلام است که واضع اصطرلاب بوده"[۱۰].

اصطرلاب به ضم اول ترازوی آفتاب و آن طاسی و حلقه‌ای است از جام کیخسرو استخراج نموده‌اند و به سین مهمله و صاد هردو آمده ..... و میگویند لاب نام حکیم واضع او و نام پسر ارسطو و نام ادریس(ع) است و صحیح آن است که واضع آن را ارسطو بدانیم و آن را اصطرلاب و صطرلاب و اسطرلاب و صلابت نیز گویند و احوال سبع سیاره و افلاک همه در اصطرلاب معلوم میشود"[۱۱]. به معنی آفتاب کلاً در مثنوی بکار رفته[۱۲].

اسطرلاب یا استرلاب ابزاری برای اندازه‌گیری نجومی از قبیل موضع سیاره‌ها و ستارگان و تعیین وقت است. شکلهای معروف آن، اسطرلاب مسطح، خطی و کروی است. اسطرلاب از قطعه‌های مختلفی از قبیل عضاده، عنکبوت، فرس، ام، صفایح، فلس و قطب تشکیل شده که آنها هم خود اجزائی دارد[۱۳].

اُسْطُرلاب یا اَسْطُرلاب، اُصْطُرلاب و اَسْتُرلاب هم می‌نویسند. مأخوذ از یونانی، از آلات نجومی قدیم که برای برخی از اندازه‌گیری‌های نجومی و ارتفاع ستارگان و کشف بعضی مسائل و احکام مربوط به نجوم بکار میرفته و بر چند نوع بوده، ازجمله مسطح، خطی و کروی. اسطرلاب مسطح صفحه مدور فلزی بوده که بر آن حروف و خطوط و دوائر و درجه‌ها و نامهای بروج نقش بوده و در فارسی سُطُرلاب و سَتُرلاب و سُرلاب نیز گفته شده است.

---

۱۰ ـ برهان قاطع.

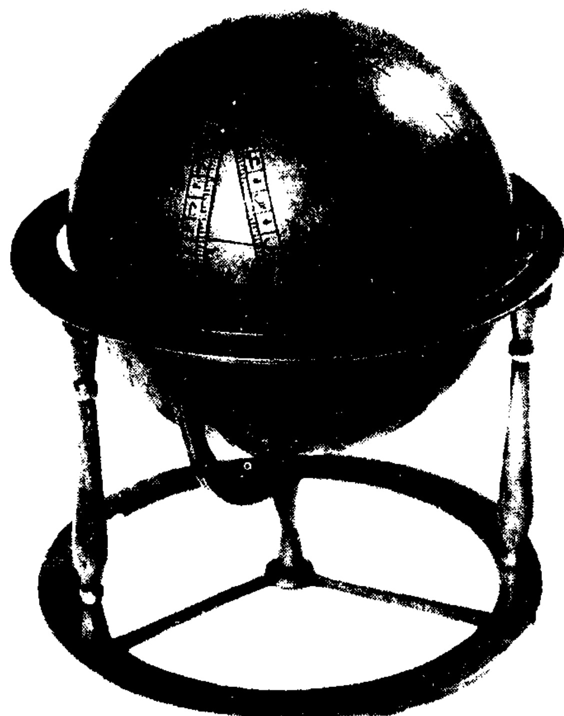
۱۱ ـ حاشیه مثنوی معنوی به تصحیح مرحوم حاج محمد رمضانی.

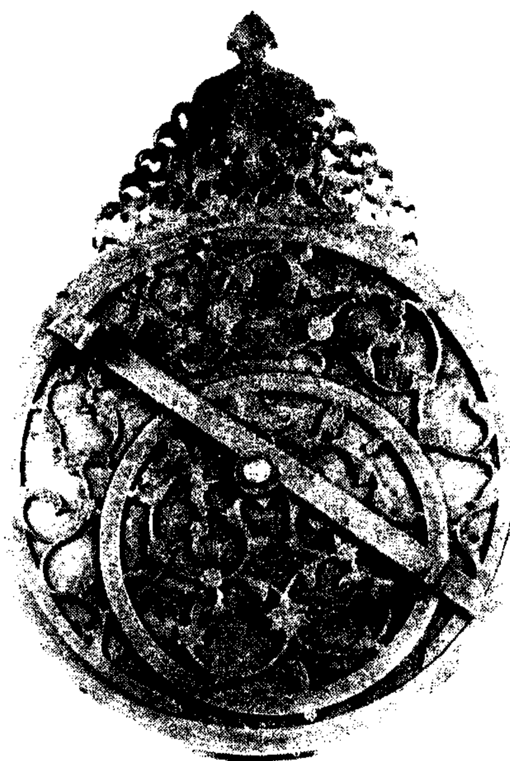
۱۲ ـ ایضاً ۱۱.

۱۳ ـ فرهنگ زبان فارسی امروز.

اسطرلاب تام یا تمام: اسطرلابی که همه چیز آن کامل باشد در مقابل اسطرلاب نیمه یا نصفی و اسطرلاب ثلثی که کوچکتر بوده و در آنها بعضی عددها و درجه‌ها را حذف میکردند[۱۴].

پس معلوم شد که اصطرلاب هیچ ربطی به طالع‌بینی و فال‌گیری نداشته و صرفاً یک غلط مصطلح است و نکتهٔ دیگر اینکه اکثر افراد کلمه اصطرلاب را با همزادی بنام "رمل" بیان می‌کنند یعنی غالباً می‌گویند رمل و اصطرلاب در اینجا باید تذکر دهم که رمل نیز هیچ ربطی با اصطرلاب که "ابزاری نجومی است" ندارد و رمل علمی است که بر اساس طبایع نقاط بر حسب عناصر اربعه و تشکیل شانزده شکل معین در شانزده خانه صحبت می‌کند و علمی به غایت شریف و دانستن آن محتاج زحمات فراوان است[۱۵].





تصاویر اصطرلاب از موزهٔ ایران باستان تهیه شده است

---

۱۴ ـ فرهنگ عمید.

۱۵ ـ مشکوةالرمل.

فصل دوم

تعریف کوتاهی از علم نجوم

بنا به اینکه در کتاب حاضر تأثیرات اجرام سماوی بر موجودات زمینی و حوادث عالم مورد بحث قرارگرفته لازم است که شرح کوتاه و مفیدی از علم هیئت یا نجوم داده شود.

بنابر نظر دانشمندان عصر حاضر، دانش نجوم علمی است که در آن از ظواهر اجسام آسمانی و قوانین حرکات ظاهری و حقیقی و اندازه‌ها و فواصل و خواص طبیعی آنها بحث می‌شود[1]، و مشتمل بر پنج قسمت است:

قسمت اول به نام علم نجوم کروی [2] است که در حرکات ستارگان و اوضاع آنها نسبت به یکدیگر یا نسبت به نقاط و دوایر مفروض درکرهٔ سماوی[3] که هنگام رصد کردن آسمان مشاهده میشود، بحث میکند. در این قسمت از قوانین حرکت مرئی روزانه و سالانه سیارات و استفادهٔ از آنها برای اندازه گیری زمان و تعیین محل

---

۱ ـ تاریخ نجوم اسلامی، آلفونسو نَلّینو، احمدآرام.

۲ ـ فرانسوی Astronomie Spherique.

انگلیسی Astronomy Sphere.

۳ ـ یعنی گنبد نیلگون آسمان به طوری که هر ناظری تصور میکند که اجرام سماوی بر سطح درونی آن حرکت می‌کنند و مرکز آن محل شخص رصد کننده یا مرکز زمین است که فرقی ندارد.

نقـاط آسمـانی و زمـینی و نـیز از تـقدیم اعـتدالیـن[۴] و تمـایل مـحور زمـین[۵] و "انکسارجوی"[۶] و "انحراف نور"[۷] گفتگو می‌شود. اسـاس ایـن قسـمت مخصوصـاً حساب مثلثات کروی است و ارتباطی نیز با جغرافیا و ریاضی دارد.

قسمت دوم بنام "نجوم نظری"[۸] به کمک قوانین سه‌گـانه مشـهور کِپلر[۹] از حرکات ظاهری اجسام سماوی، حرکات حقیقی را استخراج میکند وکیفیت تعیین مواضع اجرام آسمانی وکسوفها و اتصالات "اجتماعات نیرین"[۱۰] و استتار بعضی از ستارگان با بعضی دیگر به صورتی دقیق برای هروقت از آینده به دست می‌آید و غرض از آن تعیینِ افلاک سیارات و ستارگانِ دنباله‌دار بر گِرد خورشید و افلاک اقمار بر گِرد سیاراتشان و افلاک ستارگان مزدوج است و نیز بحث اجمالی از بزرگی زمین و ابعاد جرم آن در این قسمت می‌آید ولی بحث دقیق آن مـوضوع عـلم مسـتقل دیگری است که زمین سنجی[۱۱] نام دارد.

در قسمت سوم به نام "علم مکانیک آسمانی"[۱۲] از علل حرکات حقیقی و از دو

---

۴ ـ فرانسوی Precession des equinoxes.
انگلیسی Precession of equinoxes.

۵ ـ Nutation de l’axe terretre اهتراز محور زمین هم می‌گویند ـ نجوم اسلامی.

۶ ـ فرانسوی Refraction utmospherique.
انگلیسی Refraction atmospheric.

۷ ـ فرانسوی Aberration de la lumiére.
انگلیسی Diviation of light wave.

۸ ـ فرانسوی Astronomie theorique.
انگلیسی Theorical astronomy.

۹ ـ kepler توضیح در آخر فصل.

۱۰ ـ نَیرین خورشید و ماه هستند، در فصول بعدی توضیحات بیشتری راجع به این دو آمده است.

۱۱ ـ فرانسوی Geodesie.
انگلیسی Geodesy.

۱۲ ـ فرانسوی Mecanique céloste.
انگلیسی Celestïal Mechanic.

نیروی جاذب به مرکز وَ گریز از مرکز که اجرام سماوی بـر یکـدیگر دارنـد بـحث می‌شود. یعنی در این قسمت از قوانین مربوط به حرکت و موارد استعمال آنها در حرکات ستارگان سخن به میان می‌آید. از مباحث این قسمت قوانین حرکت و تأثیر گرانش و جاذبه عمومی و نابسامانیهائی که در اشکال افلاک سیارات و دنباله‌داران در نتیجه تأثیر اجرام سماوی بر یکدیگر حاصل می‌شود، و شکل زمین و سیارات دیگر، و اندازه جاذبه بر آنها و علت تغییر محل محورهای دوران آنها.

قسمت چهارم، به نام "فیزیک آسمانی"[۱۳] که جدیدترین شاخهٔ علم نـجوم است صحبت میکند و این هم به واسطه اختراع طیف‌نما یا اِسْپِکتروسکوپ[۱۴] در حدود سال ۱۸۶۰ پیدا شد و موضوع آن تحقیق در تـرکیب فـیزیکی و شیمیـائی اجرام سماوی است.

قسمت پنجم یا "علم نجوم عملی"[۱۵] شامل دو بـخش است: یکـی بـخش رصـدی کـه در آن از قسـمت نـظری آلات رصـدی و چگـونگی رصـد کـردن و اندازه‌گیری زمان بحث می‌شود و دیگری بـخش محـاسباتی کـه در آن روشهـای حساب کردن زیجها و تقاویم[۱۶] و نظایر آنها، بنابر قواعد نظری اثبات شده در بخش اول مورد بحث قرار می‌گیرد[۱۷].

---

۱۳ ـ فرانسوی Astro - physique.
انگلیسی Astro physics.

۱۴ ـ Spectroscope ـ ابزاری مرکب از چند منشور بلوری مثلث‌القاعده که نور را به رنگهای هفتگانهٔ آن تجزیه می‌کند و از مطالهٔ خطوط مخصوصی که پس از این تجزیه در طیف دیـده میشود به عناصری که باعث تشکیل منبع نور شده‌اند پی برده می‌شود.

۱۵ ـ Practical astronomy.

۱۶ ـ Almanac در فصول بعدی مفصلاً توضیح داده خواهد شد.

۱۷ ـ بیشتر این توضیحات با استفاده از تاریخ نـجوم اسـلامی، آلفـونسونَلّینو، بـوده و چـون معادلات آن به فرانسوی بود، مترادف‌های انگلیسی آنرا هم، جهت اطـلاع بـیشتر نـوشتم ولی مِن‌بعد پاورقی‌ها به زبان ـ واژه ـ انگلیسی خواهد بود.

کِپلر *kepler* دانشمند آلمانی متوفی به سال ۱۶۳۰ میلادی، او ثابت نمود مسیر سیارات منظومهٔ شمسی به دور خورشید بصورت بیضی نزدیک به دایره می‌باشد. سرعت این سیارات متغیر بوده بطوریکه گاهی تند و گاهی کند می‌شوند و برای اندازه‌گیری سرعت سیارات از سرعت سطحی استفاده می‌شود.

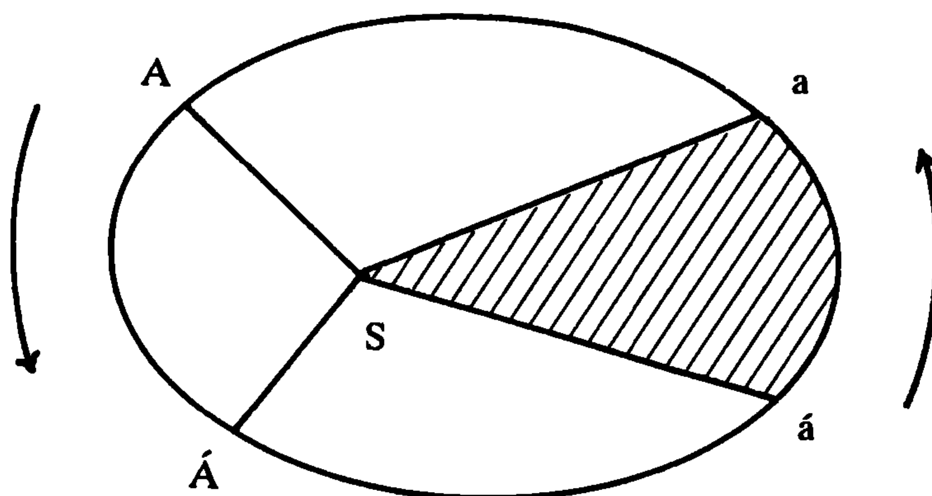
همچنین سه قانون او عبارتند از:

۱ ـ هرجسم گردنده به دور خورشید به شکل قطاع ناقصی است که خورشید در یکی از دو کانون آن است.

۲ ـ خط واصل میان خورشید و جسم گردندهٔ برگرد آن، در زمانهای متساوی سطوح متساوی در فضا ترسیم می‌کند.

۳ ـ نسبت مربعات زمانهای گردش سیارات بر گِرد خورشید به یکدیگر همچون نسبت مکعبات محورهای اَطْوَل آنها به یکدیگر است.

و بطور کلی منظور متخصصین احکام نجوم آن است که تمام این روابط و ضوابط با اثرات متقابلی که بر یکدیگر دارند مؤثر بر زندگی و حالات و روحیات موجودات کرهٔ ارض و همچنین اتفاقات ناشی از طبیعت همچون زلزله و طوفان‌ها و غیره می‌باشند که ما در فصول آتی مشروحاً بیان خواهیم کرد.



تصویری از مدار بیضی گونهٔ کِپلر

فصل سوم

آشنائی با بعضی از اصطلاحات احکام نجوم

البته مقصود من در این کتاب ارائه روش محاسبات احکامی نمی‌باشد، ولی هم به دلیل آشنائی ضمنی خوانندگان عزیز با پاره‌ای از مُصطَلحات عمومی این علم و هم به واسطه کاربرد آنها در متن فصول مختلف و نیز به جهت انتشار بعضی کتب که اخیراً به صِرف ترجمه انجام پذیرفته و متأسفانه دارای اغلاط فراوانی در این رابطه هستند، لازم است که این فصل به طور مختصر و مفید تحریر گردد، تا شاید حس ذوق کنجکاوین این دانش را نظر افتد، و اگر واژه‌ای هم در این فصل تشریح نگردد حتماً در پاورقی فصل مربوطه‌ای که بکار رفته است بیان خواهد شد.

علم احکام نجوم عبارت است از تأثیرات سیارات و ستارگان بر حسب فاصله و موقعیت آنها از کره ارض بر روی موجودات زمینی به ویژه انسان و ایجاد اتفاقات سَماوی و اَرضی.

برای بکارگیری احکام نجوم پایه و تسلط به علوم روز تا حد متعارف، از واجبات بوده و تمرین و ممارست از ملزومات غیر قابل انکار است.

چون در زبان انگلیسی این دانش یا فن را آسترولوژی[1] میگویند، ما نیز در این کتاب

۱ـ Astrology

بیشتر از همین واژه که تقریباً جنبه بین‌المللی دارد استفاده کرده‌ایم.

در زبان فرانسوی نیز این دانش را همان آسترولوژی [۲] ـ دیکتهٔ آن تفاوت دارد ـ می‌گویند و اصل ریشهٔ آن لاتینی ـ یونانی است.

باید توجه داشت که خود علم‌نجوم یعنی ستاره شناسیِ صِرف را که بیان مراتب آن درفصل دوم گذشت در زبانهای انگلیسی و فرانسوی آسترونومی [۳] می‌گویند.

شخصی را که متخصص علم احکام‌نجوم است در زبان انگلیسی آسترولوژر [۴] و در زبان فرانسوی آسترولوگ [۵] گویند و شخصی را که متخصص ستاره شناسی و رصد کواکب و آسمان است و با علم احکام سروکاری ندارد به انگلیسی آسترونومر [۶] و به فرانسوی آسترونوم [۷] گویند و اینکه در بعضی از مکتوبات تجاری جدیدالانتشار برای متخصص علم احکام نجوم آسترولوژیست و برای دانشمند ستاره شناس واژهٔ آسترونومیست را بکار برده‌اند اشتباه است. و باز هم یادآوری میکنم که کلمات آسترولوژی و آسترولوژر به علت کار برد بین‌المللی، مانند تلفن و تلگراف و غیره .... که دارند از این پس مورد استفاده ما نیز خواهند بود ولی در تعاقب آنها واژه‌های مصطلح در زبان فارسی نیز آمده‌اند.

متخصص علم احکام نجوم را در فارسی منجم‌باشی [۸] و فلکی گویند. علم

---

۲ - Astrologie.

۳ ـ انگلیسی Astronomy .
فرانسوی Astronomie .

۴ - Astrologer.

۵ - Astrologue.

۶ - Astronomer.

۷ - Astronome.

۸ ـ باشی کلمه‌ای مأخوذ از ترکی است و به معنای رئیس و ارباب و سرکرده می‌باشد و در حکومت قاجاریه مورد استفاده بیشتری داشته است، مثل منجم باشی، فراش باشی...

استخراج تأثیرات ستارگان و سیارات را ـ احکام نجوم ـ بر کرهٔ ارض و موجودات آن، که با ارصاد [۹] همراه باشد تنجیم گویند.

عمل ستاره شناس‌هایی که در قدیم‌الایام در رصدخانه‌ها به مشاهدهٔ حرکات و مواضع کواکب [۱۰] می‌پرداختند به اصطلاح می‌گفتند زیج نشستن.

کَرلو آلفونسو نَلّینو ـ[۱۱] *(Carlo - Alfonso - Nallino)* متوفی به سال ۱۹۳۸ میلادی دانشمند ایتالیایی و شرق شناس بزرگ معاصر در کتاب تاریخ نجوم اسلامی[۱۲] می‌نویسد: "ازیاج " یا زیجات یا زِیَجَة در اصل از زبان پهلوی است که در زمان شاهان ساسانی درمیان ایرانیان رایج بوده و در این زمان زیگ می‌گفتند، و زیگ به معنی تارهای پارچه است که پود، در میان آنها بافته می‌شود، و سپس ایرانیان این اسم را به ملاحظهٔ شباهت خطهای قائم جداول عددی با تارهای نساجی بر این جدول نهادند. و زیج‌ها، کتابهایی همه به جداول ریاضی بوده که هر محاسبهٔ نجومی از روی آنها صورت می‌گرفته و غالباً قوانین استفادهٔ از این کتابها و جداول بدون برهان هندسی آمده بود و کتاب "الزیج الصبابی" تألیف محمدبن جابربن سنان البَتّانی در سه جلد در رُم به چاپ رسیده است[۱۳].

و بطورکلی زیج مجموعهٔ جد.ولهایی است که از روی آنها مواضع ستاره‌ها و سیارات را در روزهای مختلف سال می‌توان استخراج کرد. زیج کاربردهای مختلف دارد و هر کتابی بنا به مورد استفاده‌اش تدوین می‌شود مثلاً در دریانوردی، مشاهدات نجومی صرف، محاسبات طلوع و غروب خورشید و ماه و دیگر سیارات

---

۹ ـ ارصاد یعنی رصد کردن، مشاهده کردن و معادل انگلیسی آن Observation است.

۱۰ ـ کوکب همان سیاره است و جمع آن کواکب می‌باشد و در نجوم احکامی ایرانی بیشتر واژه کوکب مورد استعمال دارد.

۱۱ ـ نجوم اسلامی، احمد آرام.

۱۲ ـ سلسله سخنرانی‌های او در دانشگاه قاهره، مصر.

۱۳ ـ از دیگر زیج‌های معروف ایران زیج اُلغ بیک، زیج ایلخانی، زیج سلطانی، زیج شهریاران، زیج جدید سلطانی و بسیاری دیگر.

و همچنین برای استخراج احکام نجوم.

امروزه در علم نجوم و احکام نجوم زیج را آلمانک [۱۴] گفته و زیج یا آلمانک مورد استفاده در دریانوردی به نوتیکال آلمانک [۱۵] معروف است. اما زیج یا آلمانکِ ویژهٔ احکام نجوم به اِفِمریس [۱۶] مشهور می‌باشد که مواضع ستارگان وکواکب را علاوه بر حسب طول و عرض [۱۷] جغرافیایی [۱۸] و مِیل [۱۹] و زمان و روز و ماه و سال در موقعیت دوازده صورتِ فلکی معروف به مَنطقةَالبُروج بدست می‌دهد و در همین فصل راجع به آن بیشتر صحبت خواهد شد.

و اما زایجه نقشه‌ای است که منجم بر حسب بروج دوازده‌گانه [۲۰] که رسم می‌کند مواضع کواکب را به درجه و دقیقه و ثانیه در هرکدام از خانه‌ها در زمان معین [۲۱] ـ مشخص کرده و با توجه به نظرات [۲۲] کواکب و جایگاه آنها در خانه‌ها و نسبت سازگاری یا ناسازگاری طبایع کواکب با بروج [۲۳] استخراج احکام می‌نماید.

زایجه را نقشهٔ آسمانی مولود، طالع "بطور مصطلح"، نقشهٔ فلکی، بادی فلکی [۲۴] و در

---

۱۴ - Almanac.

۱۵ - Nautical Almanac.

۱۶ - Ephemeris.

۱۷ ـ Latitude عرض جعرافیایی

۱۸ ـ Longitude طول جغرافیایی

۱۹ - Declination.

۲۰ ـ راجع به بروج دوازده‌گانه و منطقةالبروج متعاقباً توضیحات مفصلی خواهد آمد.

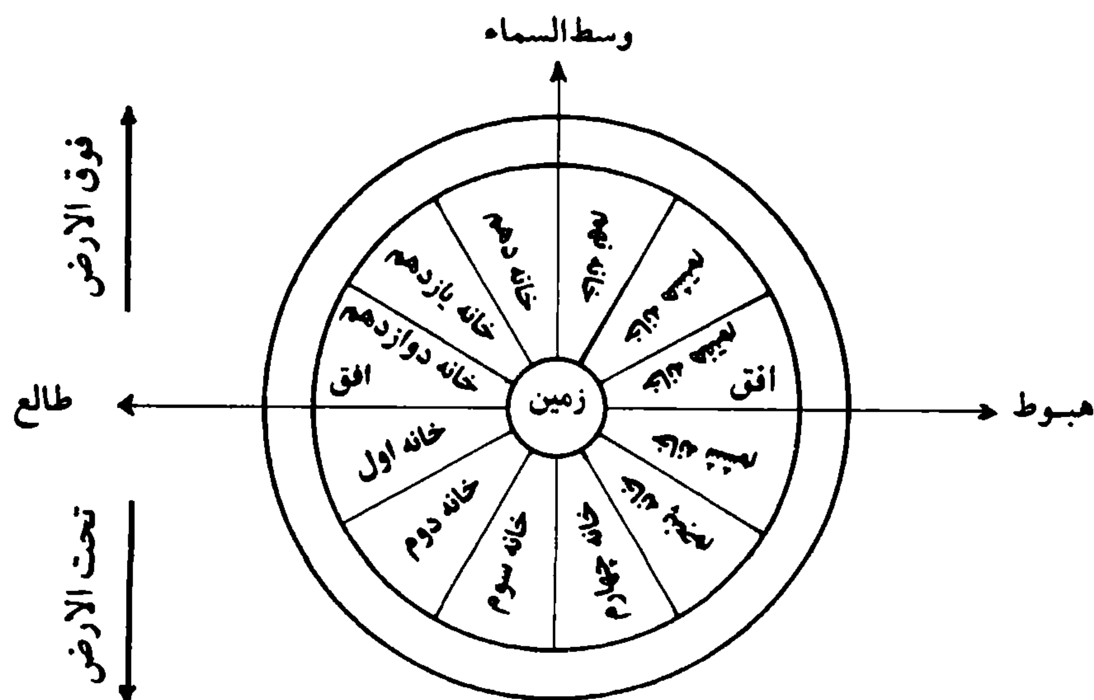
۲۱ ـ این زمان معین یا وقت دقیق، تولد مولود است و یا زمانی خاص که منظور از آن استخراج مسئله‌ای باشد.

۲۲ ـ نظرات متعاقباً تشریح خواهند شد.

۲۳ ـ ایضاً متعاقباً.

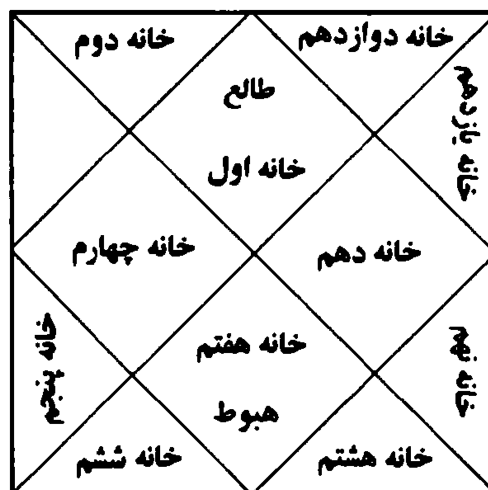
۲۴ ـ البته این لغت را بادی نجومی هم گفته‌اند، ولی به هر حال هر دو واژه مذکور اشتباه است چون بادی همان body انگلیسی و فلکی کلمه‌ای عربی است، و این دو واژه نمی‌توانند از لحاظ دستور زبان با هم ترکیب شده و معنی واحدی را برسانند ولی متأسفانه به وسیله عده‌ای از منجمین ناآگاه مورد استفاده واقع شده است.

آسترولوژی ـ علم احکام نجوم ـ امروزی آنرا هورِسکوپ [۲۵] گویند که لغتی مشهور است، و این واژه ازکلمه یونانی هوروسکوپُوس [۲۶] می‌باشد که در آن هورو [۲۷] بمعنی ساعت و سْکوپوس [۲۸] به معنی میدان و هدف مطمح نظر و مشاهده است.
و اما منجمین شرقی و غربی هرکدام زایجه خاص خود را رسم می‌کنند که به نظر من بهترین زایجه یا هوروسکوپ، نوع غربی آن است که به علت مستدیر بودن بهتر میتوان کره آسمانی را در ذهن تصویر نمود.

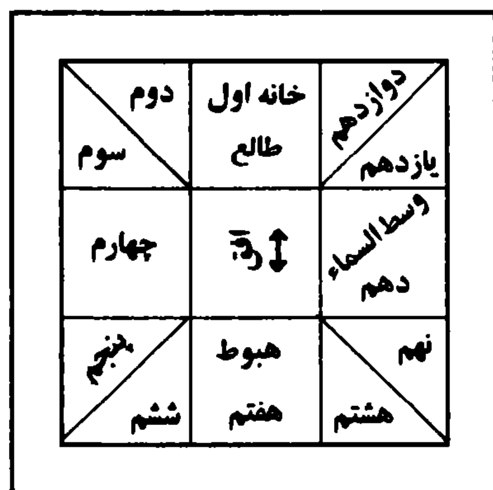


نمونهٔ ساده‌ای از زایجه غربی

۲۵ - Horoscope.
۲۶ - Horoskopose.
۲۷ - Horo = Haro = Hour.
۲۸ - Skopos = Scope = Observation.



نمونهٔ ساده‌ای از زایجه هندی



نمونهٔ ساده‌ای از زایجه ایرانی

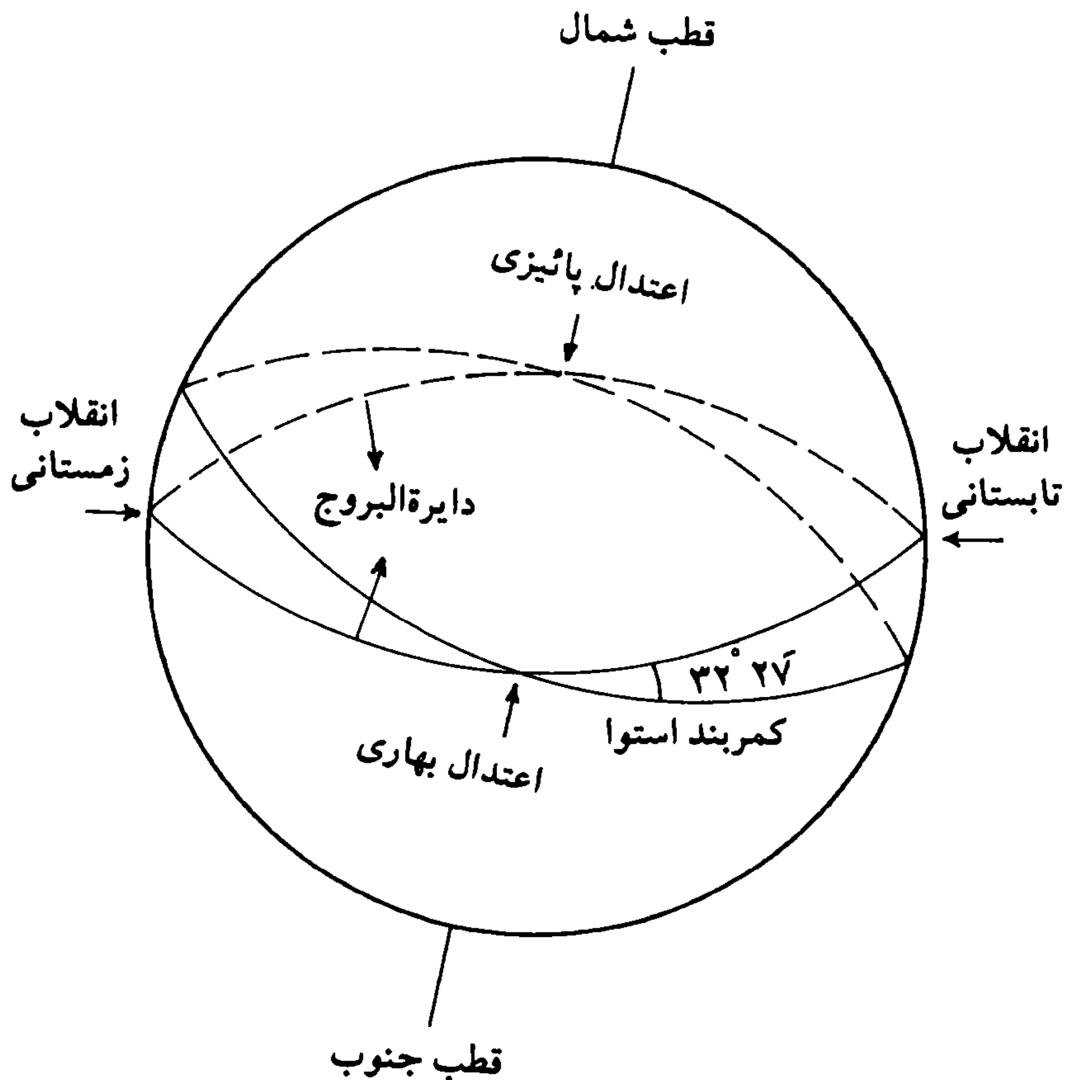
دایرةالبروج[۲۹]:

هنگامی که زمین را سیاره‌ای بدانیم، کرهٔ سماوی آن کرهٔ موهومی خواهد بود که زمین را تا بی‌نهایت دور در برگرفته و خط استوا و قطب‌ها بر آن رسم شده‌اند، بنابراین صفحهٔ مدار زمین به دور خورشید از مرکز کرهٔ سماوی می‌گذرد، تقاطع این صفحه، با کرهٔ سماوی دایرهٔ عظیمی خواهد بود به نام دایرةالبروج، بنابراین صفحهٔ دایرةالبروج صفحهٔ مدار زمین به دور خورشید است. چون این صفحه تغییر نمی‌کند، دایرهٔ عظیم دایرةالبروج بر کرهٔ سماوی نسبت به نقاط دیگر (مثلاً ستارگان) که بر آن ترسیم شده است، موضع ثابتی دارد. میل محور زمین نسبت به خط عمود

---

۲۹ ـ ecliptic متأسفانه در برخی از کتب اختر شناسی علمی بعضی از مترجمین محترم معنای این واژه را فلک البروج نوشته‌اند و این معنا اشتباه است چون دایره با فلک متفاوت است.

بر صفحهٔ دایرةالبروج ۲۳°، ۲۷′ ـ بیست و سه درجه و بیست و هفت دقیقه است ـ بنابراین صفحهٔ دایرةالبروج هم همان زاویه را، با صفحهٔ استوا می‌سازد[۳۰].



فلک:

به معنای سپهر، آسمان باکواکبش، جای حرکت کرات سماء می‌باشد[۳۱]. جمع آن افلاک است.

---

۳۰ ـ فرهنگ اندیشهٔ نو.

۳۱ ـ دائرة المعارف سیاح.

فلک‌البروج [۳۲] همان کرهٔ آسمانی است [۳۳] که استاد ابوریحان بیرونی نیز در آثارالباقیه به همین نام آورده است، آن را کرهٔ سماوی [۳۴] نیز می‌گویند.

اقلیم [۳۵]:

که جمع آن اَقالیم است، به معنی رُکن و بخش ویا سرزمین است و قدما تمام دنیا را به هفت بخش تقسیم کرده و هر قسمت را به یکی از سیارات منسوب نموده بودند که احوالات مردمان و سرزمین‌هایشان را بر حسب مدلولات کواکب منصوبه استخراج می‌نمودند. این تقسیم‌بندی در آسترولوژی امروزی تا حد زیادی فرق کرده و دقیق‌تر شده است.

منطقة‌البروج [۳۶] در فصل پنجم مشروحاً بیان گردیده است.

سیاره [۳۷] همان کوکب است که در فارسی مورد استعمال دارد و منظور کراتی است که بر گِرد خورشید در منظومهٔ شمسی می‌چرخند و اینها در مقابل ثوابت یا ستارگان [۳۸] هستند که در قدیم هفت سیاره یا کوکب شناخته شده بود ولی اکنون نُه سیاره در منظومهٔ شمسی شناخته شده، ناگفته نماند که اهل تنجیم ماه و خورشید را نیز در محاسبات خود جزو کواکب می‌آورند.

در فارسی به جای واژه‌های ماه و خورشید بیشتر الفاظ قمر و شمس بکار می‌رود.

---

۳۲ - Celestial Sphere.
۳۳ - Celestial Sphere.
۳۴ - Celestial Sphere.
۳۵ - Realm.
۳۶ - Zodiac.
۳۷ - Planet.
۳۸ - Stars.

کوکب مربی یا سیاره حاکم[۳۹] که در فارسی کلمه اولی را بکار می‌برند و منظور کوکب یا سیاره‌ای است که در برج خاص خود بیشترین تأثیر را دارد.

خانه[۴۰]:

که جمع آن خانه‌ها میباشد و در فارسی بیشتر بیت و بیوت مورد استعمال دارد و به هرکدام از تقسیمات سی درجه‌ای دوازده‌گانهٔ منطقةالبروج اطلاق می‌شود.

سعد[۴۱] و نحس[۴۲]:

هریک از کواکب علی‌الخصوص کواکب هفتگانه به واسطه طبع و مزاجی که به آنها منسوب است با تأثیرات خوب یا بد شناخته می‌شوند که این حالات را سعد یا نحس گویند[۴۳].

طالع[۴۴]:

بطور کلی طلوع هرکدام از سیارت را از طرف مشرق گویند ولی در آسترولوژی ـ احکام نجوم ـ مهمترین علامت مفرده (نقطه مؤثر) بر روی زایجه است و نشان دهندهٔ درجه و مکان یکی از خانه‌های دوازده‌گانه منطقة البروج در افق مشرق در زمان مشخص، مانند تولد و یا سؤال است و نقطه مقابل طالع را در مغرب که افول است هبوط[۴۵] نامند.

---

۳۹ - Ruling Planet.

۴۰ - House.

۴۱ - good fortune.

۴۲ - bad fortune.

۴۳ ـ فراموش نشود که این مطالب بسیار خلاصه و فشرده می‌باشد.

۴۴ - Ascendant.

۴۵ - descendant.

اختیار ایام[۴۶]:

محاسبه و استخراج سعد و نحس روزها جهت انجام امور کارها همچون عقد و عروسی و سفر و غیره. در این باب کتابی هست که منسوب به دانیال نبی[۴۷] میدانند وگرچه عبریان هم بر حسب آن عمل می‌کنند ولی باید دانست که اختیار ایام برای هر شخص با دیگری متفاوت است.

جدول اِفِمِریس یا رافائِل اِفِمِریس[۴۸]:

در دههٔ ۱۸۲۰ میلادی (روبرت کروس اسمیت)[۴۹] در انگلستان برای احیای علم احکام نجوم کوشش‌های فراوانی مبذول داشت بطوریکه محاسبات و روش کار او سر مشق آسترولوژرهای اروپا شد او با نام مستعار رافائل سردبیری چند مجله نجومی را به عهده گرفت و تقویم نجومی مخصوصی را بنیاد نهاد که محاسبات آن قرن به قرن است. یعنی هر صدسال، و بعد از او نیز جانشینانش کار او را پیروی کردند تا اینکه امروز در تمام دنیا دقیق‌ترین و شاید بتوان گفت تنها زیج یا آلمانک نجومی مورد استفاده آسترولوژرها همان تقویم نجومی اوست که به وسیله رصدخانه‌های انگلستان منتشر می‌شود. در فصل دوازدهم راجع به او بیشتر خواهیم خواند.

---

۴۶ - election.

۴۷ ـ گرچه در علم احکام نجوم سنتی در اکثر مناطق مشرق زمین از مدلولات این کتاب استفاده میشوده ولی اعتبار و سندیت و صحت تام ندارد.

۴۸ - Raphael's Ephemeris.

۴۹ - Robert Cross Smith.

□ فصل چهارم

نظرات کواکب ـ نام ماهها و سمبل‌های بین‌المللی

نظر در لغت به معنی نگاه و دیدار و مشاهده است و جمع آن نیز نـظرات میباشد اما در نجوم به معنای فاصلهٔ زاویه‌ای بین دو یاچند سیاره است. و به دلیل اینکه سیارات منظومه شمسی همگی در مدارهای خود منظماً در حال دَوران به دور خورشید می‌باشند پس خواه نا خواه این زوایا نیز دائماً در حال تغییرند و از صفر درجه تا °۱۸۰ دگرگونی دارند و این مورد در نجوم احکامی کاربرد فراوان دارد و هر نظر[۱] یا فاصلهٔ زاویه‌ای سعادت و نحوستی را بر طالع فرد یا وقایع عالم می‌گذارد که حتماً باید مورد دقت و مکاشفه قرارگیرد و در غیر اینصورت حکم احکام راست نیاید. مهمترین "نظرات کواکب[۲]" که از زمان بطلمیوس [۳] تا بحال مورد مـوافـقت منجمین شرقی و غربی است، پنج مورد می‌باشد، ولی اخیراً آسترولوژرهای غربی فی مابین این زوایا یعنی از صفر تا صدوهشتاد درجه را به تقسیمات دیگری منقسم ساخته‌اند که مورد استفاده قرار میدهند و من در اینجا به ساده‌ترین بیان، همان پنج مورد اصلی را بیان میکنم.

---

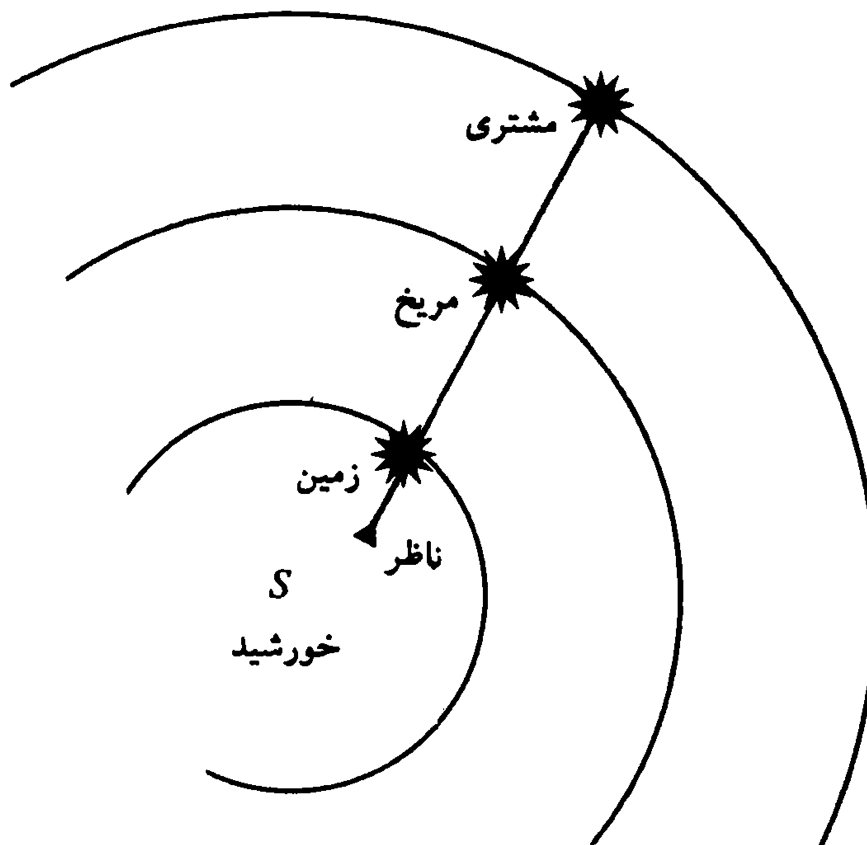
۱ - aspect.

۲ - aspects of Planets.

۳ ـ شرح حال او بعداً خواهد آمد و ضمناً در این کتاب با نام او زیاد برخورد خواهیم کرد.

۱ ـ نظر مقارنه[۴]:

یعنی دو سیاره ـ کوکب ـ یا بیشتر در یک راستا در یکی از بروج منطقة‌البروج واقع شوند، "مثلا اگر مریخ در ۱۴° درجه برج حمل است مشتری هم در ۱۴° درجه همان برج باشد، البته همانطور که گفته شد حداقل دو کوکب و حال آنکه تعداد بیشتری از کواکب نیز میتوانند در همین حالت واقع شوند.

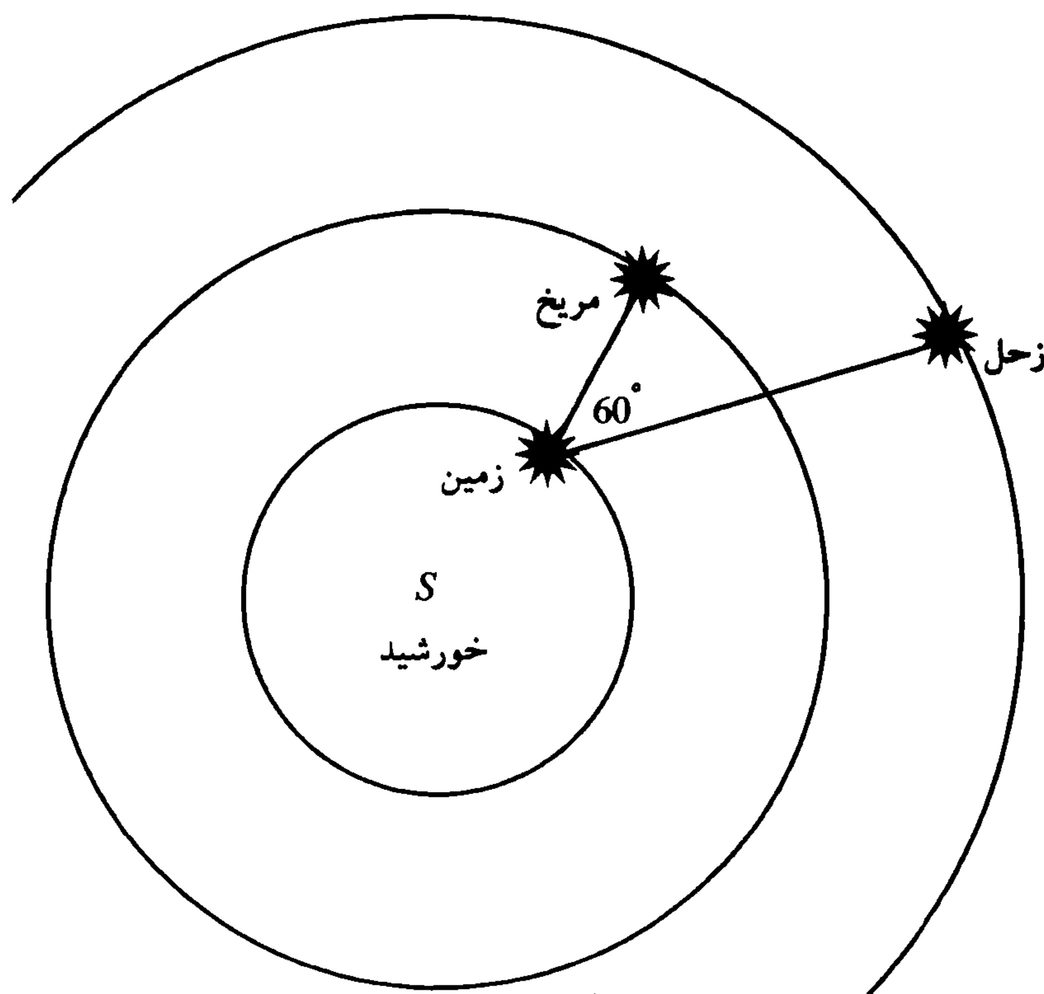


این حالت نَه سعد است و نَه نحس و بستگی دارد به دیگر کواکبی که در نزدیکی این برج واقعند. همانطور که از شکل الف معلوم می‌شود زاویه دید ناظر نسبت به این دو کوکب صفر درجه است.

۴ - Conjunction.

۲ ـ نظر تسدیس[۵]:

وقتی که فاصلهٔ زاویه‌ای[۶] بین دو یا چند سیاره ـ کوکب ـ شصت درجه باشد گویند که آن دو یا چند سیاره به حالت تسدیس هستند[۷]. این حالت از لحاظ تأثیر نیمه سعد است.



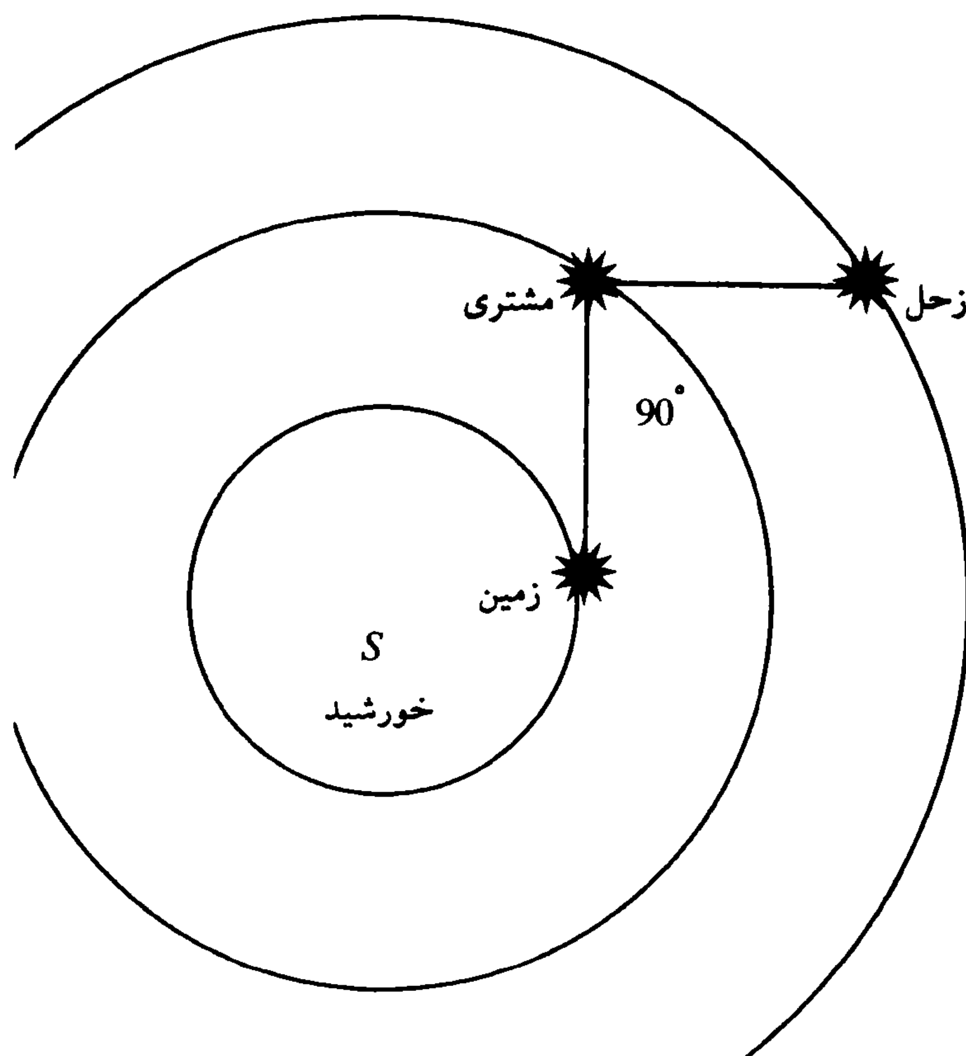
۵ - Sextile.

۶ ـ این فاصلهٔ زاویه‌ای به رویت ناظری است که روی زمین ایستاده.

۷ ـ در متون قدیمی فارسی غالباً نوشته شده به حالت (تسدیس، تربیع و غیره نشسته).

۳ ـ نظر تربیع[۸]:

اگر فاصله زاویه‌ای بین دو یا چند کوکب نود درجه باشد گویند این کواکب به حالت تربیع نشسته‌اند و نظر تربیع نحس است[۹].



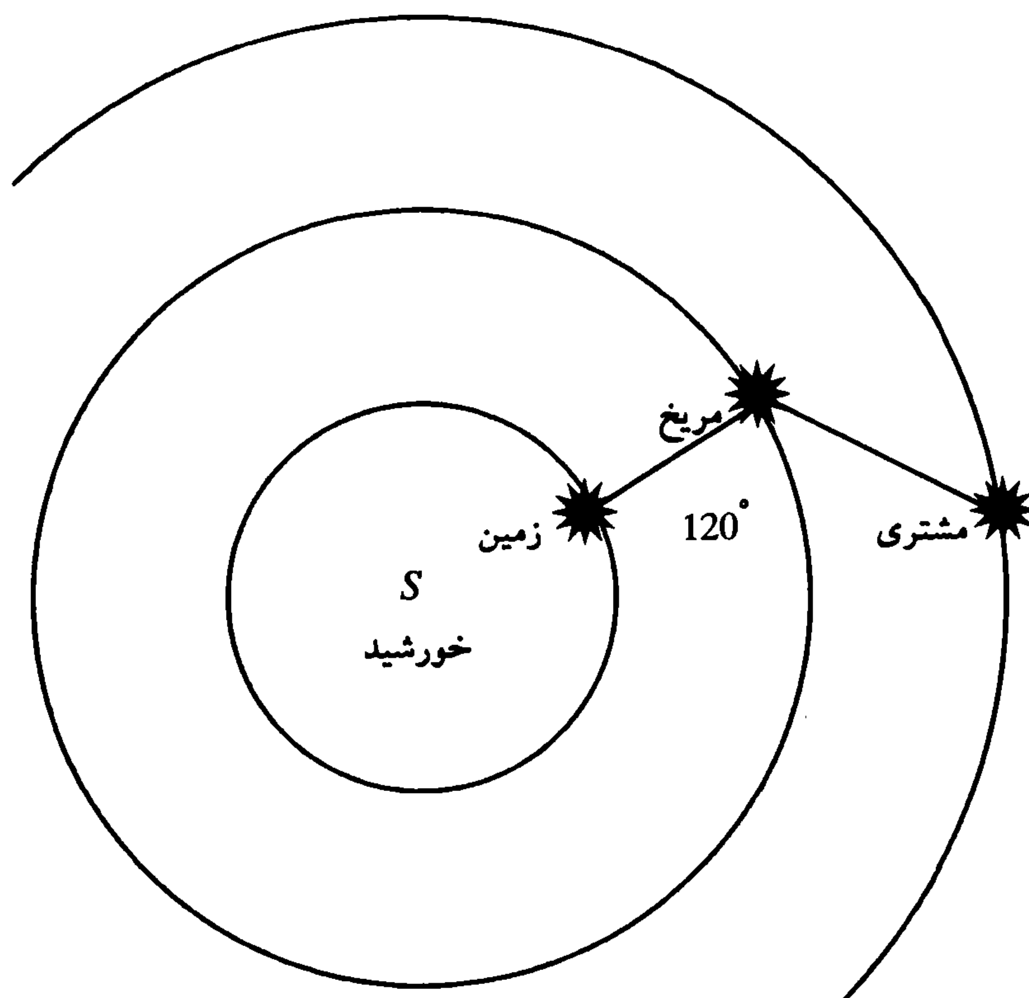
---

۸ - Square.

۹ ـ تربیع از لحاظ نجوم احکامی اول خوب و آخر بد است و بدین لحاظ آن را نحس گرفته‌اند، یعنی اگر اثر خوبی در این حالت برای انجام کاری مشاهده شود به هر حال عاقبت آن نافرجام است.

۴ ـ نظر تثلیث[10]:

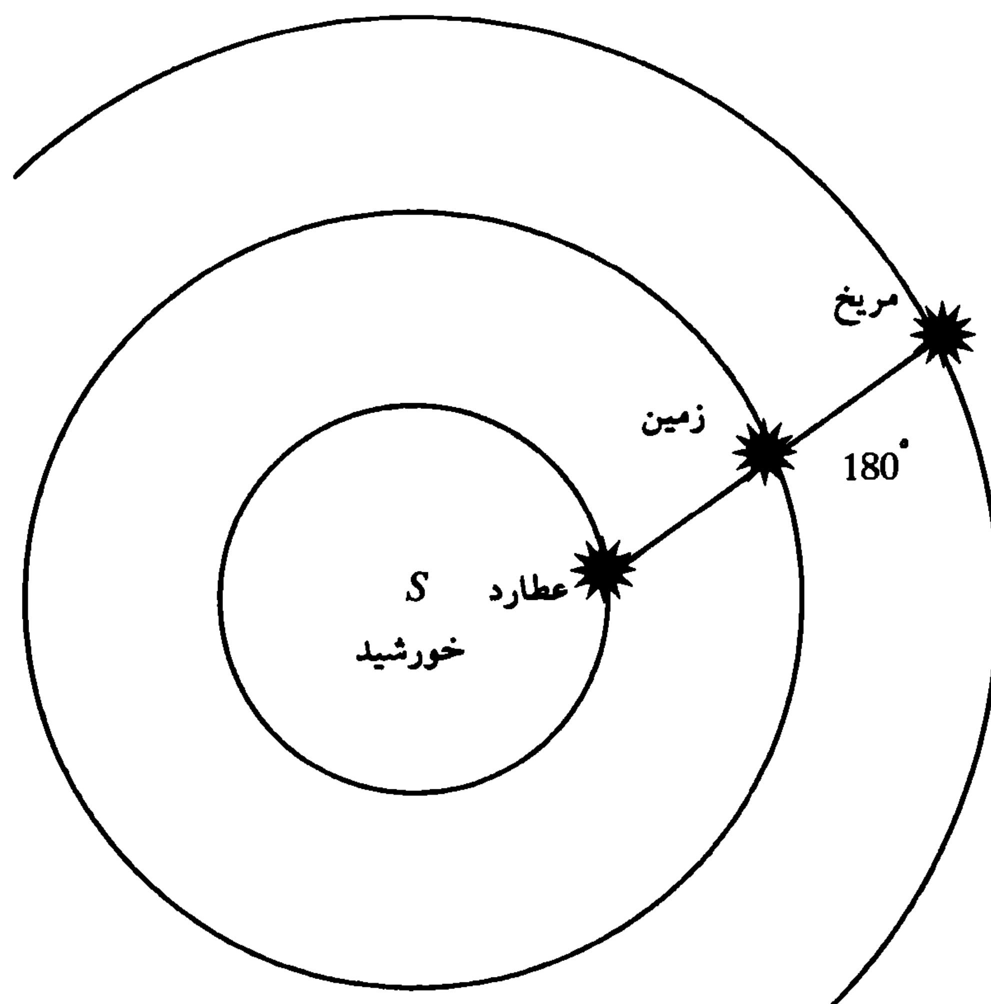
اگر فاصلهٔ زاویه‌ای بین دو یا چند کوکب یکصدو بیست درجه باشد گویند آنها به حالت تثلیث نشسته‌اند و نظر تثلیث بسیار مسعود است.



۱۰ - Trine.

۵ ـ نظر مقابله[۱۱] :

اگر فاصلهٔ زاویه‌ای میان دو یاچند کوکب یکصدو هشتاد درجه باشد آنها را به حالت مقابله گویند و این نظر چنانچه فی‌ما بین دو سیاره نحس مثل مریخ و زحل باشد نحس و چنانچه بین دو سیاره سعد مثل زهره و عطارد باشد سعد است. یعنی نظر مقابله بستگی به سعادت و نحوست ذاتی منسوب به کواکب دارد که در کتب نجوم احکامی مفصلاً راجع به آنها صحبت شده است.



۱۱ - Opposition.

همانطور که در آغاز این فصل گفته شد نظرات مهم و کلی پنج مورد است و هر زاویه دیگری که مابین این اعداد باشد (از صفر تا °۱۸۰) به هرکدام از حالت‌های فوق الذکر که نزدیکتر بود خاصیت آن نظر را به او می‌دهند یعنی یک فاصله یکصدو بیست و پنج درجه‌ای را چون به تثلیث نزدیکتر است مسعود می‌دانند. اما علم آسترولوژی غربی حدود هجده حالت کلی را در نظر می‌گیرد و آن به این ترتیب است که هر زاویه‌ای که به ۱۸ قابل قسمت بود سعد است و هر زاویه‌ای که به ۲۲/۵ قابل قسمت بود نحس است. الاّ زاویه °۹۰ یا تربیع که هم به ۱۸ و هم به ۲۲/۵ قابل قسمت است لذا آن را نحس دانسته‌اند و به همین خاطر می‌گویند اول خوب است و آخر بد و چون در تمام امور نتیجه کارها مورد نظر است پس نتیجه کلی یعنی نحوست را به آن داده‌اند.

در علم احکام نجوم شرقی (ایرانی، عربی، هندی) فاصلهٔ °۱۵۰ درجه‌ای را ساقط[۱۲] می‌دانند یعنی می‌گویند هیچ تأثیری ندارد و حال آنکه در علم آسترولوژی غربی آن را با خواص نزدیک به مقابله می‌دانند و این مطلب صحت داشته و تجربه شده است.

محاسبات زاویه‌ای فوق بر اساس مثلثات کروی است که در نجوم ـ آسترونومی ـ کاربرد فراوان دارد. و علت بیان این نظرات این بود که نه تنها خواننده گرامی با بعضی از اصطلاحات و کاربردهای آنها آشنا شود بلکه چون در فصول آینده به روش‌های تحقیقی بعضی از دانشمندان و کشفیات آنها در مورد وضعیت هوا و یا امواج رادیوئی بر می‌خورد و می‌بیند که مثلاً در فلان موقع که تربیع کواکب بوده (°۹۰ درجه) پخش امواج رادیوئی وگیرائی آن توسط گیرنده‌ها ضعیف و با اغتشاش همراه بوده است، درک بهتری را از مطلب داشته باشد.

چون هرسی درجه از منطقةالبروج[۱۳] را خورشید در یک ماه (شمسی) طی می‌کند،

---

۱۲ ـ inconjunction که نام دیگر آن quincunx یا پنجه است چون ۵ فاصلهٔ سی درجه‌ای بین کواکب است.

۱۳ ـ مفهوم کلی منطقه‌البروج در فصول آتی مشروحاً بیان خواهد شد.

لذا اصطلاحاً هر ماه را یک برج می‌گویند و هر برج دارای نام خاصی متأثر از همان صورت فلکی مسمیٰ به آن می‌باشد. در زیر نام بروج آورده می‌شود[۱۴].

تعداد ماه‌ها	نام ایرانی ماه	نام معمول برج در نجوم‌احکامی	کوکب مربی[۱۵]
۱	فروردین	حَمَل	مریخ
۲	اردیبهشت	ثُور	زهره
۳	خرداد	جوزا	عطارد
۴	تیر	سرطان	ماه (قمر)
۵	مرداد	اسد	خورشید (شمس)[۱۶]
۶	شهریور	سنبله	عطارد
۷	مهر	میزان	زهره
۸	آبان	عقرب	مریخ و پلوتو
۹	آذر	قوس	مشتری
۱۰	دی	جدی	زحل
۱۱	بهمن	دلو	اورانوس و زحل[۱۷]
۱۲	اسفند	حوت	نپتون و مشتری[۱۸]

---

۱۴ ـ در بخش سوم جدول کاملی از اسامی بروج به زبانهای فارسی و عربی و لاتین و انگلیسی و فرانسه ارائه شده است.

۱۵ ـ یعنی سیاره‌ای که خاصیت خود را به آن برج داده و نتیجتاً موالید آن ماه تحت نفوذ مستقیم او واقع میشوند.

۱۶ ـ آفتاب هم می‌گویند.

۱۷ و ۱۸ ـ در احکام شرقی اورانوس و نپتون را دخیل ندانسته و به همان سبک سنتی قدیم زحل و مشتری را مربی بهمن و اسفند می‌دانند ولی اصحح آن است که بگوئیم برج دلو که کوکب مربی آن اورانوس است و طبع زحل را دارد و ایضاً برج حوت که کوکب مربی آن نپتون است و طبع مشتری را دارد.

سمبل‌های بروج	سمبل‌های کواکب ـ سیارات	سمبل های نظرات
۱ ـ فروردین(حمل) ♈	خورشید ☉	مقارنه ☌
۲ ـ اردیبهشت(ثور) ♉	ماه ☽	مقابله ☍
۳ ـ خرداد(جوزا) ♊	عطارد ☿	تربیع □
۴ ـ تیر(سرطان) ♋	زهره ♀	تسدیس ✱
۵ ـ مرداد(اسد) ♌	مریخ ♂	تثلیث △
٦ ـ شهریور(سنبله) ♍	مشتری ♃	ساقط یا پنجه[۱۹] ⚻
۷ ـ مهر (میزان) ♎	زحل ♄	
۸ ـ آبان (عقرب) ♏	اورانوس ♅	
۹ ـ آذر(قوس) ♐	نپتون ♆	
۱۰ ـ دی (جدی) ♑	پلوتو ♇	
۱۱ ـ بهمن (دلو) ♒		
۱۲ ـ اسفند (حوت) ♓		

۱۹ ـ پنجه ترجمه‌ای است که من «مؤلف» بر کلمه inconjunction یا quincunx با توجه به تعریف لغت در لاروس فرانسه و لاروس آسترونومی و در رابطه با نجوم احکامی گذارده‌ام و معتقدم که کلمه ساقط باید حذف شود.

فصل پنجم

خشت و آجر علم احکام نجوم

سه مشخصه مهم بر روی هر زایچه موجود است که عبارتند از، علائم منطقةالبروج، کواکب و خانه‌ها، علائم مانند وسائل نقلیه نامرئی هستند که هیچگونه تأثیری بر روی انسان ندارند، و زمانی مؤثر می‌افتند که نیروهای فعال کواکب آنها را به نوسان در آورد. یعنی سیارات با نیروهائی که از خود مانند امواج رادیوئی ساطع می‌کنند بر این علائم که مانند آنتن هستند اثر می‌گذارند یا به عبارتی دیگر، کواکب مانند هنرپیشه‌های مختلفی می‌باشند که بر روی صحنهٔ نمایش هرکدام نقش‌های مختلفی را بازی می‌کنند.

صحنه‌ای راکه این کواکب (سیارات) نقش‌های خود را ایفاء می‌کنند در واقع بر روی کمر بند بزرگ و پهناوری است (البته به طور فرضی) که دور تا دورکره زمین مدور گشته و به مقیاس °۸ درجه در پهنا و °۳۶۰ درجه در محیط ـ طول ـ می‌باشد. این کمر بند به محاذات عرضه‌ای است که خورشید سالیانه در آن، به نظر می‌آید که به دور زمین می‌چرخد، این پَهنه یا عَرضه یا گذرگاه را دایرةالبروج[۱] می‌گویند، لازم به تذکر است که در علم احکام نجوم و برای آسترولوژرها بر همان مبنای قدیم زمین مرکز کرهٔ آسمانی می‌باشد، نه خورشید. و این معنا آنچنان هم پوچ و بی‌مورد نیست

---

۱ - ecliptic.

زیرا آسترولوژی موقعیت‌های نسبی ستارگان و سیارات و اجرام سماوی را که در هرلحظهٔ بخصوص در مقابل زمین و یا در مقابل یکدیگر نسبت به زمین قرار می‌گیرند مورد بحث قرار می‌دهد، و از نظر دانش (سرعت نسبی)[۲] هم جای گزینی زمین در مقابل خورشید در حرکات نسبی گردشی کواکب در مدارهایشان اختلالی از نظر محاسبه ایجاد نمی‌شود.
حال در این وضعیت اگر خوب بتوانیم زمین را مرکز (سیستم سیارات) فرض کنیم، آنگاه در نظر گرفتن گردش سایر کواکب به دور زمین آسانتر می‌شود. پس در این حالت دایرةالبروج گذرگاه خورشید به دور زمین در عرض یکسال خواهد بود یا، به شرحی بهتر، اگر به مدت یکسال تمام هر روز هنگام ظهر بر روی زمین که نور آفتاب بطور کاملاً عمودی می‌تابد علامت بگذارید و بعد از این مدت نقطه‌ها را به هم متصل کنید دایرةالبروج را بدست می‌آورید.
«رجوع شود به شکل صفحه ۱۷»

شکل الف نشان می‌دهد که دایرةالبروج با صفحهٔ استوا زاویه انحرافی کمی را می‌سازد و همین زاویه است که باعث تغییر فصول می‌شود. مثلاً اگر در نیمکره شمالی باشیم چلهٔ تابستان[۳] نقطه‌ای است که دایرةالبروج دورترین فاصله از صفحهٔ استوا را دارد و نقطه‌ای را که خورشید به آن می‌رسد نقطه انقلاب تابستانی[۴] گویند و تشابهاً در هنگام زمستان خورشید به نقطه انقلاب زمستانی[۵] می‌رسد و بر عکس این حالت همیشه برای نیمکره جنوبی خواهد بود. نقاط انقلابی بر دو عرض

---

۲ - Relative Velocity.

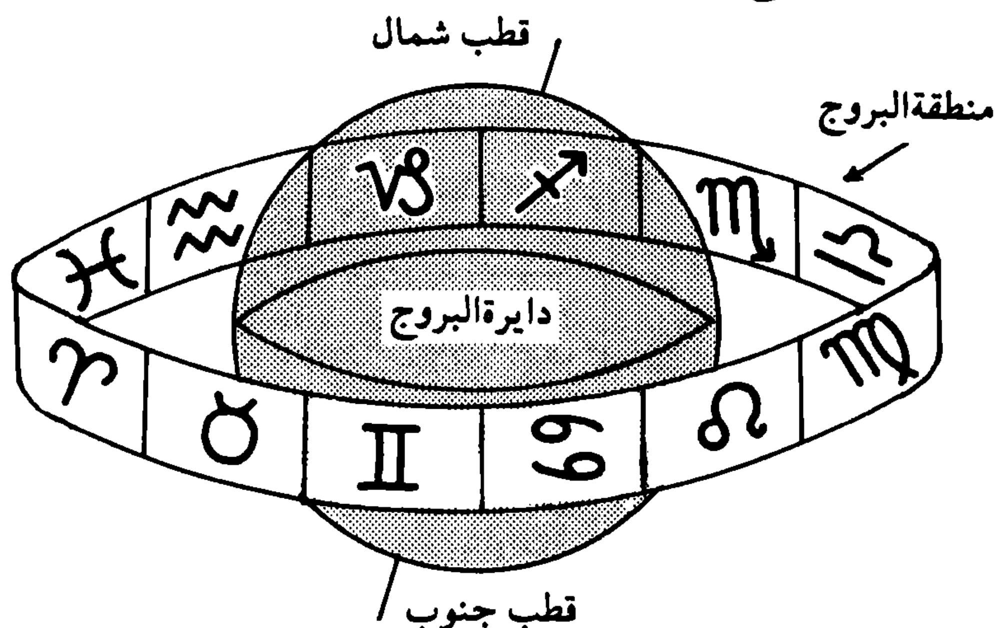
۳ - height Of Summer.

۴ ـ Summer Solstice نقطهٔ تحویل تابستانی هم میگویند.

۵ ـ Winter Solstice نقطهٔ تحویل زمستانی هم میگویند.

جغرافیائی [۶] به نامهای مدار رأس‌السرطان[۷] و مدار رأس‌الجدی[۸] می‌باشد. به دلیل اینکه از لحاظ زمانی درست منطبق هستند با وقتی که خورشید به اول این مدارات می‌رسد. دو نقطه محل تقاطع دایرةالبروج و صفحهٔ استوا هرکدام نقاط آغازین بهار و پائیز می‌باشند و آنها را اعتدال‌بهاری[۹] و اعتدال‌پائیزی[۱۰] می‌گویند.

حال برگردیم به همان کمر بند مفروض، یعنی اگر این دایرةالبروج را به شکلی به کرهٔ عظمیهٔ آسمانی[۱۱] بتابانید در حالیکه به اندازهٔ ۸° درجه آن را عریض نموده‌اید در میان آن نواری از مجمع الکواکبی[۱۲] را خواهید داشت که خورشید هر ماه در میان یک کدام از اینها طلوع و غروب می‌کند، این نوار عریض بر کرهٔ عظیمهٔ آسمانی را منطقةالبروج[۱۳] می‌گویند.



۶ - Latitude.
۷ - Tropic Of Cancer.
۸ - Tropic Of Capricorn.
۹ - Spring equinox.
۱۰ - autumn equinox.
۱۱ - Celestial Sphere.
۱۲ ـ Constellation. صورت فلکی هم میگویند.
۱۳ - Zodiac.

بابِلی‌ها که مخترع این منطقةالبروج (فرضی) هستند آن را به دوازده قسمت تقسیم کردند چون در هر سال تقریباً دوازده ماه قمری موجود است و آنها این مطلب را دریافته بودند و به هرکدام از این قسمت‌ها یکی از نامهای اساطیری را دادند.

در اینجا لازم است در مورد کلمهٔ تقدیم اعتدالین یا انحراف اعتدالین[۱۴] توضیح دهم، آنچه که از لحاظ نجومی به نظر می‌آید آن است که گردش سالیانه خورشید از میان مجمع الکواکب کاملاً ثابت نیست، مثلاً در آغاز هر بهار موقعیت خورشید نسبت به نقطه سال قبل کمی تغییر می‌کند در نتیجه در طول ۲۰۰۰ سال کاملاً از یک برج به برج دیگر منتقل می‌شود و در مدت ۲۵,۹۲۰ سال یک دور کامل از منطقةالبروج را می‌پیماید. به طور مرسوم حَمَل اولین برج منطقةالبروج است چون خورشید در اعتدال بهاری به اولین نقطه آن می‌رسد[۱۵].

اما در حقیقت مدتها قبل این نقطه اعتدالی به حوت رسیده بود و اکنون نزدیک دلو است و منجمین بر این مورد اهمیت خاصی قائل‌اند چون (دورهٔ دلو) را طلوع ناراحتی‌های روحی و وسواس‌های فکری می‌دانند.

به دلیل همین تقدیم اعتدالی و جابجائی نقطه آغاز بهاری ـ و متوالیاً بقیه فصول ـ علائم مرسوم منطقةالبروج که به وسیله منجمین سنتی بکار برده می‌شود دیگر تطابقی با نامهای اولیه آنها ندارد.

برای مثال یک آسترولوژر[۱۶] می‌گوید که در اعتدال بهاری خورشید در برج حمل طلوع می‌کند ولی یک آسترونومر[۱۷] طلوع خورشید در نقطه اعتدال بهاری را فعلاً برج

---

۱۴ ـ Precession Of The equinoxes. ، تقدم اعتدالین و انحراف اعتدالین صحیح است ولی امروزه در بیشتر کتابها تقدیم اعتدالین نوشته میشود.

۱۵ - First Point Of Aries.

۱۶ ـ متخصص نجوم احکامی.

۱۷ ـ متخصص نجوم فنی یا ستاره شناسیِ صرف.

حوت و یا خیلی نزدیک به دلو می‌داند، اما باید توجه داشت که منظور یک آسترولوژر صرفاً سمبل‌های مجمع الکواکب در یک سال کامل می‌باشند ولی منظور یک آسترونومر فقط گروه اصلی ستارگان یک مجمع الکواکب است.
پس در حقیقت دو منطقةالبروج وجود دارند، اولی منطقةالبروج مداری[۱۸] که مساعی آن ایجاد نقاط انقلابی سالهای شمسی (تابستانی و زمستانی) و اعتدالات (بهاری و پائیزی) است و این مرسوم ترین نوعی است که منجمین سنتی مورد استفاده قرار می‌دهند. و دومی منطقةالبروج نجومی[۱۹] است که متعاقب موقعیت‌های واقعی ستارگان در آسمان است. البته وجود این دو منطقةالبروج برای آسترولوژری که می‌خواهد مبنای محاسباتش را بر پایه‌های علمی قرار دهد کمی غامض و دشوار است.

خوب تا اینجا فعلاً راجع به وضعیت کواکب و علائم صحبت شد، حال بهتر است که راجع به سومین عامل مهم یعنی (خانه‌ها) [۲۰] نیز توضیح دهم چون استخراج پاسخ سئوالات و دلیل وقایع و غیره همگی منوط به دانستن منسوبات[۲۱] خانه‌هاست. ولی قبلاً لازم است که باز هم راجع به معانی بعضی از اصطلاحات نجومی کمی بیشتر بدانیم.

خانه‌های منطقةالبروج نیز مانند علائم دوازده عدد هستند، اما به جای اینکه آسمان را به دوازده قسمت بخش نمایند، تقسیمات سطح زمین می‌باشند که بر منطقةالبروج آسمان منطبق می‌گردند و بنابر این واژه (دنیوی)[۲۲] در رابطه با موضوعاتی است که به خانه‌ها مربوط می‌شوند. اهمیت خانه‌ها به این دلیل است که مجمع الکواکب یا علامتی که در قسمت شرقی آسمان است در زمان تولد که به

---

۱۸ - Tropical Zodiac.

۱۹ ـ Sidereal Zodiac منطقةالبروج آسمانی نیز می‌گویند.

۲۰ ـ Houses بیوت هم میگویند که جمع بیت است.

۲۱ ـ شرح اصلی منسوبات خانه‌ها در فصل ششم می‌آید.

۲۲ - mundane.

آن طالع[۲۳] می‌گویند عامل مهمی بر روی زایجه می‌باشد.
بـه هـمین مناسبت نـصف‌النهاری هـم کـه ایـن طـالع شـرقی را بـه عـلامت یـا مجمع‌الکواکبی که درست در مقابل آن و در قسمت غربی قرار دارد وصل می‌کند و به آن هبوط[۲۴] می‌گویند مهم است.

چون زمین در مدت ۲۴ ساعت یکبار به دور خود می‌چرخـد پس در ایـن مدت تمام دوازده منطقه را می‌بیند، پس هر دو ساعت رو به طرف یکی از علائم منطقةالبروج است و بنابراین در زایجه زمان دقیق تولد فرد بسیار مهم است.
مطالب فوق توضیح بسیار ساده‌ای بود از آنچه که هست ولی این مطالب بیشتر در مورد عرض‌های جغرافیائی نزدیک به استوا دقیق است و در عرض‌های جغرافیائی نزدیک به قطبین، بعضی از علائم منطقةالبروج (صور فلکی) با توجه به زمان سال بیش از موعد مقرر در زیر افق باقی می‌مانند و به همین خاطر منجمین در صدد بر آمدند تا سیستمی را در تقسیم خانه‌ها بکار گیرند که ایـن اختلافـات را بـتوان در محاسبه آورد. اکنون مرسوم‌ترین شیوه سیستم پلاسیدوس[۲۵] است که به اسم مبتکر آن پلاسیدوس دوتی‌تیز[۲۶] معروف است، پلاسیدوس راهبی بـود کـه در سـالهای ۱۶۶۸ ـ ۱۶۰۳ میلادی زندگی می‌کرد و استاد ریاضیات دانشگاه پادوآ[۲۷] بود.

ولی سیستم معروف و ساده‌ای که از قدیم‌الایام بکار می‌رفته و اکنون نـیز مورد استفادهٔ عامهٔ آسترولوژرها می‌باشد همان سیستم تقسیمات دوازده گـانه‌ای خانه‌هاست و در کاربرد فرق چندانی با سیستم پلاسیدین ندارد. امـا بـرای فـوق متخصصین احکام نجوم بکارگیری سیستم پلاسیدین ضروری است.

---

۲۳ ـ Ascendant or Rising Sign توجه داشته باشید که این لغت با "طالع بینی" فرق دارد.
۲۴ - descendant.
۲۵ - Placidean System.
۲۶ - Placidus de Titis.
۲۷ ـ Padua شهری در شمال شرقی ایتالیا و دانشگاه آنجا که به اسم همان شهر است.

فصل ششم

خانه‌ها ـ بیوت[1]

بهترین راه برای تشریح و بیان کاربرد و عمل‌کرد خانه‌ها از این قرار است: کواکب یا سیارات نیروهائی هستند که بر روی ابناء بشر تأثیر می‌گذارند و علائم منطقة‌البروج چگونگی عملکرد و تأثیر آنهاست و (خانه‌ها) محل تأثیر گذاری آنها می‌باشند. پس به عبارتی ساده‌تر: خانه‌های منطقة‌البروج نمایش دهنده بخش‌های مختلف زندگی روزمرهٔ هر فردی است که نیروهای کیهانی [2] در آنجا به مرحلهٔ ظهور می‌رسند و اگر آسترولوژر ـ منجم ـ بخواهد به سؤالی دنیوی در مورد شخصی، همچون بدست آوردن ثروت، تعداد فرزندان، وضعیت سلامتی، و امثالهم جواب دهد باید به خانه‌های زایجه و آن خانه‌ای که مربوط یا در ارتباط با سئوال است نگاه کرده و تأثیرات کواکب را در آن خانه ملاحظه نموده و پاسخ دهد.

خانه‌ها نیز مانند علائم منطقة‌البروج به دوازده قسمت تقسیم شده‌اند تا شرح و تفسیر و صفات شخصیتی و عمل کرد تأثیرات منسوبه را راحت تر بتوان استخراج نمود. خانه‌ها به سه گروه زاویه‌ای[3]. جانشینی[4] و افولی[5] تقسیم

---

۱ - The Houses.

۲ - Cosmic energies.

۳ - angular.

۴ - Succedent.

میشوند. گروه اول یعنی خانه‌های زاویه‌ای یا در حقیقت (اصلی) یا (وتد) شامل خانه‌هائی است که مختصات زاویه‌ای بر آنها منعکس میگردد همچون (طالع[۶])، و (تحت السماء[۷])، (هبوط[۸]) و (وسط السما[۹]).

و اینها خانه‌های اول و چهارم و هفتم و دهم می‌باشند که ذاتاً نشان دهندهٔ قوت و توان و ابتکار هستند. پس بنابراین وقتی که کواکب به این خانه‌ها نزدیکتر و یا در آن ها واقع باشند ماکزیمم تأثیرات خود را به جا میگذارند. خانه‌های جانشینی (ثابت) یا (مایل الوتد) خانه‌های دوم، پنجم، هشتم و یازدهم می‌باشند که بیشتر انفعالی و دال بر نتیجه امور بوده و از خانه‌های ماقبل خود که هرکدام اصلی یا وتد هستند از قوت کمتری برخوردارند. خانه‌های افولی یا متغیر یا (زایل الوتد) خانه‌های سوم و ششم و نهم و دوازدهم می باشند و دلالت دارند بر پخش و پراکندگی نیروها و انرژی ها.

البته متخصصین احکام نجوم بر سر مدلولات خانه ها در بعضی مواضع اختلاف نظر دارند ولی آنچه را که بطور جهانی و بین المللی مورد توافق قرار داده و هیچ اعتراضی بر آنها ندارند به شرح زیر است:

خانه اول ـ دلیل است بر نوع شخصیت و منش فرد، همچون صورت ظاهر، رفتار، ویژگی های جسمانی و زمان کودکی و چون اولین خانه و طالع هر شخص محسوب میشود نشان دهنده مسیر کلی زندگی در طول عمر است.

خانه دوم ـ دلیل است بر مال و دارائی و مسائل مادی مورد علاقه شخص.

---

۵ - Cadent.

۳ و ۴ و ۵ به عباراتی اینها نیز معادل همان لغات Cardinal و Fixed و Mutable هستند که صحیح‌ترین معنی برای آنها به ترتیب وتد، مائل‌الوتد و زائل‌الوتد است. در کتاب زناشوئی و ستارگان و علی‌الخصوص مشکوةالرمل مفصلاً توضیح داده‌ام.

۶ - Ascendant.

۷ - Lowest - heaven.

۸ - descendant.

۹ - Mid - heaven.

خانه سوم ـ مانند علامت خود یعنی جوزا یا دو پیکر، نشان دهنده فعالیت‌های ذهنی و فکری و ارتباطات جمعی، نامه‌ها و اخبار و ملاقات دوستان و بستگان نزدیک (به غیر از والدین) همچون خواهران و برادران و عموها و دائی‌ها و غیره است.

خانه چهارم ـ بازتابی است از علامت خود سرطان یا خرچنگ یعنی حمایت خانوادگی والدین به ویژه پدر، دوران جنینی، مسائل مربوط به زمین‌ها و خانه‌ها و عوامل وراثتی.

خانه پنجم ـ دلالت دارد بر خلاقیت و سازندگی. مسائل جنسی ابتکارات و اختراعات، امور والدین و فرزندان و استعدادهای هنری.

خانه ششم ـ اصولاً دلیل است بر حالات سلامتی و تندرستی و بیماری‌ها، و همچنین بر وضعیت مرئوسان و خدمتگزاران و زیر دستان.

خانه هفتم ـ این خانه متداعی علامت هفتم میزان یا ترازو است یعنی دلیل است بر هماهنگی و توازن و چون سیاره حاکم آن زهره (ونوس) رب النوع عشق و زیبائی است بر ازدواج و دوستی مربی بوده ضمن اینکه وضعیت دشمنان و شرکاء را هم از این خانه می‌بینند.

خانهٔ هشتم ـ دلیل است بر خوف و خطرات (قراناتی که صدمه جانی به شخص می‌زنند) و بر میراث و انگیزه‌های نهفته جنسی.

خانهٔ نهم ـ مشخصات آن مطابق است با علامت آن قوس یا (تیر[10]) دلیل است بر سفرهای دور و نزدیک و شدت تمایل و علاقه به مسافرت وکارهای فکری و معنوی.

خانهٔ دهم ـ دلیل است بر شغل وکار و حرفه و پیشه و مسائل مربوط به آنها

---

۱۰ ـ در فصل چهارم، در شرح علامات بین‌المللی شکل آن آمده و ضمناً در فارسی به آن کمان نیز می‌گویند.

و همچنین کارهای روزانه.

خانهٔ یازدهم ـ دلیل است برکارها و امور اجتماعی و چون مطابق است با علامت دلو یا آبکش یا سقا که مبیّن کمک و نوع دوستی میباشد، پس مسائل دوستی و عشق و عاشقی نیز به این خانه مربوط میشود.

خانهٔ دوازدهم ـ این خانه چون نهایت خانه‌های منطقةالبروج و در نتیجه زایجه فرد است آن را تاریک و غم افزا می‌دانند و دلیل است بر مشکلات و محدودیت‌ها و جدائی‌ها و گرفتاریهائی همچون اسارت و زندانی و حوادث ناهنچار مانند تصادف و غیره.

فصل هفتم

تاریخ کوتاهی از نجوم احکامی

در سرزمین بابِل[1] جائی که احکام نجوم از آنجا آغاز شد، این علم همیشه بعنوان مهمترین قسمت آموزش‌های تحصیلاتی افراد شمرده می‌شده است. افراد کم سواد و طبقات پائین به راهی نامعقول ستارگان را مورد پرستش قرار میدادند.
به‌هرحال در آن سرزمین افسانه‌ای و متمدن کسی نبود که به نوعی با صُوَر فلکی و مَجمَع‌الکواکب آسمانی که بر هر مصنوع مختلفی از پوست فُک گرفته تا سنگهای زمخت مرزی منقوش بود آشنائی نداشته باشد. در اوائل، علم آسترولوژی یا احکام نجوم برای بابلیان فقط جهت پیشگوئی‌هائی از قبیل بلایای طبیعی، جنگ، شورش‌ها و امثالهم بکار می‌رفت، اما در زمان اسکندر کبیر[2] و فتح آن مناطق به دست او (حدود چهار قرن قبل از میلاد) زایجه‌های فردی نیز برای اشخاص مورد ترسیم و پیشگوئی قرار گرفتند.

همچنین میتوان گفت که سیستم آسترولوژی بابلی ها بعدها به غرب نفوذ کرد

---

۱ ـ Babylonia بابل ـ کلدانیها که از قدیمیترین اقوام سامی به شمار می‌آمدند در خطّه زمینی سکونت داشتند به نام بابل، حدود آن در ۸۸ کیلومتری جنوب بغداد و شمال حِلّه کنار فرات تا خلیج بصره که بین‌النهرین است امتداد داشت، سپس به دست آشوریها افتاد و خراب شد و پایتخت کلده یا امپراطوری نوین بابل گردید.

۲ ـ اسکندر کبیر یا اسکند مقدونی ـ پسر فیلیپ در ۲۰ سالگی به پادشاهی یونان رسید و تا ۳۲ سالگی ایران و سوریه و مصر را فتح کرد «۳۲۳ ـ ۳۵۶» قبل ازمیلاد.

و باعث توسعه و پیشرفت علم غربیان در این باره گردید. البته روش‌های دیگری هم در کشورهای دیگر، مورد استفاده داشته‌اند که غالباً فراموش شده‌اند و اکنون آثاری از آن محاسبات در دست نیست. تمدن‌های قبلی آمریکای مرکزی و جنوبی نوعی از سیستم آسترولوژی را داشته‌اند که مضمون آن در یک قطعه شعر محلی که توسط یکی از اسقف‌های کاتولیک در سال ۱۶۹۸ نوشته شده بیان گردیده، در دفتر حاوی اشعار آمده است: (آنها باور دارند که تولد مردم تحت قوانین ستارگان و کواکب است، آنها زمان دقیق تولد یک فرد را به روز و ماه حساب کرده و شرایط زندگی و سرنوشت او را پیشگوئی می‌کنند و آنچه را که بد و خوب است میگویند).

مایاها[۳] نیز عده‌ای از کاهنان منجم را در اختیار داشتند که مانند بابلیان حرکات اجرام سماوی را از فراز اهرام[۴] می‌نگریسته و ضبط می‌کردند. برتراندراسل فیلسوف معاصر انگلیسی میگوید عده‌ای معتقدند که کاهنان مصری سازنده اهرام به مکزیک رفته و در آنجا تمدن مایاها را بنیان گذاشتند[۵]. سیاره زهره (ناهید) از کواکبی بود که آنها به آن خیلی احترام میگذاشتند و برای حرکات آن یک تقویم ۳۸۴ ساله ساخته بودند و در ضمن آنها به یک منطقةالبروج سیزده خانه‌ای به جای دوازده خانه‌ای اعتقاد داشتند. شکلی از احکام نجوم هم توسط آزتک‌ها[۶] بکار می‌رفت. بیشتر این سیستم‌ها و نمونه‌های یاد شده بعد از فتح تمدن‌های فوق به دست کشور گشایان اسپانیائی که در قرن شانزدهم میلادی اتفاق افتاد به دست کشیش‌های متعصب نابود گردید و تنها جزء کوچکی از آنها امروزه در اختیار است.

---

۳ ـ Mayas مایاها، بومیان امریکای مرکزی (غرب هندوراس، بریتانیا، گواتمالا و شبه جزیرهٔ یوکاتان واقع در مکزیک) بوده‌اند که در دوران قبل از ورود کریستف کلمب به امریکا تمدن درخشانی داشته‌اند.

۴ - Pyramid.

۵ ـ حقیقت و افسانه، راسل.

۶ ـ Aztecs قومی در مرکز مکزیک بودند.

در حقیقت باید اذعان داشت که سیل احکام نجوم به غرب ازجنوب شرقی اروپا و بین النهرین[۷] بوده است. دانش بابلیان توسط کشیشی بنام بروسوس[۸] به یونان برده شد و این شخص در جزیره کوس[۹] مدرسه احکام نجوم را تأسیس کرد. آسترولوژی به زودی جای خود را در میان یونانیان علی‌الخصوص رواقیان[۱۰] که از قبل به نیروهای کیهانی و تأثیرات آنها بر سرنوشت اعتقاد داشتند باز نمود و پیروان بسیاری یافت ضمناً ریاضیات پیشرفتهٔ یونان نیز به استحکام آسترولوژی کمک‌های شایانی کرد.

در تمام کشورهائی که تحت نفوذ قدرت علمی یونان بودند احکام نجوم گسترش یافت. پادشاه مصر بطلمیوس سوم[۱۱] (این پادشاه با آن بطلمیوس دانشمند معروف هیچ ارتباطی ندارد) غیر مستقیم باعث نامگذاری یکی از صور فلکی جدیدالکشف شد. بطلمیوس سوم زمان کوتاهی بعد از ازدواج جهت جنگ با سوریه به آنجا لشکر کشید و همسر جوانش بِرِنیس[۱۲] نذر کرد چنانچه شوهرش به سلامت از جنگ بازگردد موهای زیبایش را که شهرهٔ عام و خاص بود کوتاه کند. بعد از جنگ وقتی مطلع شد که شوهرش به سلامتی عازم بازگشت می‌باشد، به نذرش وفا نمود و موهایش را کوتاه کرد و هنگامی که بطلمیوس به نزد همسر خود رفته و او را با گیسوان بریده و کوتاه دید بسیار خشمگین شد. کاهنان برای تسکین پادشاه و کاستن خشم او اظهار داشتند که گیسوان برنیس شبانه و بطور اسرار آمیزی به آسمان

---

۷ - Mesopotamia.

۸ - Berosus.

۹ - Cos.

۱۰ - Stoics.

۱۱ ـ Ptolemy III بطلمیوس سوم، نوهٔ اسکند، پادشاه مصر که در سالهای ۲۴۶ ـ ۲۲۱ قبل از میلاد در مصر حکومت میکرد و «نیکوکار» لقب داشت.

۱۲ - Berenice.

رفته و صورت فلکی جدیدی را ساخته است. بطلمیوس چون خودش از پیروان احکام نجوم بود مجبور به قبول گفته کاهنان گردید. و به همین خاطر کهکشان برنیس یا مجمع الکواکب گیسو که امروزه در آسمان مشاهده میشود از همین داستان نام گرفته است.

مصر زادگاه مردی بوده است که به حق می توان او را پدر آسترولوژی یا نجوم نامید یعنی کلودیوس بطلمیوس[۱۳] او در اسکندریه زندگی کرد و از جمله کتابهای معرف او دو کتاب ارزنده بنام المجسطی[۱۴] و کتاب الاربعه[۱۵] می‌باشند. که اولی در مورد علم هیئت و نجوم و دومی در مورد آسترولوژی یعنی احکام نجوم است. کتاب الاربعه که بعنوان مرجع احکام نجوم برای قرن‌ها باقی مانده هنوز هم از کاملترین موضوعات تحریر شده در این رشته می‌باشد. این کتاب علاوه بر توضیحات مفصلی که در مورد تأثیرات هر یک از کواکب بر کرهٔ ارض و انسان‌ها و اتفاقات دارد به‌طور دقیقی تشریح زایجه‌های انسانی را حتی درجه به درجه بیان میکند. قسمتی از این کتاب منحصر است به تعریف مناطق جغرافیائی کشورهای[۱۶] کره زمین بر حسب احکام نجوم. بطلمیوس میگوید موالید (مولودهای) ممالکی که به طرف مشرق مشرف میباشند در شجاعت برتر و در رفتار و کردار تحت هر شرایطی بطور بارزتر و دلیرانه‌تری عمل می‌کنند. به دلیل اینکه خورشید که مطلع آن در شرق است به واسطه خاصیت ذاتی خود بعنوان یک کوکب شرقی، روزی، مذکر و ماهر و زبردست بر آنها تأثیر مستقیم میگذارد. برای ساکنین بریتانیا و آلمان، بطلمیوس می نویسد:

---

۱۳ - Claudius Ptolemy.

۱۴ - Almagest.

۱۵ - Tetrabiblos.

۱۶ ـ اقالیم که در فصل سوم تعریف آن گذشت.

(چون این مناطق متعلق به برج حمل و کوکب مریخ می‌باشند، شدیداً افرادی وحشی،متهاجم و درنده خو هستند).

یکی از عللی که باعث توسعه علم آسترولوژی در یونان شد، استفادهٔ آن در مسائل طبی بود[۱۷]، بدین ترتیب که در دورانهای بحرانی زندگی افراد بر حسب گردش سیارات و مکان ستارگان جهت پیشگیری و دفع امراض و ناراحتی‌ها و دستورات و مراقبت‌های ویژه‌ای داده می‌شد، امروزه نیز لغت (کلیماتریک[۱۸]) برای پریودهای بخصوص از دوران زندگی همچنان بکار می‌رود. بنا به همین دلیل استفاده آسترولوژی در پزشکی، روابط و مناسبات خاصی بین علائم دوازده‌گانه منطقةالبروج و سیارات برای انواع درمان‌ها و داروها بنیاد نهاده است. در مورد شفاء و درمان در آسترولوژی عهد باستان بیشتر برداشت‌ها منسوب است به نوشته‌های اساطیری پادشاه مصر بنام نِکِپسو[۱۹] که او نیز نجوم را نزد یک کاهن به نام پتوسیریس[۲۰] آموخته بود. داستان اساطیری این واقعه نقل می کند که یک پزشک تمام درمان‌های اعلام شده توسط نکپسو را برای یکی از بیمارانش بکار می‌برد اما موفقیتی حاصل نمی‌کند، در این هنگام پزشک خود را آماده می‌کند که پادشاه نکپسو را بعنوان یک جاعل و طرار متهم سازد که ناگهان آسکلِپیوس[۲۱] رب النوع

---

۱۷ ـ در نوشته‌های بقراط و جالینوس مکرراً در ارتباط نوع بیماری با کواکب و طریقه درمان از راه شناخت تأثیرات سیارات اشاره شده است.

۱۸ ـ Climateric ، در پزشکی پدیده مرکبی است همراه با توقف اعمال تناسلی زن یا کاهش فعالیت بیضه مرد. این لغت از ریشه Climate به معنای آب و هوا گرفته شده که اطبای قدیم آب و هوای مناطق را در بروز بعضی از ناراحتی‌ها در عده‌ای از ا فراد مؤثر می‌دانستند و بطور کلی و اعم در آسترولوژی «بحرانی» معنی میدهد، یعنی دوره‌هائی از زندگی که انسان در معرض بیماریها قرار می‌گیرد.

۱۹ - Nechepso.

۲۰ - Petosiris.

۲۱ - Asklepios.

حامی پزشکان و داروها ظاهر میشود و به او توضیح میدهد که در استفاده از مکان و زمان صحیح کواکب و ستارگان اشتباه کرده است.

مثال دیگری که در رابطه با اینگونه عقاید اساطیری می‌توان آورد. این است که شوکران[۲۲] با تأثیرگذاری منحوس و شیطانی مریخ حاصل می‌شود و اگر در ایتالیا بدست آید به مراتب سمی‌تر و خطرناک‌تر خواهد بود چون ایتالیا از مناطقی است که مربوط به برج عقرب با کوکب مریخ است ولی در جزیره (کرت[۲۳]) که از مناطق مربوط به قوس می‌باشد اثر مریخ کمتر بوده پس نتیجتاً می‌توان آن را بعنوان داروئی شفا بخش بکار برد.

همچنین نجوم احکامی برای بسیاری از امور دیگر نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. مثلاً برای تعبیر رؤیا، تئوری داده شده بر این منوال بود که در شب‌هائی که در رابطه با بعضی از علائم منطقةالبروج هستند خواب ها حقیقی و در بعضی دیگر از نوع اضغاث و احلام میباشند. و یا کف شناسان[۲۴] به قسمت‌های مختلف دست نام‌های نجومی داده بودند.

آسترولوژی از یونان به روم منتقل شد، جائی که هم پیروان بیشتری بدست آورد و هم مخالفان دو آتشه متعصبی. مثلاً (کاتو[۲۵]) به پیشگوئی های (کلدانی ها[۲۶])

---

۲۲ ـ گیاه علفی از تیرهٔ چتریان، دارای برگهای سمّی بزرگ و شفاف با بریدگی‌های بسیار و گلهای چتری و کوچک.

۲۳ ـ Crete جزیره‌ای در یونان.

۲۴ - Palmists.

۲۵ ـ Marcus Porcius Cato مارکوس پورسیوس کاتو ۱۴۹ ـ ۲۳۴ قبل از میلاد قانونگذار و نویسنده رومی.

۲۶ ـ Chaldeans ، در روم باستان و در اوائل ورود علم آسترولوژی به آن سرزمین به منجمین لقب "کلدانی‌ها" را می‌دادند که نامی پست به شمار می‌رفت.

توجهی نمی‌کرد و شاعر معروف آن عهد ژُونال[۲۷] به پیروان خود اخطار می‌داد که از بانوئی که محاسبات آسمانی می‌کند پرهیز کنند.

بعضی از امپراطوران رومی نیز از تأثیرات سیارات بیمناک بودند به همین خاطر در عهد آگوستوس[۲۸] در سال ۳۳ قبل از میلاد تمام منجمین و جادوگران از روم اخراج شدند. این کار برای توقف دادن به توسعه آسترولوژی در دنیای روم فقط یک جنبه موقتی داشت. آنچه مسلّم است این کار آگوستوس احتمالاً به دلائل سیاسی بوده. چون خود او شخصاً به احکام نجوم اعتقاد می‌ورزید و دستور داده بود تا بر روی سکه‌هایش علامت ماه تولدش را که (جُدَی[۲۹]) بود ضرب کنند.

بسیاری از نویسندگان روم با آسترولوژی سروکار داشتند، بلیناس[۳۰] در کتاب (تاریخ طبیعی[۳۱]) خود از احکام نجوم خصوصاً در مورد گیاهان و تطابق آنها با کواکب صحبت می‌کند. مانیلیوس[۳۲] شاعر قصیده‌هائی بسیار طولانی در مورد آسترولوژی سروده و هوراس[۳۳] در یکی از اشعارش از خودش سئوال نموده که آیا در برج میزان، عقرب و یا جدی متولد شده.

مذهب و اعتقادات بعد از مرگ در بین رومیان شدیداً تحت تأثیر آسترولوژی بود و یکی از باورهای مستحکم آنها این بود که وقتی مردان بزرگ و نامور فوت می‌کنند به آسمان رفته و به شکل صور فلکی جدید در می‌آیند و برای همیشه خواهند بود. هرکول[۳۴]، پرسیوس[۳۵]، کاستور[۳۶] و پولوکس[۳۷] قهرمانانی بودند که به این

---

۲۷ - Juvenal.

۲۸ - Augustus.

۲۹ ـ Capricorn تلفظ این واژه، جُدَی و جَدْی هر دو صحیح است.

۳۰ ـ Pliny بلیناس بزرگترین دانشمند و دائرةالمعارف نویس رومی ۷۹ ـ ۲۳ قبل از میلاد.

۳۱ - Natural History.

۳۲ - Manilius

۳۳ ـ Horace یکی از شاعران هجو نویس روم باستان ۸ ـ ۶۵ قبل از میلاد.

۳۴ - Hercules.

جاودانگی رسیدند. یا بر طبق عقیده دیگری روح هرکس متحمل زحمت ازکیفیت ستارگان شده و بر زمین هبوط کرده و بعد ازمرگ باید از میان کرات آسمانی یا افلاک هفتگانه بگذرد و به خارجی‌ترین نقطه آسمان یعنی جائی که هیچ ستاره‌ای وجود ندارد و از روز اول هم از آنجا نزول کرده، صعود کند، و این را مانند پیازی تشبیه می‌کردند که شخص و زمین در مرکز آن است و هر پوسته و لایه پیاز یکی از آسمانهاست که باید از آنجاها عبور کرده و به نقطه خارجی که محیط بر کل پیاز است رسید.

یکی از مرسومات رومیان در کاربرد آسترولوژی که مقدم بر زایچه‌کشی اشخاص بود تخمین ساعت به ساعت اتفاقات مملکت خودشان و دنیا بود. در سال ۴۷۹ میلادی از یکی از منجمین مشهور بنام پالکوس[۳۸] سئوال شد که برای قایقی که از بندر اسکندریه در مصر به طرف ازمیر[۳۹] در آسیای صغیر حرکت کرده و ناپدید گردیده چه اتفاقی افتاده است. او در جواب گفت که قایق گرفتار طوفانی شدید شده اما به خاطر اینکه زهره وماه ومشتری در انظار (نظرات) خوب بوده‌اند به او کمک کردند و توانسته بگریزد و سرنشینان قایق نیز به سفینه‌ای دیگر منتقل شده‌اند چون طالع در یک برج دوگانه بوده است. البته در تاریخ آسترولوژی در مورد اثبات و حقیقت این تعبیر چیزی ثبت نگردیده است.

یکی دیگر از استفاده‌های مهم آسترولوژی در اختیار ایام[۴۰] و یافتن سعدترین

---

۳۵ ـ Perseus قهرمان اساطیری و هم صورت فلکی شمالی بین کاسیوپیا و ثور.
۳۶ ـ Castor دو ستاره در صورت فلکی جوزا.

۳۷ - Pollux.
۳۸ - Palchus.

۳۹ ـ ازمیر، اکنون یکی از بنادر ترکیه است.
۴۰ ـ election ، کاری که اکنون هم انجام میشود و در تقویم‌های نجومی برای هر سال ثبت می‌کنند از جمله تقویم‌های نجومی که در ایران به چاپ می‌رسند مصباح و منصور نجومی است که متأسفانه زیج این تقاویم با هم برابر نیست.

موقع برای انجام امور بوده است. یکی دیگر از داستانهای به جا مانده از پالکوس در مورد مردی بنام لئون تیوس[۴۱] است که بر علیه امپراطور وقت زنو[۴۲] که از طرف قسطنطنیه[۴۳] حمایت می‌شد قصد طغیان داشت البته در آن زمان کسانی که اختیار ایام را محاسبه می‌نمودند زمان طلوع خورشید و مشتری و مریخ و عطارد و نظرات سعد ماه را به مشتری و زحل می‌سنجیدند. اما در واقع نمی‌دانستند که عطارد (صاحب روز و عصر آینده) تأثیرات منفی دارد. در نتیجهٔ تخمینی که به علت شناخت ناصحیح نفوذ عطارد بود لئون تیوس و سردارش ایلوس[۴۴] شکست خورده و مجبور به فرار شدند. آنها بعد از این افتضاح منجم خود را سر بریده و بدنش را از دروازهٔ قلعه آویزان کردند.

آسترولوژی یا نجوم احکامی همچنان به نشو و نمای خود حتی بعد از قبول دین مسیحیت توسط امپراطور ادامه داد، در حقیقت کشیش‌های اولیه مسیحیت همچون پدرسینِ‌سیوس[۴۵] از آسترولوژی حمایت می‌کردند، اما توسط آگوستین مقدس[۴۶] به احکام نجوم توهین‌های بسیار شد و آن را کاری عبث و بیهوده اعلام داشت و نیز اعلام کرد اگر بعضی اوقات هم پیشگوئی‌ها به حقیقت بگرایند کار شیاطین است تا انسان‌ها را گمراه کنند. این مخالفت آگوستین و طرفدارانش بر علیه علم احکام نجوم باعث شد که این مقوله تا قرون وسطی دچار رکود و خفقان شود.

در جهان غرب بعد از ظهور اسلام آسترولوژی بطور کامل زنده نگه داشته شد. گرچه مذهب اسلام رسماً احکام نجوم را تشویق و تأئید نکرد ولی به علت فهم

---

۴۱ - Leontios.

۴۲ - Zeno.

۴۳ ـ Constantinople، قسطنطنیه یا استانبول فعلی در ترکیه.

۴۴ - Illus.

۴۵ - Synesius.

۴۶ ـ St.Augustine ۴۳۰ ـ ۴۳۵ بعد از میلاد

مسلمین و دستوراتی که از پیامبر و پیشوایان خود داشتند هرگز مانند کلیساهای مسیحی در مقابل آن جبهه نگرفته و توهین هم نکردند. در نتیجه ممالک مسلمان نشین از مراکز عمده مطالعه و پژوهش‌های نجوم و احکام نجوم گردید. از متنفذترین و دانشمندترین مسلمانان در آن ایام در رابطه با علم نجوم ابومعشربلخی[۴۷] بود که در بغداد می‌زیست و در سال ۸۸۶ میلادی متوفی شد. بسیاری از آثار او از جمله کتاب جهانی او بنام (آشنائی با نجوم[۴۸]) به زبان لاتین و سپس دیگر زبانهای اروپائی ترجمه شده است.

کارهای منجمین عرب و مسلمان همچون ابومعشر بلخی به دنیای مسیحیت نفوذ کرد و باعث زنده شدن مجدد این علم در آن دیار گشت. یکی از موجبات محترم شمردن آسترولوژی در میان مسیحیان در این وقت به خاطر هواخواهی کلیسا از ارسطو بود که بیشتر فرضیه‌های او آب و رنگ نجومی داشت. همچنین نجوم احکامی با نوشته‌های توماس آکویناس[۴۹] آمیخته شد و مخالفت‌های کلیسا را سبک‌تر کرد. اساس علم نجوم که امروزه در میان غربیان در دست است در حقیقت ناشی از مدارس یهودیان و مسلمانان اسپانیا میباشد. البته مراکز عمدهٔ دیگری نیز در کشورهای دیگر بوده‌اند. مؤسسه آسترولوژی یا علم احکام نجوم در شهرهای بولونیا[۵۰]، پادوآ[۵۱]، و میلان[۵۲] در ایتالیا وجود داشته‌اند و در ادبیات آن کشور نیز نفوذ وافری از خود نشان داده‌اند. از جمله درکتاب معروف (کمدی الهی[۵۳]) اثر دانته[۵۴] به

---

۴۷ - Al - Bumasar.

۴۸ - Introduction to Astronomy.

۴۹ - Thomas Aquinas.

۵۰ - Bologna.

۵۱ - Padua.

۵۲ - Milan.

۵۳ - Divine Comedy.

سمبل‌های فراوانی از مسائل نجومی و احکام آن برمیخوریم.

در هنگام رنسانس، آسترولوژی جلوهٔ خاصی یافت و حضور یک منجم در دربار پادشاهان اروپا پدیده‌ای عادی به شمار می‌رفت. همچنین محاسبه زایجه نوزادان متولد، در میان تمام طبقات مرسوم بود. ولی ناگفته نماند که این علم باز هم مخالفین سرسخت خود را در آن دوران حفظ کرد که از آن جمله می‌توان از پیکودلامیراندولا[۵۵] فیلسوف شهیر ایتالیائی نام برد که درست در ایامی که یکی از منجمین به برادر خواندهٔ او قول داده بود از هر گونه آسیب و گزندی دور خواهد بود، درگذشت... ولی همین حملات و مخالفت‌ها اشتیاق و اپیدمی آسترولوژی را در آن دوران نشان میدهد.

این شیفتگی به احکام نجوم حتی بعد ازکپرنیک[۵۶]،گالیله[۵۷]، وکپلر[۵۸] نیز ادامه یافت وموجب هدایت ذهن علمی این دانشمندان به آسمانها شد و با کشف بسیاری از پدیده‌ها توسط این عالمان بعضی از تئوریهای قدیمی احکام نجوم دستخوش دگرگونی گردید. کپرنیک به این کشف نائل شد که در حقیقت زمین به دور خورشید می‌چرخد[۵۹]. ولی هنوز هم آسترولوژرها زمین را مرکز دنیا می‌دانند که این مسئله از لحاظ حرکات نسبی[۶۰] فرقی نمی‌کند. شاعران، فلاسفه و کشیش‌ها کم کم قانع شدند که سرنوشت بشر به حرکات اجرام سماوی بستگی دارد.

---

۵۵ - Picodella Mirandola.

۵۶ - Copernicus.

۵۷ - Galilo.

۵۸ - Kepler.

۵۹ ـ این نظریه راکپرنیک در رساله‌اش نوشت و چند روز بعد فوت کرد و به همین سبب درگیر محاکمات کلیسائی نشد ولی بعد از او گالیله این مسئله را دنبال کرد و همانطور که میدانیم در دادگاه تفتیش عقاید به کفر و الحاد محکوم شد و مجبور گردید توبه کند!.

۶۰ - Relative Velocity.

به هر حال و به تدریج با طلوع (عصر روشنفکری[۶۱]) رفتار و برخورد با احکام نجوم نیز تغییر کرد و با فلسفه شکاکین رو به نزول گذارد حتی عده‌ای از این فلاسفه این پدیده را بدتر از اثبات اشتباه می‌دانستند و در نتیجه نوشته‌های آسترولوژی مربوط به قرن هیجدهم بسیار کم است چون بر منجمین بسیار سخت‌گیری میشد. مضافاً بر اینکه در سال ۱۷۳۶ عمل تنجیم و منجم بودن رسماً بعنوان عمل (ولگردی) تصویب شد.

اما آسترولوژی این دوره بحرانی و خفقان را نیز پشت سر گذاشت و مجدداً به رسم و شیوه معمول عودت داده شد و در آغاز قرن نوزدهم عدهٔ بسیاری از منجمین احکام و نوشته‌های عمومی پا به عرصهٔ حیات گذاردند و نشان دادند که عصر ظهور آسترولوژی در راه بود.

البته باید متذکر شد که آسترولوژی در مسیر خود از یونان به هند و سپس به کشورهای غربی منتقل شد و این گمان که شاید هندی‌ها و یا چینی‌ها در آسترولوژی سابقه طولانی‌تری داشته باشند عبث و بیهوده است و فقط بعد از رسیدن نجوم احکامی به آن سرزمین‌ها در طی قرون و اعصار رنگ و بوی مذهبی و خیالی گرفت و اکنون که خیلی‌ها آسترولوژی هندی را منسوب به مرتاضان و یوگی‌ها دانسته و تصور می‌کنند که نجوم هندی و چینی چیزی سوای حقیقت مدون تاریخی آن است در اشتباه می‌باشند و روش‌های هندی و چینی بعلت سنتی بودن و دور شدن از مراحل علمی امروز زیاد دقیق نیست و هندی‌ها با استفاده از زیج‌های (تقاویم فلکی) اشتباه خود نمی‌توانند جواب‌های کافی و شافی وقایع را بدست آورند که اخیراً شاهد یکی از آنها بوده‌ایم یعنی اعلام منجمین هندی بر

---

۶۱ ـ Enlightenment Age ـ نهضتی فلسفی که در قرن هجدهم میلادی در اروپا به حرکت درآمد و پیروان این مکتب معتقد به قدرت خلاقیت و ابتکار بشر در مسائل سیاسی و مذهبی و غیره بودند.

پیروزی راجیو گاندی در انتخابات در حالیکه روز بعد از این ماجرا گاندی ترور شد... و عدهٔ بسیاری از منجمینِ هندی نیز با استفاده از روش‌های سنتی قدیمی خود از افمریس[۶۲] غربی استفاده می‌کنند و طبق فرمولهای من درآوردی خودشان در آن نیز دخل و تصرف می‌کنند. از جمله ازخواص کواکب پلوتو، اورانوس و نپتون برای ماههای آبان، بهمن و اسفند استفاده نمی‌کنند و در محاسبات خود از همان هفت کوکب باستانی بهره می‌گیرند در صورتیکه از روی جدول افمریس سه کوکب جدید را استخراج نموده و بر روی زایجه مشخص می‌کنند ولی تعریف مهمی راجع به آنها نمی‌دانند.

همانطور که اشاره شد یونانیان برای پیشرفت و اشاعهٔ آسترولوژی زحمات بسیاری کشیدند، اما آنچه مسلم است خیلی جلوتر از این مسائل مردم باستان ستارگان را می‌شناختند و برای راهنمائی گرفتن در نقل و انتقالات شبانه از آنها سود می‌جستند و نیز تصور میکردند که تقدیر آنها از طرف ستارگان تنفیذ می‌شود و این اعتقاد به هشت هزار سال قبل از میلاد می رسد. تمدن‌های باشکوه قدیمی همچون آشوریان[۶۳]، بابلی‌ها[۶۴]، مصری‌ها[۶۵] و مایاها[۶۶]، منجمین خبره و ماهری در استخدام داشتند که بتوانند به وسیله آنها از اتفاقات مهم و حوادث مؤثر بر حکومت خود آگاه شوند. ولی نظر به اینکه تاریخ همیشه آغاز هر چیزی را از زمان تدوین آن محسوب میدارد ما نیز چاره نداریم که بطلمیوس‌ها و امثالهم را بنیانگذار علم نجوم احکامی بدانیم اما باید دانست که این افراد یا تمدن‌هائی همچون یونان و مصر و روم باستان فقط گرد آورنده و توسعه دهندهٔ این دانش بوده‌اند و برای بهتر فهمیدن موضوع

---

۶۲ - Ephemeris.

۶۳ ـ Assyrians نام قومی از نژاد سامی ساکن بابل سابق.

۶۴ - Babylonians.

۶۵ - Egyptians.

۶۶ - Mayans.

چاره‌ای نیست به جز آنکه در جستجوی تمدن گمشده بشریت برآئیم.

تا قرن هفدهم میلادی مطالعه وپیشرفت آسترولوژی به موازات آسترونومی بود یعنی (نجوم و نجوم احکامی توأماً) . اما جدیداً به علت اثبات تعدادی از تئوریهای این علم[۶۷] عده‌ای از متخصصین دانشمند و حرفه‌ای که در خیلی از علوم دیگر نیز تبحر دارند سرگرم پژوهشهای تحقیقاتی مفصل در این باره می‌باشند.

در آسترولوژی امروز به جای تخمین وقایع و اتفاقات و نحوست و سعدیت کارها، منظور اصلی بر درک شخصیت‌های رفتاری بنا گذارده شده که با استفاده از علوم فعلی و تعاریفی که باستانیان در مورد داستانهای اساطیری داشتند، رابطه‌ای جالب و منطقی بین این علم و روانشناسی برقرار گشته است.

۱ ـ کلودیوس بطلمیوس[۶۸]، ستاره شناس، جغرافی‌دان و ریاضی‌دان معروف مصری ـ یونانی[۶۹] که در خلال سالهای ۱۵۱ ـ ۱۲۷[۷۰] قبل از میلاد در اسکندریه زندگی میکرد. ابن‌ندیم در الفهرست می‌نویسد وی اولین کسی است که اسطرلاب کروی و آلات نجومی و مقیاسهای رصدی را ساخت والله اعلم وگویند پیش از وی گروهی ستارگان را رصد کرده بودند که از آن جمله ابرخس است و به قولی این شخص استاد بطلمیوس بوده. و رصد کردن جز به آلتی امکان‌پذیر نبوده و اولین رصد کننده طبعاً سازنده آن آلت خواهد بود.

ابن ندیم می‌افزاید کتاب المجسطی در سیزده مقاله است و اول کسیکه در ترجمه آن به عربی کوشش نموده یحیی بن خالدبن برمک بود که گروهی آنرا برای وی ترجمه نموده و چون خوب در نیامد مورد پسند او واقع نشد و او ابوحسان و

---

۶۷ ـ در فصول آینده می‌خوانیم.

۶۸ ـ Claudius Ptolemy

۶۹ - Greek - Egyptian.

۷۰ ـ در مورد تاریخ زندگی او کتب مختلف ارقام متفاوتی را داده‌اند، اما آنچه که با توجه به ۳ مرجع رسمی خارجی میتوان ذکر کرد همین است.

مسلم صاحب بیت الحکمه را به این کار گماشت و آنان نیز به خوبی از عهده برآمده و به تصحیح آن اهتمام ورزیدند. و در مورد کتاب الاربعه می‌نویسد: که برای شاگردش سوری[۷۱] نوشت، و سپس نام بسیاری از دانشمندان را که به تصحیح و ترجمه و تفسیر آن همت گذاردند می‌برد.

همچنین است کتاب (ثَمَره) خواجه نصیرالدین‌طوسی[۷۲] که مشتمل بر صد گفتار در تأثیر کواکب در عالم ترکیب می‌باشد ، و خواجه آن را بند بند ترجمه و شرح کرده است و از قول بطلمیوس به شاگرد خود سورس میگوید[۷۳]: (ما، در پیش از این جهت تو ای سورس چند کتاب ساخته‌ایم در شرح تأثیر کواکب در عالم ترکیب، که منفعت آن در شناختن حوادث پیش از وقوعش بسیار است و این کتاب (ثمره) از آن جمله است و آن‌چه خلاصه جمله می‌باشد، آن که به تجربه معلوم شده است و به معرفت این کتاب راه نیابد کسی که در آن کتابها که بیش از این ساخته‌ایم نظر نکرده باشد و در علمهای دیگر یعنی ریاضی، پس تو به وقوف در این کتاب نیکبخت باشی).

لازم به گفتن است خود خواجه نصیر الدین طوسی نیز تألیفات زیادی در علم نجوم و احکام نجوم دارد که ذکر و شرح اسامی آنها از حوصلهٔ این کتاب خارج است ولی مهمترین آنها بیست باب در معرفت هیئت و اسطرلاب است که قسمت آخر آن در شرح احکام نجوم میباشد. این کتاب چند بار به چاپ رسیده و شروحی بر آن نوشته شده است.

ابومعشر جعفربن محمد بلخی در ابتدا از اصحاب حدیث به شمار می‌رفت و به یعقوب کندی بدبین بود، کندی که خود دانشمند برجسته‌ای بود دسیسه بکار برد

---

۷۱ ـ سورِس هم گفته‌اند.
۷۲ ـ سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه‌نصیرالدین‌طوسی.
۷۳ ـ ایضاً ۷۲.

و او را به آموختن ریاضیات وادار نمود، سپس ابومعشر خود پا فراتر گذارد و به آموختن علم احکام نجوم پرداخت. گویند او در سن چهل‌وهفت سالگی علم نجوم را فراگرفت و در آن چنان فاضل و صاحب نظر شد که کتب عدیده‌ای تألیف نمود که اکثر آنها نیز به یونانی و لاتینی و از لاتینی به دیگر زبانهای اروپائی برگردانده شد او در سال ۲۷۲ هجری قمری وفات نمود[۷۴].

---

۷۴ ـ در الفهرست تاریخ وفات او روز چهارشنبه، دو شب به آخر ماه رمضان سال ۲۷۹ در شهر واسط عراق ذکر شده است.

دانـش
جدید ستارگان

بحث‌های موافق و مخالف

در این بخش در چند فصل مختلف جَدَل‌ها و نظریات دانشمندان علوم مختلف را در رابطه با نجوم احکامی ارائه داده‌ام. و البته سعی شده که این مباحث در هر فصلی که عنوان گردیده توأمان باشد. ما در این سلسله مطالب به تحقیقات متخصصین احکام نجوم که اصولاً در چند جنبهٔ علمی کارشناس و صاحب نظر هستند بر می‌خوریم که با جدیت تمام، نهایت سعی خود را بکار گرفته‌اند و از طرف دیگر دانشمندانی را می‌بینیم که بدون هیچ اطلاع صحیح و یا پژوهش واقعی فقط در مقام نفی و مخالفت برآمده‌اند. بدیهی است چنانچه کسی با ادله‌ای برتر از دلیل شخصی که در راه اثبات تأثیرات نیروهای کیهانی کار می‌کند بر روی صحنه قدم گذارده و نظرات خود را به طور علمی بیان دارد ما می‌پذیریم ولی افسوس که در سراسر گیتی عده‌ای سودجو و شارلاتان در نقش طالع بینی اصل نجوم احکامی را خدشه دار کرده‌اند و باز هم صد افسوس که عده‌ای فقط درس خوانده ولی (بی‌مطالعه) برای ابراز وجود و بدون هیچ منطق علمی و یا تجربی و فقط با در نظر گرفتن شعبده بازیهای فال گیران و امثالهم در صدد مخالفت با این (اصل مهم) هستند شاید اگر این متجدد مآبها در تاریخ نجوم سیر و تفحص کنند بتوانند حداقل از قضاوت بی‌جا دست بردارند.

فصل هشتم

مشاهده نا دیدنی‌ها

تئوری انفجار بزرگ به حوادثی می‌پردازد که ما هرگز قادر به مشاهدهٔ آنها نخواهیم بود[1]. مانند بسیاری از تئوریهای علمی دیگر که چنین خاصیتی دارند. مثلاً هیچکس تاکنون یک نوترون یا یک الکترون را ندیده است و هیچ کس هم نخواهد دید حتی اگر بتوانیم وسائل نوری با بزرگنمائی لازم را هم بسازیم هنوز نخواهیم توانست آنها را ببینیم. قوانین مکانیک کوانتم برای آنچه که ما به مشاهدهٔ آن علاقه‌مند و امیدواریم محدودیتهائی ایجاد میکند، با اینحال فیزیکدانها از ذرات ریز اتمی بعنوان چیزهای قابل رؤیت صحبت می‌کنند. و دلیل این امر این است که گرچه ما نمی‌توانیم الکترونها را ببینیم اما می‌توانیم اعمال آنها را مشاهده کنیم. یک تصویر تلویزیونی وقتی به وجود می‌آید که دسته‌ای الکترون به فسفر داخل لامپ تصویر برخورد کنند. یک جریان الکتریکی وقتی تشکیل میشود که جریانی از (الکترونها) از سیمی عبور کند، و سرانجام الکترونهای منفرد می‌توانند توسط انواع آشکارگرهای ذرات شمرده شوند. وقتی الکترون به آشکارگر برخورد میکند چیزها اتفاق می‌افتند (نوع دقیق چیزها بستگی به نوع آشکارگر دارد). علامت بدست آمده می‌تواند تقویت شده و مدرکی باشد دال بر اینکه الکترون رسیده است.

---

۱ ـ سرنوشت جهان ـ ریچاردموریس.

مگر نه این است که وجود امواج مختلف از مادون قرمز تا ماوراءبنفش و میدان‌های مغناطیسی در سراسر عالم به اثبات رسیده است. آیا وجود همه مبانی حقیقی که از نظر حس انسانی غیرقابل دیدن هستند نمی‌توانند بر ساختار و زنجیره بزرگ هستی تأثیرگذار باشند؟ آیا نمی‌شود که هر موجودی را نوعی ازآشکارگرهای طبیعی بدانیم که هر دسته‌ای از این امواج کیهانی به طریقی در او اثرات خود را به معرض نمایش میگذارد؟ آیا وجود هر چیز غیرقابل رؤیت از نظر فیزیکی فقط در آزمایشگاه و با دستگاههای تصنعی ساخت بشر باید به اثبات برسد؟ آیا آزمایشگاهی بهتر، کامل‌تر و مجهزتر از وجود خود انسان می‌تواند وجود داشته باشد؟ پس چرا با دیده‌ای عمیق‌تر و خالی از تعصبات مادی گرایانه به این واقعیت نیاندیشیم؟

بعضی از ستارگان نوترونی دارای چنان میدان مغناطیسی هستند که سبب میشود این ستارگان در جهت معینی نور یا امواج رادیوئی منتشر کنند. پرتوهای ایجاد شده مانند نور نورافکنی در آسمان حرکت می‌کنند، این تشعشعات به صورت یک رشته تپش (پالس[۲]) است، از این رو به چنین ستارگان نوترونی ستارگان تپنده یا (پولسار) میگویند[۳].

تمام ستارگان به دور خود می‌چرخند، اما ستارگان نوترونی به ویژه بسیار تندتر می‌چرخند. چرخش آنها به دور خود، به هنگامی که در خود فرو می‌شکنند و به مرحلهٔ ستاره نوترونی می‌رسند، به طرزی خیره کننده فزونی می‌گیرد.

اولین رصد ستارگان تپنده در سال ۱۹۶۷ به وسیله رادیو منجم انگلیسی ژاکلین بل انجام گرفت. ستاره تپنده‌ای را که بل کشف کرد تپشهای رادیوئی به طول ۱۶٪. ثانیه در هر ۱/۳۳۷ ثانیه ایجاد میکرد. این ستاره در میان سحابی خرچنگ قرار

---

۲ - Pulse.

۳ ـ ایضاً ۱.

دارد و باقیمانده انفجار ابر نو اختری است که در سال ۱۰۵۴ میلادی بـه وسـیله منجمین چینی رصد شده بود.

از حدود سالهای دههٔ ۱۹۶۰ مشخص شده بود که در برخی از نواحی سطح خورشید نوسانات و تپشهای کوچک و کوتاه مدتی به وقـوع مـی‌پیوندد کـه دورهٔ تناوب آنها در حدود پنج دقیقه است، اینها نوساناتی نامنظم و محلی بیش نبودند و تنها بخشهای کوچکی از خورشید را در بر می‌گرفتند. اما در اواسط دههٔ ۱۹۷۰ اختر شناسان رصد خانهٔ اختر فیزیکی کریمه موفق به کشف پدیده جـالب و جـدیدی شدند یعنی: تپشهای مربوط به کل ساختار خورشید با دورهٔ تناوب ۱۶۰ دقیقه[۴] - نوسانات ۵ دقیقه‌ای و ۱۶۰ دقیقه‌ای -.

آیا اثرات ناشی از این تپش‌ها در عالم و حداقل در منظومه شمسی ناچیز و بی‌معناست؟ آیا این تناوب‌های معین فقط یک رقص اجباری ستارگان آسمان است که همچون دلقک‌های سیرک برای مزاح با یکدیگر انجام مـیدهند؟ آیـا مـی‌توان اثرات و بازتاب‌های نامرئی این امواج را در آشکارگرهای طبیعی یعنی همین انسان موجود ناشناخته مرئی ساخت؟ بی‌شک دانشمندانی که دور از هـرگونه تـعصب فکری در این راه کوشیده و هنوز هم منتهای سعی خود را مبذول می‌دارند و بدون توجه به ریشخند عده‌ای دیگر از همقطاران خود هرگونه مشقتی را متحمل میشوند راهگشای منطق بشری به صوب شناخت هستی خواهند بود.

---

۴ - فضا شماره‌های ۸ و ۹.

□ فصل نهم

نقض قوانین مقرره

جورج برنارد شاو[1] در پاسخ به سئوال یکی از دوستانش که از او نظرش را در مورد مسیحیت پرسیده بود چنین پاسخ داد (عقیده جالبی است. اما خیلی تأسف بار است چون تا به حال کسی آن را واقعاً امتحان نکرده است.)

حال اگر شما هم یک متد علمی را جایگزین مسیحیت کرده و آن را در مورد احکام نجوم بکار ببرید شاهد خلق مسائل نسبتاً جالبی خواهید بود اما مطلب اینجاست که روش و متد علمی همیشه هم نمی‌تواند به کار آید.

برای مثال اکنون شواهد قابل امعانی در دست است که بشر از محیط کیهانی متأثر می‌شود. اما به هر حال این مطلب را فعلاً علم نمی‌پذیرد چون آن را (نقض قوانین مقرره[2]) میداند.

به فرض اینکه احکام نجوم از پایه اصولاً یک (دکترین غلط) است و کار بردی هم ندارد. علم می‌تواند با ارائه ادله‌های قانع کننده مبنی بر بی‌ارزشی این موضوع به ابناء بشر برای همیشه آن را خنثی کند. پس چرا نکرده و نتوانست؟

ولی مسئله درست برعکس این است یعنی هر چقدر که ما راجع به سیارات

---

۱ - George Bernard Shaw.

۲ - Established Laws.

و علوم بین ستاره‌ای بیشتر بیاموزیم می‌فهمیم که ستارگان و کواکب چنان تأثیر پیچیده‌ای بر امورات انسانی دارند که هیچکس تا به حال نتوانسته حتی تصور آن را بکند. در ضمن این منطقهٔ قدرتمند خورشیدی نیز خودش بوسیله کواکبی که بر گرد آن می‌چرخند به راههای گوناگونی تأثیر پذیری دارد. و تمام زندگی بر روی زمین مستقیماً تحت تأثیر تغییرات نامرئی و نامحسوس اشعهٔ خورشیدی و انرژی کیهانی است. که تخمین آن برای هر فرد با محاسبهٔ حرکت زاویه‌ای ناحیهٔ استوائی[۳] ستارگان امکان‌پذیر است.

حال اگر این دیدگاه را بپذیریم. پس باید اذعان داشت که کشف و دستیابی به احکام نجوم پیشرفتی بسیار هوشمندانه بوده است. همانطور که دانشمند معروف ایزاک‌اسیموف[۴] هم بیان داشته خیلی احمقانه است که از قبول این باور که (مسئله‌احکام نجوم سرانجام هواداران صادق و استوار خود راکه آن را بر روی زمین مورد حمایت قرار میدهند گرد خواهد آورد). اجتناب کنیم.

هر نهاد با ارزشی در تاریخ، که با فرمول (الآن چه کار بردی دارد) تطابق پیدا نکرده و مفهوم نشده، یا از آن چشم پوشی گردیده و یا بطور کلی مردود شده است. از طرف دیگر تا همین چند مدت پیش وجود اشعهٔ ایکس، گاما و دیگر تشعشعات (ماوراً بلند و خیلی کوتاه) طیف[۵] کاملاً ناشناخته بودند.

بشر پیوسته تحت تأثیر نیروها و انرژی‌های خورشیدی بوده است، که بسیاری از این انرژی‌ها فی‌الذاته هنوز هم به واسطه پیشرفتهای تکنولوژیکی و اختراع حساس‌ترین و مدرن‌ترین ابزارها هم غیر محسوس و نامکشوف باقی مانده‌اند.

---

۳ - equatorial region.

۴ - Isaac Asimov.

۵ - Spectrum.

تا قبل از اکتشاف امواج رادیوئی و اشعه ماوراْبنفش بیشتر افراد از تصور به چیزی (غیرطبیعی) مانند مخابره رادیوئی نیز عاجز بودند و حتی این موضوع در مخیله آنها هم نمی‌گنجید و اعتقاد به مضر بودن آفتاب سوختگی و رنج‌ها و بیماریهای بعدی آن نیز خیلی افسانه‌آمیز بود ولی اکنون ثابت شده که اشعه ماوراْبنفش از میان ابرها نیز نفوذ کرده و تأثیر مستقیم آن به مدت زیاد بر روی پوست انسان می‌تواند تا حد سرطان زائی مخاطره آمیز باشد.

و علیرغم ناباوری‌های سابق، اکنون دانشمندان فضائی و پلاسما صددرصد مطمئن و معتقدند که میزان تابش تشعشعات خورشیدی را بر روی هرکس و هر چیز خیلی دقیق می‌توانند اندازه‌گیری کنند. آیا این تشعشعات خورشیدی در قرون قبلی نبوده‌اند؟ آیا این امکان وجود ندارد که در هزاران سال پیش این تأثیرات نامرئی و نامحسوس شناسائی شده بوده‌اند؟

هنگامی که امواج دریائی حاصله از انفجار عظیم کراکاتوآ[6] به سواحل غربی امریکای شمالی و جنوبی رسیدند، دیگر کسی احتیاج نداشت تا انفجارات آتشفشانی جزیره را که مواد خود را تا حدود نه کیلومتری به فضای اطراف پرتاب میکرد از نزدیک ببیند تا بفهمد چه اتفاقی افتاده زیرا مردم اثرات جانبی آتشفشان را شناخته‌اند و این آتشفشان را نیز با اثر جانبی آن یعنی همان امواج خروشان دریا تشخیص دادند.

حتی در ازمنه‌های بسیار قدیم نیز مردان با هوش و ذکاوت انعکاس انرژیهای عظیم کیهانی را در (تناوب‌های تاریخی[7]) احساس کرده بودند. دانشوران این دوره‌های تناوبی را به موقعیت‌های زاویه‌ای ما بین کواکب و ستارگان نسبت

---

۶ ـ Krakatoa جزیره‌ای با کوههای آتشفشان در اندونزی مابین جاوه و سوماترا، انفجار آتشفشان آن در سال ۱۹۶۷ به وقوع پیوست.

۷ ـ تغییرات مشخصی که در طول تاریخ برای بشر و محیط اطراف او تکرار میشوند.

میدادند، چون تأثیر انرژی‌های کیهانی بر روی بشر و محیط اطراف او با زاویه تابش آن رابطه دارد. (مانند گذراندن نور از یک عدسی و انعکاس آن بر روی صفحهٔ مقابل). آنها خورشید را بعنوان (اصل تأثیر) کیهانی دانسته و محیط گرانشی ستارگان دیگر را در تغییر با این نیروی مرکزی می‌انگاشتند.

وقتی به ثوابت و مجمع‌الکواکب منطقةالبروج بر می‌خوریم می‌بینیم که این شناخته‌ها جهت بهره‌برداری برای تعیین موقعیت کواکب و سیارات مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته قانون مربع معکوس[۸] اینجا کاربرد دارد چون در این فضای لایتناهی و مابین سیارات انرژی‌های گرانشی و دیگر نیروهای ساطعه از ستارگان و ثوابت دیگر در تضعیف نیروهای رسیده به زمین بی‌تأثیر نیستند. همچنانکه وسعت و امتداد اقیانوس باعث خنثی کردن قدرت عظیم امواج است. و آسترولوژی یا احکام نجوم هم خالصاً پدیده‌ای منطقه‌ای هستند.

یعنی هر منظومه شمسی دارای خورشید و تعدادی سیاره است که به دور آن می‌چرخد و هر کدام از این سیستم‌های منظومه‌ای احکام نجوم مختصِ به خود را دارد و این عقیده در رابطه با پژوهش‌های علمی که در مورد (زندگی در دیگر سیارات) به عمل می‌آید مطبوع‌تر است.

تا سال ۱۹۶۲ کاربرد احکام نجوم در کشورهای غربی با توجه به تمام پیشرفتهای علمی و فرهنگی که داشتند چندان حائز اهمیت نبود ولی در چهارم و پنجم فوریه آن سال کواکب عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل در برج دلو به شکل جالبی در یک راستا قرار گرفته و در همان موقع نیز خسوف کامل در همان برج به وقوع پیوست که از نظر علمی این واقعه در وسط دور سی و شش سالهٔ دورهٔ برج دلو بود. (که از سال ۱۹۴۵ دورهٔ دلو شروع شد و در سال ۱۹۸۱ پایان پذیرفت و نیم دور آن تقریباً همان سال ۱۹۶۲ می‌شد.) و با توجه به پیش‌بینی‌های قبلی

---

۸ ـ Inverse - Square - Law ، قانون مربع معکوس، هر گاه فاصله تابش یک پرتو نورانی را که از منبع بسیار کوچکی می‌تابد زیاد کنیم، روشنائی کمرنگ‌تر خواهد شد.

ستاره‌شناسان در مورد اوضاع جهان و صحت محاسبات ایشان بعد از این رویداد، بسیاری از مردم و پژوهشگران و محافل علمی بر آن شدند تا مسئله احکام نجوم را بیشتر مورد تدقیق و تحقیق قرار دهند.

سالها قبل از ظهور این رویداد (در برج دلو) منجمان در مورد کشفیات علمی، توسعه‌های تکنولوژیکی، گستردگی هوشیاری بشر و سرانجام قبول علم نجوم از طرف انسانها پیشگوئی‌های شگفت‌انگیزی کرده بودند که همهٔ آنها به واقعیت پیوست اما از طرفی هم این واقعه باعث استثمار علم احکام نجوم شد زیرا اکنون انواع و اقسام کتابها و دیگر چیزهائی چون فالنامهٔ سالانه متولدین ماههای مختلف، تأثیرات منطقةالبروج، تعویذهای نجومی، زایجه‌ها و پیشگوئی‌های کامپیوتری و کارها و عملیات خارق‌العاده جادوئی و انواع طلسم‌ها در رابطه با این مسئله از طرف شیادان بی‌اطلاع و سودجو به بازار سرازیر شده است.

شگفت‌زدگی و شهرت مجدد برای بشریت مجدداً در حرکت تقدیمی اعتدالی برج دلو که در سال ۲۴۸۱ می‌باشد، بازگشت خواهد نمود.

متقاعد کننده‌ترین تأثیر کیهان بر امورات انسانی سیستمی است که آن را پیشگوئی فضا ـ مکان[۹] می‌نامند، که علامت اختصاری آن ***STF*** است. ***STF*** با ترکیبی از معلومات نجومی و بعضی نظرات مورد قبول انیشتن در مورد فرضیه متحدالشکل میدانی[۱۰]، شرایط اقتصادی محلی، ملی و جهانی را محاسبه میکنند. کاشفین این سیستم بی‌همتا موریل و لوئیس هاسبروک[۱۱] بودند که حدود سی سال از وقت خود را مشتاقانه صرف توسعه و انجام این پروژه نمودند. آنها مطالعات و تحقیقات خود را برای اولین بار در سال ۱۹۵۹ در مجله امریکن مرکوری[۱۲] انتشار

---

۹ - Space - Time Forecasting = STF.

۱۰ ـ نظریه متحدالشکل میدانی انیشتن که جاذبه و الکتریسیته و مغناطیس را یکجا بیان میکند.

۱۱ - Muriel and Louis Hasbrouck.

۱۲ - American Mercury magazine.

دادنــد، و سـپس بــعد از افــزودن مطــالب جـدید، نتیجتاً *STF* بـطور رسـمی پیشگوئی‌های خود را از سال ۱۹۶۵ آغاز نمود و در مورد جمیع موارد اقتصادی و مالی تاکنون صحیح بوده است. از آن موقع به بعد این فرم عـلمی احکـام نـجوم شدیداً موردعلاقه با نزاکت‌ترین و موفق‌ترین سرمایه‌گذاران، بازرگانان، مشاوران و تحلیل‌گران بوده است.

سیستم *STF* بر این منوال است که در (منظومه شمسی فـقط خـورشید از زندگی و پویائی هستی برخوردار است و بـقیهٔ چیزهـای دیگـر هسـتی و زنـدگی خودشان را از او می‌گیرند). لوئیس هاسبروک میگوید زمین و تمام کواکب منظومه شمسی تحت تأثیر تغییرات فعالیت‌های خورشیدی همچون تغییرات تشعشعاتی، لکه‌های خـورشیدی، شعله‌هـای خـورشید و طوفـانهای مغنـاطیسی نـاشی از آن هستند. از سال ۱۹۶۲ جهان با نزول نوعی از فرهنگ روحی ـ روانی مواجه شد که عمیقاً باعث دگرگونی هوشیاری تودهٔ بشر به سوی یک جهش کلی بود. یکـی از نظرات این دگرگونی ازدیاد علاقه بی‌سابقه به پدیده‌های روانی ـ روحـی بـود کـه موجب بیداری و شعور و هوشیاری بشر به صوب قسمی از توازن کیهانی گردید. ولی هنوز هم هر چقدر که ما تعمداً و عمیقاً آماده و آراسته شده باشیم، برای آن منظورهائی که هنوز هم قابل حدس و گمان نیستند احتیاج به جستجو و تـحقیق داریم.

بیشتر مسائلی که در مورد احکام نجوم بعنوان شارلاتان بازی‌های تجـاری انتشار یافته و یا به طریقی در اختیار مردم قرار گرفته بی‌فـایده و خـالی از مـفهوم واقعی می‌باشند اما کارهای جِدّی در ایـن مـورد در خَـفیٰ و تـوسط مـتخصصین همچنان در جریان است. یک نتیجه دیگر اینکه خیلی از مسائل و قوانین هماهنگی کائنات به تازگی توسط افراد غیر منجم کشف گردیده است. شما خود بالشخصه با بهره‌گیری از منابع موثق و فرمولها و تعریفات معین این علم باید به یک نتیجه و

حذاقت‌ها و مهارت‌های مختلف از جمله درک اتفاقات جاری و اقتصادی دنیا و روانشناسی مردمی کار میکند. و این روش صحیح‌ترین و مفیدِ فایده‌ترین روش‌های ابداعی در قوانین تخمین مسائل اقتصادی بوده است و به سادگی انعکاس عمیقی برِ تفکرات جهانی می‌گذارد و در دههٔ ۱۹۶۰ هم در امریکا خیلی فانتزی به نظر می‌آمد ولی اکنون دیگر جای خود را محکم و دقیق در بین محافل بازکرده است.

طبیعتاً در زمان فعلی برای موج هواداری از فرا روانشناسی، بشقاب پرنده‌ها، و احکام نجوم تشریح واقع گرایانه‌ای لازم است. می‌گویند که آغاز سومین انقلاب صنعتی فرا رسیده، پیشرفتهای حاصله در ساخت میکروالکترونیک‌ها و فاز جامد[۱۵] و ابزارآلات مینیاتوریِ کامپیوترها را به اشتیاق روز افزون به (علم غیب) نسبت میدهند. البته همه این تکنولوژیهای پیشرفته و مدرن قابل تقدیر است اما هیچکدام از این‌ها در رابطه با اشتیاق و علاقه بشر به محبوبیت احکام نجوم، فضای بیکران، فرا روانشناسی، زندگی بر روی دیگر سیارات و حتی بشقاب پرنده نمی‌توانند باشند.

ستاره‌شناسی احکام نجوم درک فوق‌العاده پیشرفته‌ای است که متضمن غرق شدن در معلوماتی چون تشعشعات فیزیکی وکیهانی، مغناطیس حیوانی، نیروهای گرانشی، فیزیک انرژی خورشیدی و خلاصه کلیه علومی است که فعلاً دانشمندان با آنها سر و کار دارند. روش‌های علمی در هر مقوله‌ای امکان کاربری ندارند چون بعضی از مسائل، ماوراء دسترس آنها می‌باشند و اگر بخواهیم با متدهای فعلی هر سئوالی را بررسی کرده و جواب بدهیم درست مثل این است که بخواهیم یک پروانه را با پتک آهنین به دام بیاندازیم و یا به ستارگان از میان تلسکوپی با عدسی چوبی نگاه کنیم! فعلاً روش‌های علمی، از ابزارهای ناقص و اشتباه مطالعه و تحقیق

---

۱۵ ـ Solid State فیزیک حالت جامد یا S.S Physics.

احکام نجوم می‌باشند.

در میان علوم فیزیکی یک حرف متعصبانه هست که میگوید مردم متجدد امروزی بر رأس معلومات علمی قرار دارند و حال آنکه از طرف دیگر به ما آموخته میشود که تمدن ما از زمان‌های بسیار دوری که مصادف با نوشته شدن کتاب مقدس بوده یا فرقی نکرده و اگر هم کرده فقط اندکی بوده است.

این مطالب قیاس ضد و نقیض است. اولین شکاف بر زره این تعصب در یکی دو دههٔ پیش وارد آمد و اکنون سرگرم فرسایش و خوردن تمام این اعتقادات است بگذارید از این دریچه نگاه کنیم که داستانهای ما قبل طوفان نوح اظهار میدارند هوا و فضا در حرکت هستند و بنا به همان داستانها در می‌یابیم که قدرت اتم و الکتریسیته و دیگر انرژی‌ها برای زمین ما چیز کاملاً جدیدی نمی‌باشند.

عقیده شگفت انگیزی است، هیچ چیز تواناتر از این ایده‌ای که در راه است نمی‌باشد. مردم کم کم درک می‌کنند که بطور بنیادی با فرضیه و دکترین تکامل چیز اشتباهی وجود دارد من به این سئوال که به تمدن چند میلیون سال گذشته تاریخ بشری چه رخ داده است به سادگی نمیتوانم جواب بدهم. انسان‌های دانا در چند هزار سال پیش بر روی این کره خاکی فقط بعنوان یک (انواع جاندار) بـه وجـود نیامده‌اند. پس چرا همیشه ما در مواضع خود با این قضیه همانند یک صحنه پوچ تاریخی برخورد می‌کنیم؟ اگر فرضیه تکامل بر این مقیاس‌هائی که بیان شده صحت داشته باشد پس قاعدتاً یک پروسهٔ بسیار بسیار بطیء می‌باشد و برای بوجود آمدن موجود شگفت انگیز و پیچیده‌ای همچون انسان حداقل صدها میلیون سال وقت لازم است. نه اینکه تاریخ بشر و تمدن او را کلاً به چند هزار سال بی‌قابلیت در مقایسه با (صدها میلیون سال) شرح و تفسیر کنیم.

بگذارید چنین تصور کنیم که بـر اثر یک تصادف شانسی بـا تـوجه بـه فاکتورهای محیطی پروسه آغاز شد و سپس بشر هم در همین چند هزار سالهٔ اخیر

بر اثر یک تصادف شانسی دیگر حیات پیدا کرد، در اینصورت اگر خلق جهان و بشر و سیر تکاملی فقط بر اثر شانس یا به قولی الله بختکی باشد آنگاه همین بشر موجود به هیچ جا نخواهد رسید، البته قبول این مطلب مانند بلعیدن یک لقمه خشک و بزرگ است. جالب اینجاست که بدانیم در تاریخ علم هرگز مشاهده تغییر سیر تکامل به ثبت نرسیده است حتی در میان حشرات. این بیانات با احکام نجوم چه رابطه‌ای دارند؟ بسیار خوب عقیده به اینکه ممکن است در چند هزار سال قبل مردمان پیشرفته‌ای مثل ما اینجا زندگی می‌کردند شاید قوانین علمی را بیازارد. پس بنابراین تعبیر دقیق تاریخ کاملاً غیر ممکن و گمراه کننده است. باید قبول کرد که قبل از تمدن‌های درخشندهٔ تِروا، آتِن، روم و مصر تمدن‌های خیلی پیشرفته‌تری وجود داشته‌اند که بقایای سیستم‌های پیشرفته علمی همان تمدن‌ها بعد از فروپاشی (حال به هر دلیلی) از طرفی اساس همین تمدن‌های فوق‌الذکر گردیده و از طرفی هم محتویٰ و ماهیت اساطیر و افسانه‌ها گشته است، چون با کمی امعان نظر در داستانهای اساطیری به محتوای پر قدرت بنیادی آنها پی می‌بریم و متوجه میشویم که چیزی راکه امروز ما بعنوان احکام نجوم می‌نامیم یادآوری مبهم و کم سوئی از "یک حلقه" در تمدنی با سیستمی مرموز و دانشی فوق العاده پیشرفته می‌باشد، حتی اگر این موضوعات در قرن بیستم فعلی با چنین تکنولوژی معظم و وضعیت مادی گرایانه‌ای هماهنگی نداشته باشد.

پس آنچه مسلم است منطق صحیح میگوید که غیر ممکن است که در یک کتاب منحصر به فرد بتوان شخصیت و منش هر فردی را ارائه داد چون اینکار نیازمند در نظر گرفتن مقدار زیادی محاسبات گوناگون برای هر فرد بخصوص است و آنچه که در اکثر کتب تجاری عنوان میشود فقط جنبه‌های عمومی است ولی با همان آثار باقی ماندهٔ احکام نجوم از دوران باستان متخصصین در پی توسعه دادن و به ثمر رساندن مجدد این علم میباشند. حال سئوال دیگری ممکن است به اذهان

خطور کند آن است که این علم از کجا آمده است؟

البته پاسخ به این سئوال آسان نیست، اما آن چیزی را که خود این علم بیان میکند مرور می‌کنیم. در مورد نیروهای نامرئی و نامحسوس همچون مغناطیس و الکتریسیته و گرانش ما فقط اثرات آنها را می‌توانیم تشریح کنیم و به طریقی هم مورد استفاده قرار دهیم، اما حقیقتاً نمیدانیم که آنها چه هستند و مثلاً از نیروی گرانشی نه می‌توانیم المثنی تهیه کنیم، و یا بطور کل آن را خنثی نمائیم، اما متخصصین احکام نجوم درست بر عکس این را می‌توانند عمل کنند. اگر علم احکام نجوم امروزی ما بقایای یک سیستم فوق پیشرفته علمی است پس باید به همان میزان دارای کیفیت تشریح نیروهای گرانشی، تاثیرات حوزه مغناطیس حیوانی و بُعد دیگری که در آن زمان و مکان وجود ندارد باشد، یعنی باید به گونه‌ای از یک دانش کیهانی که آمیخته از انرژی‌های روحی و فیزیکی است باشد، باید محصور در یک سری فرمولهای ریاضی غیرقابل درک در جهت تعریف ستارگان و فیزیک کیهانی باشد و سرانجام شرط لازمۀ چنین علمی که در اینصورت باید آن را (مادر علوم) نامید چنان زیرکانه و استادانه کارکردن با نیروها و انرژیهای پهناوری باشد که حتی ما را در تصورات خویش نیز به حیرت بکشاند.

چنین روش‌هائی شامل حاذقانه بکارگرفتن نیروی گرانشی جهت تکان دادن اشیاء است، یا به عبارتی دیگر نابود کردن و دوباره ساختن نور و اقتدار کنترل عناصر نیروها به راهی که در کائنات اهداء شده‌اند و این عمل تقریباً قدرت خدائی لازم دارد که از عهدۀ بشر ساقط است. داشتن چنین معلوماتی به شکل اصلی و حقیقی خودش فرد را قادر می‌سازد تا خود بخود هر چه راکه اراده کند از یک نقطه فضا ـ مکان به نقطه دیگر منتقل کند. کشف کاربردی نیروهای حقیقی احکام نجوم (تونل زمانی است) به سوی دیگر ابعاد ناشناخته . در تحت چنین شرایطی محدودیت‌های قوانین طبیعی پشت سر گذاشته میشوند. یعنی حرکت با سرعت

نور، خنثی کردن نیروی گرانشی و حذف اینرسی[۱۶]. خلاصهٔ کلام آنکه تمام آن چیزهائی راکه بشقاب‌های پرنده انجام میدهند، (اگر صحت گزارشات رسیده را تأئید کنیم).

هر گاه فرهنگی با یک تکنولوژی فوق پیشرفته با فرهنگی مادون خود برخورد داشته باشد نتیجه انهدام دومی و به جا ماندن مشتی اعتقادات خرافی و جادوئی است و این درست همان چیزی است که ما نمیتوانیم به خود بقبولانیم که در نیم میلیون سال پیش مردم پیشرفته‌ای بر روی این کرهٔ ارض زندگی می‌کردند که برای آنها سفر به ستارگان به آسانیِ رفتن ما هر روز به سر کارمان بوده است. البته (آسترولوژی) احکام نجوم از نظر محافل علمی به خاطر نقض قوانین به جا ماندن انرژی و دیگر مخاصمات مردود است. امروزه می‌دانیم که انواری از طیف موجودند که اگر ماوراء بنفش یا مادون قرمز باشند به چشم ما دیده نمیشوند و یا صداهائی هستند که اگر فرکانس آنها بیشتر و یاکمتر از حد شنوائی ما باشند شنیده نمیشوند و باید دانست که گام بالاتری از نیروها و انرژی‌های موجود فعلی هم هستند که ما آنها را هنوزکشف نکرده‌ایم مگر اینکه بتوانیم دستگاههای توسعه یافته و مجهزتر و دقیق‌تری بسازیم. اما در مورد احکام نجوم و تأثیرات آن بر عالم تنهاچیزی راکه ما داریم زایجه[۱۷] و مسیر حرکت کواکب با طول و عرض جغرافیائی محل مولود است تا بتوانیم در مورد شخصیت، منش و بعضی از توانائی‌ها و اتفاقات مهم زندگی او پیش گوئی کرده و سخن برانیم.

---

۱۶ ـ inertia توانائی ایستادگی ماده در برابر شتاب گرفتن، آنگاه که نیروهائی بر آن وارد می‌آید.
۱۷ ـ زایجه قبلاً توضیح داده شده است.

۱

فصل دهم

چگونگی تأثیر ستارگان بر سلامتی و تندرستی

بعضی از اکتشافات اخیر پزشکی فضائی نظریه (ساعت بیولوژیکی[1]) را نقض نموده و این باورکهن دیگر بیشتر از این مورد قبول نمی‌باشد. مطالعات فضائی نشان داده است که نیروهای ماورای این کره خاکی تقریباً بر طبق تنظیم طبیعی و هماهنگی قرار دارند.

اکنون مشخص شده که این ریتم‌های[2] مرتبط و ایجاد شده از نیروهای ماورای زمینی اکثراً به شکل حوزه‌های مغناطیسی میباشند. نیروی مغناطیس چنان پرقدرت است که میتواند فولاد سرد را بریده یا بپیچاند که در صنعت به آن نام شکل‌گیری مغناطیسی را داده‌اند[3]. پس اگر نیروی مغناطیسی (که قابل رؤیت نیست) بتواند بر توده‌ای از فولاد چنین تأثیراتی را بگذارد مسلماً بر انواع موجودات زنده نیز به نحوی تأثیرات قابل ملاحظه‌ای را بر جا میگذارد. دکتر کِنث اِس‌مک‌لین[4]

---

۱ - ساعت بیولوژیکی یا - Biological Clock از نظر علم فیزیولوژی یعنی تمام ارگانیسم‌های داخلی به نوبهٔ خود دارای تنظیم خاصی هستند که با آن عمل می‌کنند، مثل بیدار شدن یا خوابیدن.

۲ - Rhythms.

۳ - magnaforming.

۴ - Kennth 's. Maclean M.D.

متخصص بیماریهای زنان[۵] و یاخته‌شناس[۶] از نیویورک تمام بیماریها را، از یک گرفتگی عضلانی ساده تا فلج مفاصل، با ایجاد میدان‌های قدرتمندی از الکترومغناطیس معالجه نموده است.

پرفسور رابرت ج. آفن از دانشگاه انتاریوی غربی[۷] حتی از این مسئله نیز فراتر رفته، او معتقد است که (مغناطیس کلید اصلی زندگی بر روی کره زمین است).

هنگامی که دکتر رابرت اُ. بکر[۸] متخصص جراحی استخوان و مفاصل در دانشگاه اِستِیت[۹] نیویورک این نظریه را در مورد تک تک بیمارانش بکار برد، سرانجام موفق به کشف میدان بیومغناطیسی انسانی گردید و با همکارانش شرح مفصلی از این کشف جدید را به دانشگاه ارائه داد. او میگوید (حوزه‌های نیروهای آسمانی) بر زندگی بشر اِعمال نفوذ کرده و همچنین باعث تغییرات رفتاری در انسان‌ها میباشند.

البته دکتر بکر تمایلی در بکار بردن واژه آسترولوژی یا (احکام نجوم) جهت بیان یافته‌هایش ندارد. حال که مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرات متقابل فی مابین خورشید و ماه و دیگر کواکب و بازتاب آن تأثیرات بگونه‌ای دیگر بر رفتار و فکر و احساس ما نفوذ دارند، بد نیست که بطور جدی و منطقی در مورد بعضی از اقوال نیاکان گذشته خود در مورد ستارگان و سلامتی بیاندیشیم.

احکام نجوم با مشخصه‌های خودش از تأثیرات کواکب بر زندگی روانی ما صحبت میکند. هر یک از اجرام آسمانی شامل خورشید و ماه تأثیر بخصوصی در آب و هوا، توده مردم و موقعیت روان شناسی فرد و سلامتی او دارند. علیرغم

---

۵ - Gynecologist.

۶ - Cytologist.

۷ - Pro. Robert J. Uffen of the University of Western Ontario.

۸ - Dr. Robert O. Becker.

۹ - State University.

مطالعات اخیر فضائی که به حق میتوان آن را (رنسانس علوم فضائی مدرن) نامید، نقش برجسته پزشکی آسترولوژی کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است.

در پزشکی مطلبی هست که بدن انسان را بعنوان یک جرم متکاثف از انرژی الکتریکی یا ماده جامد بیان میدارد. البته به نظر عجیب است که هر مادهٔ جامدی را بعنوان امواج نوری الکترومغناطیسی مورد بررسی قرار دهیم ولی حقیقت این است که هر چیز طبعاً قسمتی از طیف الکترومغناطیسی است"[۱۰]. مثلاً در این رابطه کافی است که بگوئیم چطور موقعیت ستاره مشتری و دیگر کواکب در زایجه یک شخص میتواند در چاقی یا لاغری او مؤثر باشد.

بقراط پدر طب، ارسطو، جالینوس و الزهراوی (پدر جراحی عرب) در اصل متخصص و عالم به احکام نجوم بوده‌اند. در یونان باستان زمانی که علوم طبقه‌بندی کلاسیک به خود می‌گرفتند، بقراط در کتابش بنام "آب‌ها، و هواها و مکانها" نوشت: ستاره شناسی کمکی حقیقی و بزرگ برای پزشکی میباشد، و اگر کسی زمان تغییرات و طلوع و غروب و دیگر نظرات سیارات را بتواند حساب کند میتواند زمان و سال بیماری خودش یا دیگری را پیش گوئی کند. و اضافه میکند که نه تنها هر فرد با پیشگوئی بیماری خودش آگاهی می‌یابد بلکه بلاها و اپیدمی‌ها را نیز میتوان از همین راه فهمید. و بر طبق نوشته‌ها و آموزش‌های بقراط حتی محل دقیق جراحی‌های بدن و نوع داروها را هم می‌توان با ثبت مناظر کواکب دانست.

مدرک مستدل راجع به گفتهٔ فوق حدود هفت سال پیش ارائه شد. در آن زمان یک دکتر از اهالی فلوریدا اعلام داشت خون ریزی هنگام بدرکامل ماه از دیگر مواقع بیشتر و رایج‌تر"[۱۱] میباشد. و این مسئله به وسیله عده‌ای از آسترولوژرها مورد

---

۱۰ - electromagnatic light waves.

۱۱ ـ در بدر کامل یا FullMoon جذر و مد دریا به حداقل و حداکثر خود می‌رسد. که این مطلب از نظر علمی در رابطه با نیروی گرانشی ماه محرز است.

دقت و مطالعه قرارگرفت و بر این عقیده که جراحی گردن و گلو هنگامی که ماه در برج ثور[۱۲] است خطرناک میباشد، صحه گذاردند. ـ ثور علامت گاو است که از اعضاء دلیل است بر گردن و گلو و شانه‌ها.

مجدداً لازم به توضیح است که هر شخص در زایجه‌اش که شامل دوازده علامت منطقة‌البروج است دارای ده کوکب میباشد یعنی هشت سیاره منظومه شمسی (به غیر از زمین) بعلاوه ماه و خورشید. و درجات دقیق هر سیاره در هر خانه و نظرات آنها با یکدیگر و بعضی از مراتب دیگر باید در نظرگرفته شود و ما، در اینجا منحصراً به توضیح تأثیرات هفت کوکب مهم از نظر سلامتی و تندرستی می‌پردازیم.

خورشید:

کوکب مربی پنجمین خانه منطقة‌البروج یعنی اسد، مربوط است به ساختمان اصلی و انرژی‌زای حیاتی بدن یعنی قلب. خورشید بر روی زایجه ـ نقشه‌آسمانی ـ هورسکوپ ـ سمبل نیروی زندگی یا (پرانا[۱۳]) است. این ستاره فروزان و مشتعل منظومه ما به همان اندازه که انرژی بخش کواکب خود می‌باشد بر تمام خواص موروثی ما نیز حکمرانی دارد، یا به عبارتی بر (ماده اصلی) زندگی که دی اُکسی ریبونوکلوئیک اسید یا *DNA* باشد تأثیر مستقیم دارد. برای یافتن بیماریهای مزمن یا خطرناک باید نظرات ناسازگاری خورشید را با دیگر کواکب از روی زایجه بدست آورد. یکی از نظرات مخالف این ستارهٔ مرکزی و پویا با دیگر کواکب بر روی زایجه یک شخص ممکن است مولد زیاده روی در خوردن و نوشیدن یا خستگی مفرط یا هر شکل دیگری از اصراف و عیاشی باشد. خورشید علاوه بر قلب ناظم

---

۱۲ ـ دومین خانه از منطقة‌البروج.

۱۳ - Prana.

ستون فقرات، چشم راست مردان؛ چشم چپ در زنان سرخ رگها و طحال می‌باشد. افراط انرژی ساطع شده توسط خورشید (از روی زایجه) می‌تواند باعث بیماریهای کُشنده و تب‌داری همچون سرخک و آبله باشد[۱۴]. این مطلب توسط بسیاری از پیشگامان مطالعات جدید در طب بیو مغناطیسی تشخیص داده شده است.

بسیاری از پزشکان و روانپزشکان حاذق و منورالفکر در اروپا و امریکا برای دست‌یابی به کلید راهنمای معالجه بیماران خود، زایجه نجومی آنها را مورد کنکاش قرار میدهند. البته همه آنها این مورد را تصدیق نمی‌کنند ولی برای مثال میتوان گفت که دکتر اوژن.ج. اسکیمان[۱۵] در شیکاگو مطالعه بر روی زایجه بیماران را بهترین راه و کوتاه‌ترین مسیر جهت پیشگوئی نوع بیماری یافته و از نظر خود آن را (معجزه‌آسا) میداند. پروفسور ژوزفین فاوینی از اسکرانتون در پنسیلوانیا[۱۶] جهت دستیابی به سرچشمه بیماری‌های مزمن مراجعین زایجه نجومی آنها را مورد مطالعه قرار میدهد و دروس او در انجمن‌ها و محافل دانشگاهی از محبوبیت خاصی برخوردار است. دکتر فِرِدسیمس پوندز[۱۷] که پزشکی بسیار حاذق و روشن فکر و متخصص در بیماریها و جراحی استخوان است[۱۸]، آسترولوژری محقق و دانا و شخصی بسیار مورد احترام و اعتماد در تِمپ، آریزونا[۱۹] میباشد. و ضمناً عضو فدراسیون آمریکائی

---

۱۴ ـ با آنکه ویروس‌ها و یا میکروب‌ها باعث بسیاری از بیماریهای عفونی هستند، معهذا از روی زایجهٔ نجومی افراد می‌توان فهمید که در هنگام اپیدمی نوع خاصی از بیماری عفونی آیا خطر ابتلاء به آن بیماری برای شخص مورد نظر وجود دارد یا نه، چون انرژی مفرط خورشیدی از نظر علم آسترولوژی میتواند نشان دهندهٔ وجود پادزهر یا نوعی مقاومت در بدن باشد.

۱۵ - Dr. Eugene J. Scheimann.

۱۶ - Josephine Favini.M.D.PhD. Of Scranton, Pennsylvania.

۱۷ - Dr. Fred Sims Pounds.

۱۸ - Osteopathic, Surgeon.

۱۹ - Tempe, Arizona.

آسترولوژرها بوده و به اساتید و دانشجویان دانشگاه ایوی لیگ[20] تدریس میکند.

احتیاج به تحقیق و مطالعه در مورد تأثیرات محیط کیهانی بر روی ابناء بشر به کوشش مؤسسه فضائی و هوانوردی ملی امریکا در جریان است.

جلد اول ژورنال پزشکی عبری بنام هاروفه هایوری[21] شامل هزاران گزارش از پزشکان حاذق در رابطه با بیماریها و احکام نجوم میباشد که به طریق جالبی کلاسه شده‌اند. در مقاله‌ای با نام (برخورد نجوم با پزشکی[22]) به قلم دکتر بنیامین. ال. گوردن[23]، از آتلانتیک سیتی ایالت نیویورک[24] آمده است که: معلومات پزشکی عهد باستان در تمدن‌های بابل، عبری، یونان، مصر و کلده بیطرفانه مورد تحقیق قرار گرفته‌اند و میتوان اذعان داشت که آنها منبع اصلی مطالعات کلینیکی مدرن در رابطه با تأثیرات خورشید و ماه و دیگر کواکب بر شرایط تندرستی انسان میباشند.

ماه:

ماه که مربی چهارمین خانه از منطقةالبروج یعنی سرطان میباشد بر سینه‌ها، شکم، عواطف و کلاً بر وظائف الاعضاء بدن مؤثر است، برعکس خورشید طلائی و فروزان، ماه سرد و نقره‌ای بعنوان حاکم چشم چپ در مردان و چشم راست در زنان مورد قبول واقع شده است. بنظر می‌آید که مهتاب بر زنجیر ملکولهای وراثتی یا *RNA*[25] تأثیر گذار است و خود *RNA* هم از لحاظ علمی بر حافظه مؤثر است. مدت‌ها و سالیان قبل، متخصصین احکام نجوم به این نتیجه رسیده بودند که کسانی که تحت علامت سرطان ـ برج مربوط به ماه ـ یا در مواقعی که ماه شدیداً بر ناحیه

---

۲۰ - Ivy League University.

۲۱ - Hebrew Medical Journal Harofe Haivri, Vol.One.

۲۲ - The impact of Astrology on Medicine.

۲۳ - Benjamin L.Gordon, M.D.

۲۴ - Atlantic City, New York.

۲۵ - RNA = Ribonucleic Acid.

تولدی ایشان تأثیرگذار است متولد شوند افرادی هستند که از نظر هوشی و حافظه استثنائی میباشند. و اکنون علم ثابت کرده است که ماده اصلی *RNA* با مواد اصلی ضبط و ثبت حافظه در مغز یکسان است و این خود دلیل روشنی است که ناتوازنی عاطفی و فکری یا هرگونه اغتشاشات دِماغی متأثر از تأثیرات ماه است. که از نظر فنی در این رابطه واژه لوناتیک [۲۶] بکار میرود. از بیماریهائی که در رابطه با ماه هستند میتوان آسم، ناهنجاریهای مایع مخاطی پرده‌های غشائی زخم معده و اثنی‌عشر، گاستریت، اکثر بیماریهای مربوط به دستگاه گوارش، آبسه‌ها و تومورها [۲۷] را نام برد.

عطارد:

سیاره مربی جوزا و سنبله، حاکم است بر سیستم اعصاب، درک احساسات جسمانی (لامسه، باصره و غیره...)، تنفس و حوزه بیوالکتریکی [۲۸] بدن یعنی پیوندگاههای عصبی و زائده‌های پرتوپلاسمی منشعب از یاخته عصبی. عطارد که در عهد باستان بعنوان (پیام آور خدایان) نامیده میشد و از کواکب سریع‌الدَوَران به دور خورشید [۲۹] میباشد، باعث ناراحتی‌های عصبی، هیجان‌زدگی، نوراستنی [۳۰]، بدخلقی و بی‌قراری است. کسانی که طالع آنها در جوزا یا سنبله و یا دارای کواکب زیادی در این دو برج باشند شدیداً تحت تأثیر رجعت [۳۱] عطارد هستند.

---

۲۶ - Lunatic.

۲۷ ـ Tumors تورّم یا بزرگی بخصوصی که در نتیجهٔ رشد بیش از حد و مرضی بافت بوجود می‌آید.

۲۸ - bioelectrical field.

۲۹ ـ هر ۸۸ روز یکمرتبه به دور خورشید می‌چرخد.

۳۰ ـ Neurasthenia خستگی شدید عصبی.

۳۱ ـ Retrograde، اختلاف منظر ناظر زمینی نسبت به یک سیاره که به علت تفاوت سرعت‌های دورانی زمین و آن سیاره در مدارهایشان که تصور می‌شود که سیاره مورد نظر در حال عقب رفتن یا بازگشت به عقب در منطقةالبروج است، که البته این خطای باصره است، ولی آسترولوژرها این حالت را نحس میدانند.

زهره:

سیاره مربی ثور و میزان[1]، حاکم است بر گردن، گلو، حنجره، مری، کلیه‌ها و سیستم توالد و تناسل، و چون سیاره بالانس (میزان یا ترازو) می‌باشد مؤثر است بر گوش داخلی و جلب و تشخیص هارمونی موزیک‌ها همچنین بر تعادل و احساسات هنری. (مجدداً موقعیت سیاره و نظرات آن با دیگر کواکب در زایچه مهم است). برای پیدا کردن نوع و زمان ناراحتی‌های مزمن لنفاوی، کلیوی، حلقی، و یا لوزه‌ها باید به نظرات دیگر کواکب با زهره توجه کرد.

مریخ:

حاکم است بر حَمَل و در سطحی پائین‌تر بر عقرب. موقعیت مخالف این سیاره با خورشید یا زحل و مشتری در زایجه یک نفر نشان دهنده ناتوانی، سستی، ضعف عضلانی، و حتی ضعف امور جنسی است. وقتی که مطالعات کامپیوتری در رابطه با سوء تغذیه عضلانی و تأثیرات نابهنجار مریخ (نظرات مخالف با دیگر کواکب) بر روی افراد مبتلا به این ناخوشی صورت گرفت، علم در جهت شفا و جلوگیری از این مصیبت گام بلندی برداشت. نهایتاً برای آسترولوژرها این نتیجه حاصل شده که فلج یا ضعف عضلانی را از روی زایجه شخص در هنگام تولد میتوان تشخیص داد و اگر در این هنگام کواکب مریخ و خورشید و عطارد نسبت به یکدیگر نظرات خوبی نداشته باشند بیماریهای فوق حتمی‌الوقوع است. مریخ حاکم است بر توانائی، انرژی و نیرو، شجاعت و حیات نفسانی. هنگامی که این سیاره سرخ فام در روی زایجه مولود با نظرات نامساعد قرار گرفته باشد در ادوار مختلف دیگر کواکب، هنگامی که آن سیارات هنگام دَوَران و انتقال مجدداً به زاویه ناموزونی با این سیاره برسند شخص دچار تب و از دست دادن کالری میشود و هیدروکربوراتهای موجود در بدن وی بصورت گرما و انرژی خارج میشوند. مریخ

حاکم است بر گلبولهای قرمز، خون‌ریزی‌های ناشی از صدمات و حوادث و عمل‌های جراحی، و تمام زخمها و بیماریهای عضلانی و تناسلی تحت توشیح ظاهری این سیاره هستند، البته این مطلب برای تمام بیماری‌های واگیر و عفونی نیز تعمیم دارد.

مشتری:

حاکم است بر قوس و در سطحی پائین‌تر بر حوت، این غول منظومه شمسی، به وسیله فیزیک‌دان‌های فضائی اکنون بیشتر بعنوان یک خورشید کوچک شناخته میشود تا یک سیاره. تا چند دهه گذشته دانشمندان با گردآوری مدارکی به این تئوری که ستارگان دنباله‌دار شناخته شده از مشتری بوجود آمده‌اند قانع شده بودند چون سیاره مشتری را (سیاره فراوانی) می‌گویند و این نامی است که یونانیان و رومیان عهد باستان به او داده بودند. مشتری از مجموع همه سیارات منظومه شمسی بزرگتر است. بر اساس بعضی از تئوریهای ضد و نقیض مشتری نسبت به آن انرژی که از خورشید دریافت میکند دو برابرونیم بیشتر منعکس می‌نماید. با توجه به اظهارات متخصصین احکام نجوم قرن‌ها پیش از زمان بقراط سیاره مشتری بعنوان کوکب شانس و فراوانی شناخته شده بوده است. مشتری حاکم است بر کبد و سلولهای تغذیه کننده و نتیجتاً بر ساختار تجدید حیات سلولها و خون.

سالهاست که عالمان احکام نجوم نشان داده‌اند که کسانی که مشتری را در خانه طالع خود دارند معمولاً از نظر کنترل وزن دچار اشکال هستند، از نظر روانشناسی متولدین قوس و کسانی که سیاره مشتری را با تأثیر کامل بر خانه طالع زایجه خود دارند، خوش گذران و خوش شانس میباشند[۳۲]. همچنین افرادی هستند توسعه طلب

۳۲ـ اگر کسی متولد قوس یعنی آذر است و یا در زایجه خود کوکب مشتری را با تأثیر شدید دارد ولی زیاد خوش شانس نیست بلاشک یا نظر مشتری با دیگر کواکب زایجه نحس است و یا توسط رأس و ذنب ضربت خورده.

و اجتماعی. بیماریِ این اشخاص غالباً فشار خون، دیابت[۳۳] و نوعاً بیماریهائی که ناشی از جمع شدن خون در اندامها میباشد و مضافاً نارحتی‌های کبدی، نِقرس و ازدیاد کلسترول خون را میتوان نام برد.

زحل:

سلطان زیبا و حاکم جُدَی، قانون اصلی این سیاره درست برعکس سیاره مشتری است یعنی (انقباض و گرفتن). به قول دکتر لوید گراهام[۳۴] از اُرِگان[۳۵]. سیاره‌ای با حوزهٔ منفی الکترو مغناطیسی بر روی انسان با تمام شدت. هنگامی که دو سیاره مشتری و زحل با نظرات سنگین بر روی زایجه فردی باشند سلامتی آن شخص با این جمله بیان میشود (هرچه مشتری قول میدهد، زحل انکار میکند) و بطور کلی هرچه بین سیاره مشتری و زهره و خورشید نظرات خوبی باشد فرد از لحاظ سلامتی در اعتدال بهتری است.

زحل بر خلاف حلقه‌های زیبای اطرافش هنگامی که در نظر بد یا رجعت قرار گیرد باعث ایجاد یک میدان از انرژی‌های سرد و نامنظم بر روی بدن انسان میشود. زحل باعث بوجود آمدن انسداد و گرفتگی‌های درونی جسمانی[۳۶]، تنبلی و بیحالی و ضعف فشار خون است. با توجه به موقعیت زحل در خانه واقع شده در زایجه، طالع و نظرات آن با دیگر کواکب میتواند در روند پروسه فیزیولوژیکی بدن مؤثر باشد. بیماریهای رماتیسمی و یبوست مزاج به زحل منسوب‌اند، بعلت تأثیرات منقبض کننده فکری و فیزیولوژیکی زحل بیماریهای افسردگی، ترس‌ها و

---

۳۳ ـ مرض قند.

۳۴ - Dr Lloyd Graham.

۳۵ - Oregan.

۳۶ ـ مثل بسته شدن یک شریان بعلت خون مردگی.

اضطرابات عمیق و مالیخولیا را نیز نتیجه نظرات منحوس این سیاره میدانند و خلاصه تمام رفتارهای منفی.

هر حادثه‌ای که خیلی ناراحت کننده و جِدّی و یا سرسختانه و یا مالیخولیائی و یا بطور کلی شوم و منحوس باشد از تأثیرات زحل بیرون نیست، و این مطلب نیز همچنان از عهد باستان شناخته شده بود. دکتر ویلیام دیویدسون[۳۷] از اهالی شیکاگو نوشته است که (پزشکی احکام نجوم[۳۸]) بعنوان (تشخیص طبی نجومی[۳۹]) از ژرفای بسیار خوبی در نزد همه بهره‌مند است.

به طور خلاصه و در خاتمه زایجه نجومی هر فرد مبین بسیاری از خصوصیات ارزشمندی در جهت دستیابی به موانع تندرستی و سلامتی اوست. و این مطلب نه تنها می‌تواند در مورد سلامت نگهداشتن بدن و جلوگیری از بیماریها کمک کند بلکه در صورت بروز بیماری کلید راهنمای خوبی جهت راه‌یابی به نوع معالجه است و در یک جمله: واقعاً گرانقدر است.

---

۳۷ - Dr.William Davidson.

۳۸ - Medical Astrology.

۳۹ - Astro - diagnosis.

فصل یازدهم[1]

پیشگوئی اقتصادی با فضا ـ زمان

آیا تأثیر آینده بر زمان حال بیش از زمان گذشته است؟ آیا تپشهای سی و شش ساله خورشیدی مؤثر بر اقتصاد جهانی است؟ آیا برآورد و محاسبه تغییر و تحولات بازار بورس امکان پذیر است؟

با توجه به یک فرمول بسیار مرموز و عجیبی که در طول دهها سال بطور موفقیت آمیزی مورد استفاده قرار گرفته است، جواب هر سه سئوال فوق مثبت است. از سال ۱۹۶۵ که سیستم پیشگوئی فضا ـ زمان یا *S.T.F* مورد بهره‌برداری قرارگرفته متحیرانه دقت عمل خاصی را نشان داده است.

ضربه و نزول اقتصادی امریکا در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و کوشش‌های نیکسون رئیس جمهوری امریکا برای جلوگیری از تورم، یکسال جلوتر توسط کارشناسان اعلام شده بود.

البته بیان این مطلب هم که بوالهوسی‌های سهامداران بازار بورس به دلیل اینکه بتوانند جیب خود را بیشتر پر کرده و ثروت‌های کلان‌تری بدست بیاورند منطقی و قابل قبول است ولی از طرفی هم هر کدام از سرمایه‌داران بزرگ امریکا مشاورانی دارند که آنها را در مورد بورس اجناس روز همچون زغال سنگ، فولاد، پلاستیک، حبوبات و غله، دام‌پروری، الکترونیک و انواع روغن‌های مایع یاری

میدهند.

البته برای این قانون نیز استثنائی موجود است.

همانطورکه قبلاً گفته شد سیستم غامض و ثابت شده **STF** که توسط زوج باهوش، لوئیس و موریل‌هاس‌بروک[۱] ابداع شده در تمام موارد اقتصادی مورد بهره‌برداری بوده است. این زوج عالم و مشتاق دارای سوابقی بسیارگسترده در علم احکام نجوم (آسترولوژی) و دیگر علوم روز هستند خانم و آقای هاس بروک هنوز هم با توجه به مراجعین بسیاری که دارند باز هم وقت زیادی را در توسعه روشهای اساسی در شناخت ترقی و تنزل بازار مصروف میدارند و واقعاً هم که خوب پیش می‌روند.

تمام سرمایه‌داران و سهامدارانی که به خانواده بروک مراجعه می‌کنند و آنها را می‌شناسند می‌دانند که اینها نه افرادی سودجو و کلاش هستند و نه کولی دوره‌گرد، آنها نه پیرو عواطف و احساسات خود هستند و نه جاه‌طلب و از هرگونه برخورد عمومی در اجتماع اجتناب می‌ورزند. یکی از سرمایه‌داران و صاحبان تراست در امریکا آقای مک گروهیل[۲] که درکارش بسیار موفق بوده اظهار داشته است (خانواده بروک مدت زیادی است که بطور خیلی صحیح به من کمک کرده‌اند. اما من خیلی دوست دارم که زمان انفجار مجدد کوه آتشفشان اِتنا در سیسیل[۳] را نیز بدانم، البته آن‌ها زمان وقوع زلزله در نیکاراگوئه و آلاسکا را پیش‌گوئی کرده بودند).

راجع به اینکه این افراد چگونه این کار را انجام میدهند، آقای بروک میگوید که آنها از وضعیت و حرکت دقیق و حقیقی سیارات استفاده می‌کنند، اما این مسئله

---

۱ - Louis and Muriel Hasbrouck.

۲ - Mc Graw - Hill.

۳ - Mount Etna in Sicily.

خیلی غامض‌تر از آن است که بتوان با قوانین احکام نجوم سنتی تشریح کرد. او می‌افزاید نتیجه‌گیری از پژوهش‌های مستقل و مطالعات طاقت فرسای آنها حدود سی سال بطول انجامیده است.

دکترین *STF* در وهله اول بر این مبناست که زمان حال متشکل از گذشته نیست بلکه متأثر از آینده است. و دیگر اینکه پیشگوئی فضا ـ زمان شامل تعدادی مسائل ثقیل‌التعریف است، از جمله آنکه فعالیت هماهنگ منظومه شمسی بر ذهن بشر تأثیر می‌گذارد. نتیجهٔ سالها تحقیقات و مطالعات خصوصی آنها رابطه و بستگی تپش‌های سی‌وشش ساله خورشیدی را با (تناوب اقتصادی) دنیا اثبات کرد. چیزی که در قرون متمادی قبل اتفاق افتاده و آنها با بهره‌وری از این مسئله و هماهنگ کردن آن توانستند رَوَند اقتصادی آینده را ترسیم کنند. خانواده بروک سالها قبل از ارائه فرمول *STF* یعنی در سال ۱۹۵۹ تنزل دلار و تعلیق سیستم بین المللی پولی را در دهه ۱۹۷۰ پیش‌بینی کرده بودند.

اما فرمول *STF* کلاً بر مبنای احکام نجوم سنتی نیست و در اصل برای چهار عنصر اصلی آتش و باد و آب و خاک، نُه تعریف بیان شده و این مسئله حاصل همان ریتم سی‌وشش ساله خورشیدی است و در واقع سیستم *STF* پلی است بین علوم قابل قبول فعلی و علوم غیرقابل قبول احکام نجوم، و فرمول اصلی در مورد علوم قابل قبول فعلی تئوری متحدالشکل کردن میدانهای گرانشی انیشتن است[۴].

حال آیا تئوری نسبیت ستارگان صحیح باشد یا غلط، به هر حال نادیده انگاشتن پیشگوئی‌های *STF* در خلال سالیان متمادی بر روی روند اصلی اقتصاد جهانی مشکل است و تشریح مکانیزم این سیستم نیز یک اجبار منطقی بنظر می‌رسد. خانم لوئیس بروک میگوید: خورشید تنها چیز حیات‌بخش این منظومه

---

۴ - Einstein's Unified Field Theory.

است، و بدین خاطر در تمام جوانب میدانهای انرژی را ساطع می‌نماید و این انرژی‌های نامرئی بطرف ما می‌آیند و در حقیقت مرکزشان بر خط استوای خورشیدی منطبق میباشند، و در ضمن هر کدام از سیارات دیگر نیز برای خود میدان مغناطیسی خاصی دارند که این میادین با میدان مغناطیسی خورشید دائماً در تداخل هستند و در نتیجه، از این تداخل (امواجِ) منظم با تناوب‌هایِ (معین) حاصل میگردد.

گراف *STF* متشابه این است که ریتم (ضربان قلب) خورشید را رسم کرده باشیم و با توجه به این حقیقت که واقعاً خورشید هستی بخش منظومه ما میباشد و همه موجودات دیگر به هر شکل و نوعی که باشند حیات و زندگی خود را از او می‌گیرند پس میادین مغناطیسی سیارات دیگر را که در میدان مغناطیسی اصلی (خورشید) تداخل میکنند باید مزاحم بدانیم، پس ناچاراً این مزاحمت‌ها در بعضی اوقات به شدت بیشتری و در بعضی اوقات در حد خیلی کمتری می‌رسند که رسم گراف این مطلب کلی (که از روی حرکت تمام سیارات منظومه شمسی میباشد) ماکزیمم و می‌نیمم موارد اقتصادی را به دست میدهد. در جهت روشن شدن تداخل میدان‌های مغناطیسی مثالی میزنم، اگر توجه کرده باشید گاهی اوقات که از نزدیک تلویزیون خود عبور میکنید نوعی از تغییر تصویر مانند (سایه، دوتاشدن، اعجوجاج و غیره...) بر روی صفحه تلویزیون مشاهده میکنید این امر به علت تداخل میدان بیومغناطیسی بدن شما با میدان الکترومغناطیسی تلویزیون است.

در اینجا جدال اصلی با علم این است که دانشمندان از قبول تأثیر طبیعت بر روی فعالیت‌های فکری بشر اجتناب می‌ورزند، و علیرغم علاقه گسترده و روز

افزون مردم به مسائل فرا روانشناسی[5]، باز هم دانشمندان کلاسیک معتقدند که ذهن بشر و فعالیت‌های عاطفی از دسترس پژوهش‌های علمی دور می‌باشند. هاس بروک میگوید، آنچه را که ما اظهار میداریم این است که افکار و احساسات انسان‌ها با تأثیرات کواکب منظومه شمسی و خورشید تغییر پذیر است. همچنانکه این تأثیرات پدیده‌های جوی، امواج رادیوئی و یا خیلی چیزهای دیگر را متأثر می‌سازند. و ثابت کرده‌ایم که بازار بورس، کشاورزی، صنعت و غیره و غیره مستقیماً متأثر از فکر و رفتار مردم است، یعنی تأثیرات کیهانی بر افکار مردم بر جریانات روزمره. هاس‌بروک می‌افزاید ثابت کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که انسان از لحاظ جسمانی و روانی تابع میدانهای مغناطیسی خورشید و کواکب منظومه شمسی است. ما که همه چیزمان در اصل حیات و نشئات گرفته از سیستم خورشیدی است، حالا چطور می‌تواند از آن جدا باشد؟

آقای هاس بروک شخصی تحصیل کرده است او در جنگ جهانی اول و دوم خلبان نیروی هوائی امریکا بوده و در ضمن مهندس ساختمان می‌باشد و در نیویورک زندگی میکند. او قبل از رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ امریکا در نیویورک بر روی سرمایه‌گذاری مطالعه میکرده و سپس مشاور خصوصی بسیاری از سرمایه‌داران بزرگ گردیده، در سال ۱۹۲۹ که سقوط اقتصادی بازار امریکا به وقوع پیوست او به خودش گفت (اکنون باید تحقیق کرد که علت این امور چیست) و چه قانونی در طبیعت در پس پرده اقتصادی تأثیر گذار است.

یکی از موفقیت‌های خانواده بروک همکاری آنها با کارخانه ساخت هواپیماهای بوئینگ و همچنین مشاوره با شرکت خطوط هوائی یونایتد[6] میباشد، دیگر آنکه یکی از مقامات مهم که در مورد مسائل *STF* و شراره‌های خورشیدی

---

۵ - Para - Psychology.

۶ - United Airlines.

بسیار نگران بود ضمن راهنمائی گرفتن از آنها اکنون این روش را به دقت مورد مطالعه قرار داده است. سیستم *STF* و دیگر روش‌های بروک از جمله، تخمین دقیق شراره‌های خورشیدی و علل جوی و ژئو مغناطیسی آن بر روی زمین، مسائل ژئوفیزیکی از جمله پیشگوئی زلزله و انفجارات آتشفشانی از طرف سازمان هوائی امریکا ناسا[۷] و مرکز فضائی درکُلرادو[۸]، و مرکز ملی پژوهشی اوضاع جوی در بولدر[۹] مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. البته برای فراگیری این علوم ـ احکام نجوم *STF* ـ سالها مطالعه و صرف وقت و تمرین لازم است ضمناً باید توجه داشت که خیلی از تشعشعات نامنظم خورشیدی هم هستند که باید مورد مطالعه و بررسی بیشتر قرار بگیرند.

خانم و آقای هاس بروک به خاطر ارائه سیستم دقیق خود از طرف کمیته مخابرات فدرال امریکا بعنوان کارشناس درجه یک (محاسبات اقتصادی) پذیرفته شده‌اند هاسبروک‌ها میگویند: (ما به خاطر اینکه سیستم اقتصادی خود را ثابت کنیم در وهله اول مجبور بودیم از خُلقیات و حوادث زندگی افراد سخن بگوئیم) خانم هاس بروک علاوه بر مطالعات عمیقی که در آسترولوژی دارد فارغ التحصیل رشته فلسفه تطبیقی نیز میباشد. مضافاً بر اینکه کتاب مفصلی راجع به آسترولوژی و تمام درجات بروج منطقةالبروج نوشته که واقعاً بی‌نظیر است.

خانم و آقای هاس بروک با استفاده از معلومات وسیع خود ضمن کار فراوان متدی را کشف کردند که زمان دقیق انحرافات و اشکالات مخابرات رادیوئی را بیان میدارد. این روش در سال ۱۹۴۰ به وسیله شرکت تلفن بل و سپس به وسیله شبکه مخابراتی جهانی *RCA* آزمایش و مورد تصدیق و بهره‌برداری فرا گرفت.

---

۷ - NASA.

۸ - Colorado.

۹ - Boulder.

انگیزه این برآورد آن بود که درست در هنگام فوران شراره‌های خورشیدی طوفانهائی در قسمت یونیسفر[۱۰] و در قسمت بالای آتمسفر زمین ایجاد میشود، این طوفانها بر روی امواج کوتاه رادیوئی تأثیر گذاشته و باعث میشوند که از لایه یونیسفر گذشته و به وراء انحناء زمین که گیرنده در آنجا قرار دارد برسند و در نتیجه اختلال دریافت رخ میدهد، علیرغم این مسائل علمی و حتی علیرغم این مطلب کمپانی *RCA* استفاده از محاسبات احکام نجوم را علناً در سال ۱۹۵۰ برای کارهای مخابراتی خود اعلام داشت. هنوز هم عده‌ای از به اصطلاح دانشمندان کله شق که هیچگونه مطالعه عمیق و کلاسیکی در این موضوع ندارند با این امر مخالفت ورزیده و میگویند که کواکب آنقدر دور هستند که نمی‌توانند انرژی یا تأثیری بر شئونات زندگی ما بگذارند. البته در جواب اینگونه افراد باید گفت تصدیق میشود که راه اثباتی برای تأثیر مستقیم کواکب نیست ولی آنچه مسلم است و از نظر علمی هم نشان داده شده میدانهای مغناطیسی سیارات بر میدان مغناطیسی خورشید تأثیر گذاشته و موجب اختلالاتی در آن می شوند و چون خورشید تنها موجود هستی بخش منظومه ماست و همه ما به واسطه او در پویش زندگی هستیم پس این تأثیر بر روی جسم و خصوصاً روان ما نیز بازتاب پیدا میکند.

میدان‌های مغناطیسی بی‌شمار ساطع شده از خورشید در تمام جهات در فضا منتشر میشوند، و همزمان با تشعشعات هماهنگی از انرژی‌هائی توأم است که دامنه و طول موج آنها نیز کم و زیاد میشوند. خطوط اصلی این نیرو به محاذات کمربندی که بعنوان خط استوای خورشیدی فرض میشود قرار دارند. برای مثال می‌توانید متشابهاً حلقه زحل را در نظر بگیرید اما به شکلی نامرئی که در تمام جهات عالم پخش میشود. و قویترین این حوزه‌ها نیز به محاذات و منطبق بر کمربند

---

۱۰ - Ionosphere.

فرضی دایرةالبروج هستند یعنی محلی که مدار اغلب کواکب بر آن میگذرد.

این میدانهای مغناطیسی خورشیدی به فواصل بسیار دور و حتی به ماوراء سیاراتی که تاکنون شناخته نشده‌اند می‌رسند و عمیقاً به وسیله حوزه‌های بین سیاره‌ای و مراکز گرانشی متأثر میشوند و با شناور شدن در اطراف خورشید و با تداخل میدان‌هان مغناطیسی سیارات دگرگونی‌های مختلفی از لحاظ تشعشع پیدا کرده و بر تمام چیزهای روی زمین تأثیر میگذارند.

دامنه و پریود و نقاط ماکزیمم و می‌نیمم این امواج انرژی قابل تخمین است، و بدین واسطه زمان و نوع تأثیرات را بر روی بازار اقتصادی و اخلاق عمومی میتوان پیش گوئی کرد.

همچنانکه حوزه مغناطیسی خورشید به زمین می‌رسد حوزه ژئومغناطیسی آن را به شدت تغییر داده و متأثر میسازد و ضمناً بر خلقیات و رفتار انسانها چه فرداً و چه جمعاً اثر میگذارد. البته باید دانست که تغییرات حوزه مغناطیسی بر تمام افراد بشر در یک زمان تأثیر میکند ولی نوع تأثیر به دلیل زمان تولد افراد بنا به شرایط مولودی ایشان نسبت به آن حوزه‌های خاصی که در هنگام تولد داشته‌اند، متفاوت است.

تفاوت در زمان تولد موجب تغییرات اساسی در رفتارهای شخصیتی افراد است حتی در مورد دوقلوها. (چون گرچه مکان آنها یکی است ولی زمان فرق میکند و تفاوت ۴ دقیقه و بیشتر خیلی مؤثر است). حال تعجب در اینجاست که آسترولوژرهای عهد باستان ازکجا این مطلب را می‌دانستند.

جان نلسون رئیس *RCA* که یکمرتبه آسترولوژی را بعنوان مطلبی غیر علمی اعلام کرده بود اکنون خودش از اعضاء فدراسیون منجمین امریکائی[۱۱] میباشد. او

---

۱۱ - American Federatian of Astrologers.

شخصاً با مطالعات خودش متوجه شد همانطورکه منجمین قدیمی در مورد زوایای مخالف صحبت کرده بودند درست همان حالات تأثیرات بدی بر انتقال امواج خورشیدی، رادیوئی و هوا میگذارند، این زوایای ناجورکه (قبلاً هم توضیح داده شده) °۴۵ و °۹۰ و °۱۸۰ درجه هستند، این زوایا با تحولات فاحشی بر یونیسفر خورشید و زمین مصادف می‌باشند. و به همان مرسومات قدیمی احکام نجوم زوایای خوب °۳۰ و °۶۰ و °۱۲۰ درجه میباشند که منتقل کننده فعالیت‌های آرام خورشیدی بوده و برای امواج رادیوئی نیز خوب میباشند.

لوئیس‌هاس بروک میگوید: هر عنصر اصلی متشکل از شارژهای میدان الکتریکی است و هر موجود زنده در حقیقت یک ناقل الکتریکی است. و مادامیکه ما بر روی زمین و در حوزه مغناطیسی آن زندگی می‌کنیم و غذا و آب و هوائی که استفاده می‌کنیم منشعب از این عناصر هستند، پس همه ما در کل عضوی و جزئی از این تصویر کلی و بزرگ زندگی هستیم. میدان انرژی سیارات کلاً در تأثیرگذاری و تغییرات ابدی هر چیزی هستند که به آن بتابند.

در بیان چگونگی تأثیر آینده بر حال و یا به عبارتی دیگر کشش زمان حال به صوب آینده هاس بروک با ترسیم طول موج‌های سی و شش ساله خورشیدی و تأثیرات آن بر اقتصاد جهانی بوسیله تأثیرپذیری شعور توده مردم مطلب را ادا میکند. اتفاقاً بر حسب تصادف مشاهده میشود که زایجه‌های ترسیم شده بوسیله هندیان و عبریان عهد باستان نیز به سیکل‌های سی‌وشش ساله منقسم بوده‌اند و این خیلی جالب است که نشان میدهد دانشمندان و متخصصین آن عهد به چیزی دست یافته بودند که در دنیای جدید امروز تازه ما آن راکشف کرده‌ایم.

شاید بتوان گفت که در این امر ادوارد.آر. دیوی[۱۲] رئیس مؤسسه مطالعاتی

---

۱۲ - Edward R.Dewey.

(سیکل‌ها) از نظر علمی تنها کارشناس پیش قدم می‌باشد. او برای ادعای این مهم که چرا نیروهای خارجی بر ذهن بشر و در نتیجه فعالیت‌های او مؤثر است چهار دلیل می‌آورد:

۱ ـ تقریباً هرچیزی در دنیا دارای ارتعاش است.

۲ ـ بسیاری از چیزها به صورت امواج و یا سیکل‌ها نوسان دارند.

۳ ـ بسیاری از این امواج خیلی منظم و نافذ تکرار می‌شوند بطوری که نمیشود آن‌ها را فقط در تحت قوانین امکانات یا شانس تعریف کرد.

۴ ـ پس اگر موج یا سیکل با (قانون شانس) تکرار نمیشود، پس باید چیزی، نیروئی و یا یک انرژی خاصی آن را ساطع کرده باشد.

و وقتی که نیرو یا نیروهائی که باعث ایجاد این امواج شده‌اند کشف گردند آن وقت معمای ما نیز حل میشود. فضای اطراف ما سرشار از نیروهائی است که متناوباً در تحریک و یا افسرده کردن انسانهاست، آنها را گاهی بدبین گاهی خوش‌بین یا زمانی وحشت‌زده میکند. این نیروها ما را کنترل نمی‌کنند اما بر ما (تأثیر) میگذارند.

دلیل شکست موارد اقتصادی و خصوصاً رابطه آن با آسترولوژی این است که اقتصاد دانان نخواسته‌اند قبول کنند که ریتمهای طبیعی کیهانی بر زندگی و ابناء بشر تأثیرگذار است، اما با توجه به ازدیاد جمعیت جهان و کمیابی تولیدات کشاورزی و تغییرات آب و هوا و دیگر مراتب، ***STF*** یا چیزی مشابه آن در آینده نزدیک شدیداً مورد احتیاج می‌باشد و قبول واقعیت و پتانسیل انرژی‌های کیهانی برای تاریخ علم سرافرازی و پیشرفت بزرگی خواهد بود.

فصل دوازدهم

توسعه علم احکام نجوم

یکی از مهمترین دلائلی که اینک آسترولوژی، در غرب علی‌الخصوص در بین مردم، از محبوبیت بیشتری برخوردار شده، انطباق مسائل مختلف آن با علم و در نتیجه صحت پیشگوئی‌هائی است که انجام میگیرد. به ویژه که بعد از سال ۱۹۶۲ و با توجه به محاسبات قبلی منجمین در مورد ترقی‌های روزافزون تکنولوژیکی و غیره این دانش طرفداران بیشتری پیدا کرد.

طلایه‌داران آسترولوژرهائی که امروزه در روزنامه‌ها و مجلات و نشریات گوناگون قلم می‌زنند، همانا مردان بزرگی از قرن هفدهم چون ویلیام‌لیلی[۱]، جان گادبوری[۲]، جورج‌وارتان[۳] و جان‌پارتریج[۴] هستند. ویلیام لیلی به خاطر پیش‌بینی دقیق آتش سوزی لندن چنان مشهور شد که به خاطر اطلاع و دست داشتن در این فاجعه مورد اتهام و سوءظن قرارگرفت ولی به هر حال در دادگاه عالی لندن به خاطر اثبات این موضوع که اطلاعات قبلی او چیزی جز محاسبات نجومی نبوده تبرئه شد[۵].

---

۱ - William Lilly.

۲ - john Gadbury.

۳ - George Wharton.

۴ - John Partridage.

۵ ـ نوستر آداموس (۱۵۶۶ ـ ۱۵۰۳) اهل فرانسه که از بزرگترین متخصصین احکام نجوم و پیشگوهای دنیا بود یکصد سال قبل از وقوع فاجعه آتش در لندن آن را پیش‌بینی کرده بود، آتش سوزی در سال ۱۶۶۶ میلادی اتفاق افتاد.

توسعه انتشارات ادبی، فنی و اوضاع نامناسب سیاسی در ممالک مختلف زمینه مساعدی را برای منجمین و ارائه پیش بینی‌هایشان فراهم آوردند. توسعه و رشد نشریات و کتب مخصوص به این علم در انگلستان نسبت به دیگر کشورهای اروپائی بیشتر بود، و علم آسترولوژی از اعتبار بیشتری برخوردار بوده است. تعداد کتب و تقویم‌های نجومی که در قرن شانزدهم در انگلستان منتشر شدند همگی راهگشا و مراجع بهره‌برداری برای دیگر کشورهای اروپائی گردیدند.

شرکت‌های انتشاراتی در انگلستان، انجمن‌های خاصی برای اعضاء و همچنین شعبات متعددی برای نشر و پخش کتب و تقویم های نجومی تأسیس نموده و مسئولیت‌های گوناگونی را در این زمینه عهده‌دار گشتند، از جمله کتابهای مرلینوس لیبراتوس[۶] از جان پار تریج، اسپکولیوم آنی از هِنری سیزن[۷] و وکس‌استلاریوم از فرانسیس مور[۸]. و از میان همه اینها نشریات مور موفق‌تر بوده و هنوز هم تحت نام آلمونک قدیمی مور[۹] انتشار می‌یابد.

این پیش‌بینی‌ها و تقویم‌های نجومی علاقه مردم و در نتیجه علم احکام نجوم را در طی قرون هفدهم و خصوصاً هجدهم زنده نگاه داشت تا اینکه در اوائل قرن نوزدهم آسترولوژی تجدید حیات نوینی یافت. در سال ۱۸۰۳ نشریه مور تیراژی در حدود ۳۹۳,۷۵۰ داشت. در دههٔ ۱۸۲۰ با ظهور روبرت‌کروس‌اسمیت[۱۰] که در سال ۱۸۲۴ سردبیری مجله "منجم دوره‌گرد"[۱۱] را به عهده داشت اتفاق بسیار

---

۶ - Merlinus Liberatus.

۷ - henry Season's Speculume Anni.

۸ ـ Francis Moor's Vox Stellarum فوکس استلاریوم هم میگویند.

۹ - old Moor's Almanac.

۱۰ - Robert Cross Smith.

۱۱ - Straggling Astrologer.

مهمی در تاریخ آسترولوژی به وقوع پیوست. از این مجله فقط چند شماره انتشار یافت و تنها مجله‌ای بود که تا آنزمان و برای اولین بار بطور هفتگی چاپ میشد و پیشگوئی‌های نجومی را در مورد مسائلی مثل، عشق ، تجارت، مسافرت، و غیره منتشر می‌ساخت.

زمانی که مجله منجم دوره‌گرد تعطیل شد آقای اسمیت به سردبیری مجله دیگری بنام پیام‌آور پیشگو[۱۲] منصوب شد و در این مجله تحت نام مستعار رافائل[۱۳] مقاله می‌نوشت. در این نشریه او برای هر روز سال پیشگوئی میکرد یعنی کاری که تا به آن موقع انجام نداده بود. بعد از مرگ او در سال ۱۸۳۲ مجله همچنان توسط یکی دیگر از جانشین‌های او و به همان نام رافائل منتشر شد و اکنون نیز بعد از حدود دو قرن همچنان تحت نام "تقویم نجومی رافائل پیام آور پیشگو و پیش بینی هوا"[۱۴] منتشر میشود.

در همان زمانی که رافائل اول فوت نمود سردبیر نجومی دیگری پا بر روی صحنه گذاشت. او آر.ج موریسان[۱۵] بود که تحت نام "زادکیل"[۱۶] مقاله می‌نوشت. او نسبت به آقای اسمیت از تحصیلات و معلومات بالاتری برخوردار بود و به همین دلیل سعی فراوانی در جهت تطبیق مسائل احکام نجوم و علم از خود نشان داد. موضوع مورد علاقه او پیش‌بینی اوضاع هوا بود. او در سال ۱۸۴۴ "انجمن انگلیسی توسعه نجومی و دیگر علوم"[۱۷] را بنیان گذاشت، البته عمر انجمن کوتاه بود ولی

---

۱۲ - Prophetic Messenger.

۱۳ ـ Rophael در بخش اول در مورد این شخص و جداول نجومی (زیج‌ها) او که فعلاً مورد استفاده منجمین است توضیح داده شد.

۱۴ - Raphaels Almanac, Prophetic Messenger and Weather Guide.

۱۵ - R.J. Morrison.

۱۶ - Zadkiel.

۱۷- British Association For The Advancement of Astral and Other Sciences.

نمونه‌ای شد از انجمن‌های پیشرفته و پابرجائی که در قرن بیستم تأسیس گردیدند.

نشریه موریسان که بنام تقویم نجومی زادکیل[18] بود به زودی با استقبال شایانی مواجه گردید، و حتی تا سالها بعد از وفاتش منتشر می‌شد.

در اواخر قرن نوزدهم در کار احکام نجوم وقفه افتاد تا بعد از چندی ناگهان یک تمایل و رغبت خاصی که ویژه انگلیسی‌هاست در مورد علم احکام نجوم سراسر قاره اروپا را فراگرفت و بطور کلی بحث روز شد.

اما تا سال ۱۹۳۰ احکام نجوم به وسیله نشریات ملی به چاپ نمی‌رسیدند اما در ماه اوت سال ۱۹۳۰ اولین نشریه رسمی و ملی که از یک آسترولوژر دعوت به همکاری کرد روزنامه معروف ساندی اکسپرس[19] بود، در این موقع آقای آر.اچ. نایلور[20] که از منجمین ممتاز بود بطور روزانه مقالات خود را در ساندی اکسپرس به چاپ می‌رساند. دیری نپائید که او به خاطر پیشگوئی‌های صحیح و دقیقش معروف خاص و عام گردید. آقای ج.آر. گوردن[21] سردبیر وقت روزنامه بر یکی از کتابهای نایلور مقدمه‌ای نوشت و چنین شرح داد: اولین بار در همان ساعات اولیه روز یکشنبه معروف بود که آر یکصدویک (۱۰۱) به زمین سقوط کرد و ضمن به بار آوردن خرابی‌های فراوان تمام کارکنان آن نیز کشته شدند. من شبانه خود را به اداره روزنامه رساندم و یکی از روزنامه‌هائی را که در حال چاپ شدن بود همانطور با مرکب خیس برداشته و به ستون مربوط به آقای نایلور نگاه کردم و با کمال تعجب دیدم که او تحت عنوان مقاله‌ای بنام "یک تقدیر عجیب" قبلاً از فاجعه ۱۰۱ خبر داده بود.

---

۱۸ - Zadkiel's Almanac.

۱۹ - Sunday Express.

۲۰ - R.H. Naylor.

۲۱ - J.R. Gordon.

آقای گوردن ادامه میدهد که دومین بار در یک بعدازظهر روز شنبه‌ای بود که من در دفتر کار خود با لُردکاسل‌رُس[۲۲] مشغول صحبت بودم و ناگهان آقای نایلور سرزده وارد اطاق من شد و سئوال کرد که آیا میتواند مطلبی را بر مقاله خود اضافه کند، من در جواب او گفتم به دلیل اینکه همه کارهای حروف چینی تمام شده و روزنامه زیر چاپ است این کار عملی نیست، آقای نایلور سرش را تکان داد و گفت متأسفم ولی به زودی زلزله‌ای به وقوع خواهد پیوست و سپس دفتر مرا ترک کرد.

دوازده ساعت بعد تلفن اتاقم زنگ زد و شخصی از اداره مرکزی روزنامه بطور واضح و دقیق شرح زمین لرزه‌ای راکه یکساعت قبل نیمی از انگلستان را تکان داده و خسارات زیادی را ببار آورده بود به من گزارش داد.

در کشورهای اروپائی و امریکائی علاوه بر توسعه روز افزون پاورقی‌های روزنامه‌ها در مورد احکام نجوم افراد زیادی هم هستند که برای مشاوره‌های خصوصی خود به آسترولوژرها مراجعه می‌کنند و این ازدیاد علی‌الخصوص در امریکا چشمگیر است. طبق یک آمار برآورد شده در حال حاضر در ایالات متحده امریکا حدود دوازده هزار منجم متخصص تمام وقت و پنجاه هزار منجم نیمه وقت وجود دارند. بسیاری از شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ برای بررسی روحیه و حالات پرسنل خود و یا بعضی از مشاغل تجاری ازکامپیوتر استفاده می‌کنند. یک شرکت امریکائی کامپیوتری ساخته که در عرض دو دقیقه یک زایجه را با ۱۰,۰۰۰ (ده هزار) کلمه جمله سازی کرده و جواب میدهد استفاده کامپیوتری احکام نجوم به سرعت سراسر اروپا را اشغال کرده است. حتی تبلیغ کنندگان مصنوعات نیز از عوامل بالقوهٔ احکام نجوم غافل نمانده‌اند و اجناسی همچون عطرها، کفش‌ها و حتی خوراکی‌هائی را در رابطه با سمبل‌های منطقة‌البروج به بازار عرضه کرده‌اند.

---

۲۲ - Lord Castle rosse.

البته با تمام این وجود لعنت و تکفیر و خوار و خفیف شمردن آسترولوژی و مشتاقان آن نیز به نوبه خود شیوع دارد و عده بسیاری از این افراد مایلند که واژه یا معنای دیگری را جانشین علم احکام نجوم کنند[۲۳]. ولی در آلمان مدتها قبل توانستند کلمه "بیولوژی کیهانی"[۲۴] را جانشین اسم سنتی و به نظر خرافی احکام نجوم بنمایند. جدی‌ترین اتحاد علم احکام نجوم در محافلی همچون انجمن آسترولوژی[۲۵] ـ و لژآسترولوژی جامعه عرفانی[۲۶] به مظنه ظهور رسیده است. اعضا این محافل از طبقات مختلف مردم با مشاغل گوناگونی همچون، پزشکی، مهندسی، وکالت و غیره هستند و از هر سن و سالی هم میتوان در آن‌ها دید. مدارس عالی آموزشی احکام نجوم در اروپا و امریکا به دانشجویان فارغ‌التحصیل خود مدارکی در سطح گواهی نامه، لیسانس حتی دکتری اعطاء می‌کنند که برای دو مرحله آخر البته نیاز به مطالعات علمی فراوان و صرف وقت چندین ساله است.

بسیاری از مفسرین احکام نجوم معتقدند که این علم در حوزه روان شناسی، جرم شناسی، تشخیص امراض طبی، راهنمائی مشاغل و دیگر علوم وابسته کاربرد بالقوه و شگرفی دارد. و این مفسرین در اثبات ادعای خود همیشه متکی به تجارب دکتر کارل گوستاو یونگ بوده و او را مرشد خود می‌دانند.

یونگ معتقد بود که تمام شیوه‌های پیشگوئی بر مبنای همگامی یا همزمانی[۲۷] است او اینگونه اتفاقات را بعنوان ربط یک واقعه به دیگری بدون امری مهم تلقی

---

۲۳ ـ همچنانکه در مملکت خود ما نیز به دلیل شیادی عده‌ای بی‌سواد و سودجو کلمه رمل و اصطراب با سخافت همراه است.

۲۴ - Cosmobiology.

۲۵ - Astrological Association.

۲۶ - Astrological Loge of The Theosophical Society.

۲۷ - Synchronicity.

میکرد و تعبیر رؤیا و ادراک مافوق حسی یا *ESP*[۲۸] و امثالهم را نیز از همین مقوله می‌شمرد.

دکتر یونگ برای اثبات مدعای خود دنبال راههای بسیاری رفت تا به آسترولوژی برخورد نمود. او به این نتیجه رسید که ازدواج دو نفر با توجه به زایجه آنها منوط است به مقارنه بودن آفتاب یکی به ماه دیگری و یا بلعکس و یا مقارنه ماه هر دو زوج. یونگ با کمک یک متخصص آمار و با رسم و مطالعه زایجه‌های چهار صد زن و شوهر نتایج فوق را حاصل کرد و اعلام داشت این مقارنه حکمی واقعی است که بر اساس شانس و تصادف نمیتواند باشد. و در شاخص آماری خود دریافت که در مورد نظرات کواکب برای ازدواج گرچه بعضی دیگر از حالت‌های مقارنه نیز دخالت دارند ولی بطور کلی مقارنه ماه و خورشید در رأس جدول قرار میگیرد و با این باور اعلام داشت علم احکام نجوم اتفاقی و غیر مهم نیست چون در غیر اینصورت من "یونگ" نمی‌توانستم چنین شاخص آماری دقیقی بدست آورم اما می‌توان آنها را بر قاعده همزمانی یا نوعی "تطابق معنی دار"[۲۹] تشریح کرد.

نتیجه مطالعه او در مورد همزمانی در مقاله‌ای تحت نام "یک اساس ارتباطی بی‌دلیل"[۳۰] چنین انتشار یافت: غرب برای متروک ساختن این فرضیه کهنهٔ "همزمانی" دست به هر عملی می‌زند ولی موفق نشده، البته انواع تفال و غیبگوئی به نظر رو به خاموشی می‌روند اما آسترولوژی که در عصر ما به رتبه والائی رسیده به حیات خود ادامه خو اهد داد. و نفوذ علمی عصر جدید نیز قادر به خاموش کردن قدرت اغوا کننده اساس همزمانی نخواهد بود چون برای آخرین ملجأ، این علم دیگر یک سئوال خرافی در مقابل حقیقت نیست و علت مخفی بودن و عقب افتادگی آن فقط

---

۲۸ - ESP = Extra - Sensory - Perception.

۲۹ - meaningful Coincidence.

۳۰ - An Acausal Connecting Principle.

به خاطر این است که جنبه‌های فیزیکی آن در مقایسه با اثرات روانی آن کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است.

طرفداری و تحقیقات دکتر یونگ در مورد آسترولوژی، کیمیاگری و دیگر علوم قدیمی به او کمک کرد تا در روانشناسی سر آمد و طلایه داری شود که تا قبل از او هیچکس جرأت آن را نداشت. امروز بسیاری از روانشناسان، مدیران، مددیارانِ زندانیان و دیگر افرادی که به نحوی با رفتارهای شخصی دیگران سروکار دارند آسترولوژی را به عنوان یک علم مؤثر و کارآمد برای شناخت افراد و محیط اطراف خود انتخاب می‌کنند.

این پیشرفت و توسعه علم احکام نجوم نتیجه راه جالبی بوده که این دانش در طی قرون متمادی پیموده است. علمی که در آغاز فقط در انحصار کاهنان و موبدان و خوابگزاران بوده و سپس بصورت حرفه‌ای درآمد که مورد استهزاء و تمسخر افراد تحصیل کرده شد ولی اکنون از درون خود و طرفدارانش در حال فوران کردن میباشد و مورد توجه دقیق افراد هوشمند و دانش پژوه قرار گرفته است.

فصل سیزدهم

دانشمندان مخالف و دوقلوهای همزمانی

در سال ۱۹۷۵ ، یکصدوهشتادوشش دانشمند که هجده نفر آنها از برندگان جایزه نوبل بودند، سرانجام تصمیم خود را بر علیه "احکام نجوم" "آسترولوژی" گرفته و با امضاء یک اعلامیه همه آن چیزهائی را که بعنوان "کهنه پرستی" می‌نامیدند، از جمله احکام نجوم و افکار غیر منطقی و خرافی را در این رابطه محکوم کردند. اولین مقاله جنجالی و مخالفت آمیز آنها در نشریه پائیزی مجله هیومنیست[۱] انتشار یافت. دکتر جوگوداویج[۲] ستاره‌شناس و منجم امریکائی میگوید، نمیدانم که آیا شخص سردبیر مجله آقای پاول‌کورتز[۳] نیز در این ماجراء شرکت داشته است یا خیر، ولی حملهٔ جدل آمیز و پر سروصدائی بود. این دانشمندان که اعلامیه را امضاء کردند به احکام نجوم هر آنچه که بود و نبود از قبیل، مزخرف، گنداب، و بسیاری از واژه‌های ناروای دیگر منسوب کردند.

جالب اینجاست که این آقایان محترم که مانیفست ضد احکامی را امضاء کردند هیچکدامشان هرگز مراتب احکام نجوم و بطن علمی آن را مطالعه نکرده‌اند و بلکه هیچوقت هم علاقه‌ای به این کار نداشته‌اند. فقط بدون مطالعه واقعی چون

---

۱ - The Humanist magazine.

۲ - Joe Goodavage.

۳ - Paul Kurtz.

دانشمند بودند!! "می‌دانستند" که آسترولوژی یک اصل مردود است. اعضاء کمیتهٔ پروفسور کورتز هم که مأمور تحقیقات علمی در مورد اظهارات غیر معمولی و غیر علمی هستند هرگز و هرگز در این مورد بخصوص پژوهشی نکرده‌اند.

گوداویج که خود از متخصصین برجسته احکام نجوم است میگوید، من در تجربه شخصی خودم به خاطر آزادی عمل که در "مناسبات علمی" به آن پایبند می‌باشم برای هرکس و برای اکثر این آقایان دانشمند از طریق آسترولوژی چیزهائی را "فقط یک مرتبه و برای همیشه" ثابت نمودم که بدون پژوهش و تتبع دیگر سخن نگویند، از جمله مواردی که از زایچه نجومی آنها استخراج کردم، خصائص شخصیتی و مهمترین اتفاقات زندگی‌شان از قبیل: تصادفات، بیماریها، اعمال جراحی، جای زخم یا سوختگی بر روی بدن‌هایشان، زمان ومکان ازدواج، تولد بچه‌هایشان، طلاق، مسافرتهای طولانی، مشاغل، ترفیعات، تغییر خانه و چیزهای متشابه دیگر، بود و به نظرم رسید که اینهائی را که برشمردم کافی می‌باشند ولی متأسفانه بعد از چند سال پژوهش مشتاقانه به علت بی‌توجهی مردم چنین یافتم که به هیچ جا نخواهم رسید. ولی خوشبختانه روزی بدون هیچ انتظار قبلی نامه‌ای از نیویورک هرالدتریبون[۴] دریافت کردم که برای یک پژوهش سه ساله در فیلادلفیا[۵] در مورد اینکه آیا شرایط جوی[۶] چیزهائی دارد که بر روی سلامت فکری و جسمی مردم تأثیر بگذارد، دعوت به همکاری شدم.

با این تیم تحقیقاتی که به سرپرستی انستیتوی پزشکی ـ هوائی امریکا یا (*AIMC*)[۷] بود، مراکز بسیاری از منطقه فیلادلفیا مجبور به همکاری بودند که از

---

۴ - NewYork Herald Tribune.

۵ - Philadelphia.

۶ - atmosphere Conditions.

۷ - AIMC = American Institute of Medical Climatology.

جمله: ادارهٔ پلیس و آتش‌نشانی، بعضی کارخانه‌های بزرگ، دانشگاه پنسیلوانیا و چند بیمارستان بزرگ را می‌توان نام برد، شگفت انگیز اینجاست که سرانجام تیم تحقیقاتی (*AIMC*) کشف کرد که هوا و تغییرات دائمی یون‌های جو[۸] "آتمسفر" به راههای مختلف و عجیبی بر روی انسان تأثیر میگذارد. دکتر گوداویج میگوید که در طول مصاحبه‌ها و پژوهش‌هایش ارتباط خاصی را بین رفتار انسان‌ها و اَهِلّه ماه[۹] در می‌یابد که مجبور می‌شود در مورد "دوقلوهای همزمانی" بیشتر تحقق کند.

دوقلوهای همزمانی[۱۰] به افرادی گفته میشود که در یک روز و یک ساعت معین در دو نقطه جداگانه ازکره ارض متولد میشوند که چنانچه زوایای کواکب برای عرض جغرافیائی این متولدین (طول جغرافیائی زیاد مهم نیست) همسان باشد قاعدتاً سرنوشت‌های خیلی متشابهی دارند.

یکی از اعضاء گروه تحقیقاتی در عرض این سه سال آقای فورست پی اسپیچر[۱۱] رئیس کارشناسان محقق در کارخانه فیلکو[۱۲] بود که ضمن آشنائی و علاقه‌مند شدن به آقای گوداویج یک ژنراتور مولد یون منفی نیز ساخته بود. با جلب موافقت دکتر ایگو.اچ.کورنبلو[۱۳] در بیمارستان فرانکفورت[۱۴] (که سپس این دکتر رئیس تیم *AIMC* شد) با وارد کردن یون منفی به مدت طولانی به چادر اکسیژن افرادی که از سوختگی بیش از نود درصد رنج می‌بردند این نتیجه حاصل شد که مشقت جانکاه آنان تا حد بسیار زیادی کاهش یافته و از درد و الم آسوده می‌گردند.

---

۸ - Ions.

۹ ـ هلال و اشکال مختلف ماه در عرض ۲۸ روز.

۱۰ - Time - Twins.

۱۱ - Forrest P.Speicher.

۱۲ - Philco.

۱۳ - Dr. Igho H.Kornblueh.

۱۴ - Frankford Hospital.

در جریان این آزمایش در بیمارستان فرانکفورت مشاهده شد که این بیماران و حتی بسیاری از بیماران سرطانی که مبتلا به دردهای شدید بودند بعد از نیم‌ساعت تنفس از یون‌های منفی وارد شده به چادر اکسیژنشان قادر می‌شوند برای مدت زیادی بدون استفاده از مسکن‌های قوی به آرامی خوابیده و یا استراحت کنند. ناگفته نماند که ابتکارات آقای فورست اسپیچر به پیشنهادات گوداویج صورت می‌گرفت و چون او هم به احکام نجوم علاقه‌مند بود در طول دوره با آقای گودآویج به پژوهش‌های نجومی و بازتاب آنها بر روی مردم می‌پرداخت و سرانجام آقای دکتر کورنبلو از آقای گوداویج درخواست کرد به طور رسمی عضو *AIMC* شود.

چون آقای گوداویج ضمن کارهای پژوهشی خودش در مورد آتمسفر، درباره دوقلوهای همزمانی نیز تحقیق می‌کرد سعی می‌نمود که با جمع‌آوری ساعت و تاریخ تولد بچه‌ها به نتیجه مطلوب خود برسد. ولی مهمترین چیزی را که آقای دکترگوداویج در مورد دوقلوهای همزمانی صادق میداند این است که تولد آنها اگر در مقارنه پنج کوکب، مریخ، و زهره و عطارد و مشتری و زحل همراه با کسوف و یا خسوف نیرین[۱۵] در همان برج قران باشد، شباهت سرنوشت‌ها صددرصد خواهد بود و به همین خاطر سعی نموده است که "ساعت و روز" تولد بچه‌هائی را که در چهارم و یا پنجم فوریه ۱۹۶۲ که قران این کواکب همراه با کسوف کامل در برج دلو بوده است گردآوری کرده و محاسبات خویش را انجام دهد، بعضی از روزنامه‌ها و مجلات پر تیراژ شمار بسیاری از این زایجه‌ها و تشریحات نجومی ایشان را در مورد دوقلوهای همزمانی چاپ کرده‌اند که بد نیست به تعدادی از آنها اشاره کنیم.

مجله نیویورک تایمز هیجدهم مارس ۱۹۷۳ : دو مرد که هر دوی ایشان به

---

۱۵ ـ ماه و خورشید را نَیّرین گویند.

اسامی جیمز ادوارد تایلور می باشند و یکی بازرس منطقه بهزیستی و دیگری کارمند اداره پست است هم برای خودشان و هم برای سازمان بیمه‌های اجتماعی موجب دردسر شده‌اند، این دو مرد نه تنها دارای اسامی یکسان بوده بلکه هر دو عیناً متولد بیست و سوم جولای ۱۹۱۹ در ایالت ویرجینیا می‌باشند، اما مهمترین اشکالی که فعلاً سازمان بیمه‌های اجتماعی با آن روبروست این است که شماره پرسنلی خدماتی این افراد مانند یکدیگر است.

این دو نفر آقایان تایلور که هر دو به فاصله یکصدوپنجاه و چهار مایلی دور از یکدیگر متولد شده‌اند تا سال ۱۹۶۰ از وجود "قلوی" خود هرگز مطلع نبوده‌اند. تا آنکه برای اداره رانندگی اشکالی پیش آمد و متوجه شد که برای دو نفر دو گواهی نامه رانندگی با یک شماره سریال صادر کرده است.

جالب و خواندنی: عجیب‌ترین تقارن تاریخی: کینگ آمبرتو اول[۱۶] (۱۹۰۰-۱۸۴۴) پادشاه ایتالیا همزادی داشت به نام آمبرتوسان تی‌نی[۱۷] که از هر نظر به یکدیگر شباهت داشتند. آنها در یک روز در تورینو[۱۸] متولد شدند، در همان روزی که کینگ آمبرتو به پادشاهی رسید آمبرتوسان تی‌نی به رستوران داری رسید. اسم همسران هر دوی آنها مارگریتا بود و هر کدام یک پسر بنام ویتوریو داشتند، هر دو در یک روز در شهر مونزا[۱۹] به ضرب گلوله کشته شدند، شاه ترور شد ولی آمبرتو رستوران‌دار بر اثر اشتباه تیراندازی کردن شخص دیگری از پا درآمد.

نشریه نیویورک ورلد تلگرام[۲۰] ۲۵ مارس ۱۹۶۴ : دو دوست که متولد یک روز بودند هر دو در یک روز در یک تصادف کشته شدند. هر دو آنها متولد نوزدهم

---

۱۶ - King Umberto.I.

۱۷ - Umberto Santini.

۱۸ - Torino.

۱۹ _ Monza.

۲۰ - NewYork World - Telegram.

جولای ۱۹۴۴ بودند، یکی به اسم فرد[۲۱] از ایالت نبراسکا[۲۲] و دیگری به نام بارت[۲۳] از ایالت اوکلند[۲۴]. فِرِد در بچگی به اوکلند رفت و هر دو کودک با هم در یک دبستان و دبیرستان و دانشکده تحصیل کردند. مهمترین چیزی که برای آنها مطرح بود دوستی و روابط آشنائی‌شان بود. روز دوشنبه شب این دو دوست همزاد با هم قرار داشتند و به مقصد مرکز شهر حرکت کردند، در میان راه اتومبیل ازکنترل خارج شده و پس از برخورد با موانع جدول وسط بزرگراه به دور خود چرخید و به شدت با یک کامیون تصادف نمود، هر دو جوان از داخل اتومبیل به بیرون پرت شده و هر دو کشته شدند.

گوداویچ میگوید بعضی اوقات در مورد دوقلوهای همزمانی "قران" شوم و بدیمن است ولی گاهی هم شادی بخش و خوش یمن.

---

۲۱ - Fred.

۲۲ - Nebraska.

۲۳ - Barrett.

۲۴ - Oakland.

❑ فصل چهاردهم

تطبیق علم و احکام نجوم یا دانش جدید ستارگان

آیا علم و احکام نجوم مجدداً می‌توانند با هم منطبق شوند و یا جدائی آنها ابدی خواهد بود؟ در پاسخ به این سئوال یک آسترولوژر معمولی میگوید: علم و احکام نجوم آشتی ناپذیر و غیرقابل تطبیق میباشند چون آسترولوژی با علائم و سمبل‌ها سروکار دارد نه با حقایق، و یک دانشمند علوم مادی و آزمایشگاهی هم میگوید این دو مسئله هرگز سر سازگاری نخواهند داشت چون واژه "احکام نجوم" مترادف با بی‌معنی‌ترین عقاید خرافی است. اما اجازه دهید سئوال فوق را به گونه‌ای دیگر مطرح کنیم و بپرسیم: آیا ما هرگز قادر خواهیم بود که تأثیرات اجرام سماوی را بر روی انسان و پدیده‌های مشخص طبیعی بر یک پایه علمی چنان بنا کنیم که بتوانیم در پیشگوئی رفتارها و یا اتفاقات قدم صحیح و مطلوبی برداریم؟ البته پاسخ به این سئوال مثبت است. چون با توجه به بسیاری از کشفیات و مشهودات علمی جدید (دانش جدید ستارگان) کاملاً به روش‌های آسترولوژی "احکام نجوم "بیشتر شباهت داشته تا به آسترونومی" دانش ستاره شناسی".

ستاره شناسان اخیراً پس از تحقیقات فراوان به این نکته معترف شده‌اند که نیروی جاذبه در سیستم منظومه شمسی یک امر اصلی و زیر بنائی است و خوشبختانه به کشفیات جالبی نیز فائق آمده‌اند. یکی از حقایق علمی و ثابت

شده‌ای که دانشمندان به آن واقف گردیده‌اند این است که مرکز گرانشی مدار چرخشی سیارات همیشه بر مرکز خورشید منطبق نیست، یعنی در حقیقت خورشید و بقیه سیارات حول یک مرکز معمولی گرانشی دوران میکنند و این مرکز نیز پیوسته ثابت نمی‌باشد چون به دلیل تغییر موضع سیارات و در نتیجه نیروهای گرانشی آنها در جابجائی دائم میباشد.

به دلیل اینکه خورشید از هر کدام از سیارات دیگر خود به مراتب صدها بار بزرگتر میباشد این مرکز گرانشی در او و یا در حول و حوش او می‌باشد ولی همیشه بطور ثابت در یک نقطه متمرکز نیست، بطوری که گاهی منطبق است با مرکز آن، گاهی بین سطح و مرکز و گاهی هم حدود هزاران کیلومتر در ماوراء سطح آن میباشد.

این حرکات جابجائی در مرکز گرانشی اثرات شگرف و قابل ملاحظه‌ای را در منظومه شمسی پدید می‌آورد از جمله شراره‌های خورشیدی و بی‌نظمی‌های حوزه‌های مغناطیسی خورشید و سیارات وابسته، مثلاً یکی از تأثیرات این بی‌نظمی حوزه مغناطیسی خورشید نفوذ آن به طبقات بالائی جو زمین و ایجاد دگرگونی در هوا و دیگر شرایط زمینی است.

و حال آن چیزی که برای آسترولوژرها در این مورد حائز اهمیت است بی‌نظمی‌های مغناطیسی مختلفی است که توسط گروه مختلف سیارات ایجاد میشود. در اوائل سال ۱۹۶۲ مرکز گرانشی خورشید با تأثیر مرکب مجموع سیارات عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل که همگی در یک طرف خورشید و در یک راستا قرار گرفته بودند چنان تغییر کرد که تا آن زمان آنچنان دیده نشده بود. حتی سیاره کوچک عطارد نیز به تنهائی میتواند به مرکز گرانشی تأثیر عمده و به سزائی بگذارد چون اولین و نزدیکترین سیاره به خورشید محسوب میشود. قانونی هست که میگوید نیروی گرانشی هر جسم با مربع فاصله‌اش از جسم دیگری که بر او اثر

میگذارد کاهش می‌یابد[1] بنابر این عطارد نسبت به مشتری بسیار کوچک است اما به واسطه قُرب بُعدش به خورشید نیروی گرانشی بیشتری را اعمال می‌کند.

در مقاله‌ای در مجله آنالوگ در دسامبر ۱۹۶۸ در رابطه با این موضوع چنین آمده بود: (از تمام سیارات، عطارد سریع‌الدوران در واکنش‌های هوائی مؤثرتر است و درگردش هشتادوهشت روزه خود به دور خورشید به طور ریتمیک در پخش و نشت تأثیرات ناشی از پلاسمای خورشیدی مؤثر است و به همین جهت آسترولوژرهای قرون وسطی به آن "لنز"[2] یا " عدسی " می‌گفتند).

اما سیارات تنها بر آب و هوای کره زمین تأثیر گذار نیستند بلکه تا آنجا که برآورد شده بر تمام شئونات زمینی مؤثرند. چندی پیش رصد خانه نیروی دریائی امریکا اعلام کرد که عقربه دستگاه فشارسنج با تغییر فاصله کواکب دچار نوسان میشود. در همان موقع دکتر هاری.بی.مارویس[3] ستاره‌شناس رصد خانه نیروی دریائی امریکا به انستیتوی فیزیک امریکا اعلام داشت" برای پیش‌بینی صحیح وضعیت هوا به مداخله تأثیر ستارگان بر تغییرات هواسنج باید توجه نمود."

البته قبلاً هم روش‌های نجومی برای پیش‌بینی وضع هوا مورد استفاده قرار می‌گرفته است مثلاً کمپانی الکترو ـ ودر[4] که متخصص پیش بینی گردبادهای شدید درکانزاس سیتی[5] می‌باشد با محاسبه زمان خسوف وکسوف و حالت‌های مقارنه و

---

۱ ـ Newton Law Of Universal gravitation ـ قانونی است که بر طبق آن در جهان، هرذره‌ای ذرات دیگر را به نسبت حاصل ضرب جرم و عکس مجذور فاصله جذب می‌کند و فرمول آن $F = G\frac{MM^{1}}{d^{2}}$ است،که در این رابطه M^{1} و M جرم‌های ذرات و d فاصلهٔ بین دو ذره و G ضریب ثابت گرانش است و در دستگاه C.G.S برابر است با $(6/670)\times 10^{-8}$.

۲ - Lens.

۳ - Dr.Harry B.Marvis.

۴ - Electro Weather.

۵ - Kansas City.

مقابله توانسته است زمان وقوع طوفان گردباد[۶] را پیش بینی کرده و با اطلاع دادن به اهالی از خطرات احتمالی بکاهد.

مراکز تحقیقاتی دیگری هم در ایالات متحده به این کشف رسیده‌اند که یکی از دلایل زلزله می‌تواند بازتاب اندرکنشی سیارات[۷] بر روی زمین باشد. ثابت شده است که زلزله‌ها همیشه بعد از تغییرات ناگهانی حوزه مغناطیسی زمین که بر اثر حرکات سیارات ایجاد میشود، به وقوع می‌پیوندند، مثلاً ۱۴ ساعت قبل از وقوع زلزله در آنکوریج، آلاسکا[۸] در ماه مارس سال ۱۹۶۴ ، دستگاههای نشان دهنده جریان الکتریکی زمین درکانزاس بی‌نظمی مغناطیسی بسیار شدیدی را در منطقه آنکوریج، آلاسکا نشان دادند.

محاسبه صحیح و درک درست از وضعیت سیارات در رابطه با ایجاد زمین لرزه می‌تواند هشداری به ساکنین آن منطقه خاص باشد تا قبل از وقوع حادثه آنجا را ترک کنند.

هر سیکلِ وجودیِ ساختار زنده، چه بیولوژی چه روانی ـ عاطفی مستقیماً در رابطه با حوزه مغناطیسی زمین و دیگر انرژی‌های غامضِ مؤثر بر این میدان می‌باشد و رفتار انسان ناشی از جریان مستقیم سیستم کنترل مغز است که به وسیله میدان مغناطیسی زمین، خورشید، سیارات و نیروهای ساطعه از کیهان متأثر میشود.

یکی از تأثیرات جالب ماه که توسط دو نفر دکتر از اهالی فلوریدا کشف شد در مورد خونریزی بود، دکتر کارل اس مک لیمور[۹] و دکتر اِدسون‌اندروز[۱۰] بعد از

---

۶ - Tornado.

۷ - interaction.

۸ - Anchorage, Alaska.

۹ - Carl S. Mc Lemore.

۱۰ - Edson Andrews.

آزمایشات فراوان بر روی بیمارانشان که هر کدام از نوعی خونریزی خاص شکایت داشتند رابطه عجیبی بین زمان و مقدار خون روی واهلّه قمر پیدا کردند. آنها گزارشات خود را در مجله انجمن پزشکی[۱۱] فلوریدا منتشر کرده و خاطرنشان ساختند که خونریزی در ایام ماه وقتی که ماه و خورشید در مقابله هستند به ماکزیمم و زمانی که ماه در هلال اول " چند روز اول ماه" و محاق می‌باشد حداقل است.

به هر حال تمام این کشفیات دال بر این مطلب مهم می‌باشند که زندگی روی زمین شدیداً تحت تأثیر ریتم‌های کیهانی هستند که از آن میان سیکل‌های خورشیدی و قمری کاملاً مشهود و ثابت شده می‌باشند. به هر تقدیر شاید بتوان گفت که احتمالاً برجسته‌ترین شخصیت محض در اینگونه علوم و تأثیرات بیولوژیکی سیکل‌های سیاره‌ای پروفسور فرانک.ا.براون[۱۲] از بخش علوم بیولوژیکی دانشگاه نورث وسترن در ایلی نویز[۱۳] می‌باشد. او در حین مطالعه عادات جانوران گوناگون از خرچنگ گرفته تا موش‌های بزرگ به این نکته مهم که تمام ذیحیاتان به تعداد بیشماری از ریتم‌های غامض و پیچیده جوابگو هستند پی برد.

پروفسور براون اظهار میدارد که این ریتم‌ها را به دو دسته خاص میتوان تقسیم کرد، "الف" ریتم‌های محیط اطراف که در رابطه با عواملی همچون نور، درجه حرارت و برنامه‌های غذائی هستند و در ضمن قابل تغییر می‌باشند. "ب" ریتم‌هائی که در رابطه با سیکل‌های کیهانی بوده و تداخل و تشریح آنها فعلاً خیلی مشکل است.

---

۱۱ - Journal of the Florida Medical Association.

۱۲ - Professor Frank A.Brown.

۱۳- Department of Biological Science at Northwestern University, Illinois.

آشناترین ریتم موجود همان گردش شبانه روزی کره زمین به دور خورشید به مدت ۲۴ ساعت و نهایتاً یک پریود خواب و بیداری است، اما باید توجه داشت که ریتم‌های قمری نیز مهم می‌باشند، پروفسور براون در مقاله‌ای تحت عنوان بیولوژی فضائی[۱۴] می‌گوید: تمام "انواع" دارای ریتم‌های همزمانی ویژه خود هستند بطوریکه نقطه اوج تولید و تناسل در همه آنها تقریباً در یک زمان در هر ناحیه خاصی که باشند اتفاق می‌افتد و میتوان باور داشت که قاعدگی ماهانه زنان نیز پدیده‌ای بر مبنای همین ریتم است چون تمام زنان در هر نقطه دنیا که باشند در زمان معین به خود رگل میشوند.

همچنین ریتم‌های ناشی[۱۵] از ماه را می‌توان خصوصاً در جانوران آبزی مشاهده کرد. نوعی از صدف‌های دریائی[۱۶] بیشترین فعالیت‌های خود را هنگام مد دارند در صورتیکه پرندگان ساحلی و نوعی از خرچنگ‌ها این ماکزیمم فعالیت را در هنگام جذر دارند. پژوهش‌های مختلف نشان داده است که اگر چنانچه خرچنگی را از ساحل دریا برداشته و آن را در آزمایشگاه قرار دهند (حتی اگر این آزمایشگاه کیلومترها از دریا فاصله داشته باشد) باز هم زمان حقیقی فعالیت‌های بیولوژیکی و رفتاری او در حد ماکزیمم و می‌نیمم مطابق ساعات جذر و مدّ است.

پروفسور براون میگوید این حالت را با هیچیک از تعاریفی که در مورد مکانیسم زمان داخلی بدن حیوان بیان شده نمیتوان توضیح داد، این آزمایش حتی با جا دادن حیوانات در محفظه‌های بسته و لاک و مهر شده نیز به اثبات رسیده است البته این گونه تحولات در محیط طبیعی تا گونه بسیار زیادی میتوانند تحت شرایط جوی قرار گیرند.

---

۱۴ - Bioastronutics.

۱۵ - Lunar - day rhythms.

۱۶ - Oyster and brancles.

براون ادامه میدهد که تحقیقاتش به وسیله یکی از همکاران او بنام فرانکلین‌بارنول[۱۷] دنبال شده، بارنول با قرار دادن تعدادی حلزون در همان شرایط محفظه‌های بسته و دور از دریا مشاهده نموده است که زمان فعالیت‌های بیولوژیکی و رفتاری آن‌ها همزمان با تغییرات میدان مغناطیسی زمین است. این مطالب اثبات می‌کند که بعضی از نیروهای نافذ که ذاتاً مربوط به سیستم خورشیدی هستند بر ارگانیسم‌های زنده تأثیر می‌گذارند.

کسی که این گزارشات را میخواند ممکن است پیش خود تصور نماید که زبان علم جدید طنینی از افسانه‌های قدیمی است. حال آیا می‌توان چنین انگاشت که این "نیروی نافذ" که پروفسور براون از آن صحبت میکند همان نیروئی است که منجمین در طول قرن‌ها به آن اعتقاد داشته‌اند؟ شاید بتوان گفت که بطلمیوس از وجود این نیرو آگاهی داشته او به نیروی اِتِری[۱۸] مانندی در طبیعت قائل بود که سراسر جو زمین را فرا گرفته و به آن نام فلک اثیری[۱۹] داده بود و معتقد بود که این ماده ناقل نیروهای آسمانی به اطرف و اکناف عالم هستند.

ممکن است که یک دانشمند بر این مطلب ایراد بگیرد که استنتاج بطلمیوس که اکنون در اختیار ما می‌باشد یک پروسه غیر علمی بوده و حتی با توجه به پژوهش‌های قرن حاضر هم در مورد تئوری فلک اثیری او فقط می‌توان گفت که تراوشاتی ازحقیقت را در خود داشته است و برای اکثر تئوریهای احکام نجوم با توجه به تأویلات علمی و دقیق امروزی از حرکات کواکب دیگر مبنای علمی و صحیحی باقی نمی‌ماند.

---

۱۷ - Franklin Barnwell.

۱۸ - aetherical.

۱۹ ـ Ambient به معنی محیط خارج و گرداگرد است ولی بطلمیوس آن را فلک اثیری یا کرهٔ نار نامیده بود.

اما در جواب عبارت فوق یک متخصص احکام نجوم میگوید آنچه مسلم است و تاریخ ثابت کرده اساطیر امروز علوم فردا هستند. مثلاً هیپنوتیزم یکی از موارد آن است. وقتی که دکتر اطریشی مِسمِر[20] سیستم هیپنوتیکی خود را در جهت شفای بیماران در قرن هیجدهم میلادی بکار گرفت، عمل کرد و تئوری او به وسیله جوامع و صاحب نظران پزشکی نفی شد. ولی جنبه مثبت و علمی هیپنوتیزم امروزه به وسیله دانشمندان به کشف و ثبوت رسیده و کار برد آن در پزشکی نیز بسیار عادی و معمولی شده است.

بنابراین شاید روزی سوای تمام این کشفیات "علم جدید تأثیرات کیهانی" نمایان شود. البته ممکن است که این دانش جدید کاملاً با احکام نجوم قدیم منطبق نباشد اما ذاتاً شکلی از آسترولوژی خواهد بود.

تا اینجا در مورد تأثیرات کواکب بر عوامل طبیعی همچون آب و هوا و زلزله و غیره صحبت شد اما در مورد تأثیرات این سیارات بر زندگی نوع انسان در هنگام تولد چه میتوان گفت؟ آیا می‌توان دلیلی علمی مبنی بر اینکه موقعیت تولد بسیار مهم است ارائه داد؟ مردی که بهترین تحقیق را در این باره نموده آمارشناس فرانسوی میشل گوکلن[21] است. او زایجه بیست و پنج هزار نفر از مردم سراسر اروپا را مورد مطالعه قرار داد و در مورد هر کدام خودش به اظهار نظر پرداخت، یکی از کارهای گوکلن این بود که ببیند آیا نفوذ کواکب بخصوصی در هنگام تولد بر حسب زایجه "تأثیر ویژه و مشخصی" بر روی رفتار و بطور کلی زندگی افراد میگذارد یا نه؟ شگفتا که او به نتیجه جالبی رسید. برای مثال او دریافت که افرادی که تحت تأثیر نافذ و مثبت[22] سیاره مریخ هستند اکثراً دارای مشاغلی چون پزشکی، ورزشی،

---

۲۰ - Mesmer.

۲۱ - Michel Gauquelin.

۲۲ ـ تأثیرات مثبت و منفی در بخش سوم آمده است.

افسری ارتش، هنر پیشگی و سیاستمداری می‌شوند.

گوکلن با توجیه این پدیده بدون انطباق آن با علم سنتی احکام نجوم تئوری "وراثت سیاره‌ای"[۲۳] را بنا نهاد. با یک قیاس منطقی در رابطه با زایجه فرزندانی که تحت شرایط مشابه سیاره‌ای والدین خود متولد شده‌اند گوکلن تشابهات ژنتیکی خاصی را به اثبات رساند. او توجیه کرد که نیروهای سیاره‌ای در هنگام تولد بنا به شدت و ضعف خود (سعدی و نحوست) در پیشرفت و پس رفت زحمات مولود و تطبیق او با والدینش دخالت دارند.

این گونه پژوهش‌ها ممکن است کاملاً مانند محاسبات احکام نجوم سنتی نباشد ولی بطور جدی بیانگر این مطلب است که دانشمندان بسیاری مشتاقانه در یافتن پاسخی به چگونگی تأثیرات نیروهای کیهانی بر ابناء بشر هستند و این‌ها همه توسعه‌ای از یک علم جدید می‌باشد که فعلاً مابین "آسترولوژی و آسترونومی" (نجوم و احکام نجوم) قرار گرفته است.

---

۲۳ - Planetary heredity.

فصل پانزدهم

حقیقت یا خرافات

من قبلاً دو دیدگاه مختلف را برای بررسی علم احکام نجوم ارائه دادم: یکی دیدگاه علمی و یکی سمبلیک (تشریح علائم) به نظر عده‌ای از دانشمندان دیدگاه اولی باید طوری ارائه شود که از نظر اصول و مبانی منطقی باشد و برای عده‌ای هم دیدگاه دوم از نظر سنتی بسیار پر ارزش است چون معتقدند که با بکارگیری تعدادی از قوانین کهن و باستانی در پیشگوئی بعضی از رموز روحی که از نظر علم ناشناخته است قادر خواهند بود. به عقیده من هماهنگی و سازگار ساختن این دو دیدگاه انجام نشدنی است چون هر کدام به نوبه خود و از شیوه خود با ارزش می‌باشند، اما جنبه "نفوذ علمی" غیرقابل اجتناب است. البته این گفته بدان معنا نیست که شرایط سمبلیک را نادیده بگیریم. درست برعکس چون همین روش سنتی تغییر علائم بوده که راه را برای یک شیوه علمی هموار ساخته است. به عبارتی صریح‌تر اگر کاهنان ستاره شناس بابلی و میراث آنها نبود از کپرنیک‌ها و گالیله‌ها و تلسکوپ‌هائی همچون جودرل بانک[1] هم خبری نبود. و این راهی است که با تمام علوم همراه بوده است. در هر رشته‌ای از علوم درک و شهود، جادوها و عقاید ضد و نقیض آمیخته به آن و غیره، ترسیم کننده تصویری است که عده‌ای از افراد ساعی و زحمت کش در

---

۱ - Jodrell Bank.

راه آن علم به خصوص خطوط معین و صحیحی از آن ترسیم‌ها را در طی قرون جداگانه رسم کرده و با تشریح بیشتر و صحیح‌تر در راه تکامل آن می‌کوشند. و زمانی که این ترسیم‌های صحیح با تشریح‌های دقیق به ثبت و ضبط علمی رسیدند دیگر جائی برای بازگشت جادو و عقاید خرافی مربوطه به آن علم باقی نخواهد ماند و آنچه که برای علم احکام نجوم پیش می‌آید همانطور که در مبحث "علم جدید ستارگان" گفتم توسعه دقیق و فنی نوع سنتی آن بر پایه علمی خواهد بود و آنگاه آسترولوژی در دنیائی جدید شکوفا خواهد شد.

شاید بسیاری از مردم با آنچه که من در بالا گفتم مخالف باشند و بعضی از آسترولوژرها هم اذعان دارند که باورهای نجومی قبلاً به طریق علمی ثابت شده است، پس در اینصورت برای بیان روشن‌تر مطلب مجبورم برای عرایض خود بعضی از امور علمی را که بر علیه آسترولوژی عنوان شده بیان کنم.

به نظر من بحث انتقادی که علیه آسترولوژی سنتی بکار رفته بر اساس تقدیم اعتدالین[۲] میباشد که به بیان خلاصه: علائم منطقةالبروج دیگر با ماههائی که به آنها مربوطند منطبق نمی‌باشند. یعنی به علت همین تقدیم اعتدالین دیگر اولین درجه حمل، اعتدال بهاری نیست و در حقیقت در حوت میباشد. پس وقتی که بعنوان یک آسترولوژر صحبت از فردی که متولد حمل است "فروردین" می‌کنیم در حقیقت راجع به شخصی که متولد حوت "اسفند" می‌باشد سخن می‌گوئیم. مگر آنکه قبول کنیم که علائم به هیچ وجه مناسبتی با مجمع الکواکب ندارند و صرفاً متناسب با ماههای سال می‌باشند.[۳] اکنون در میان متخصصین علم احکام نجوم

---

۲ ـ در بخش اول توضیح داده شده.

۳ ـ این همان موردی است که در کتابهای طالع‌بینی و ستاره‌بینی جدیدی که به انواع نام‌های هندی و چینی و غربی و... چاپ و منتشر میشود بکار می‌رود و بدون صحت عمل واقعی بوده و جنبهٔ تجاری آنها بر بیان علمی‌شان مستولی است.

جنب و جوش خاصی بر پا شده تا با در نظر گرفتن "منطقةالبروج نجومی"[۴] بر این مشکل فائق شوند و روش این کار هم رجوع زایجه مولود به مجمع الکواکب دقیق آسمان است که منطبق با محاسبات ستاره شناسان و منجمین رصد خانه‌ها می‌باشد. البته این کار از نظر علمی پر ارج است اما آن قسمت از زیبائی احکام نجوم سنتی راکه مبین مناسبات بین علائم و فصول است خدشه‌دار میکند. مثلاً اسد[۵] از نظر علم سنتی منطبق است با ماه مرداد و حاکم آن نیز خورشید[۶] "شمس" است که در ماه مرداد خورشید بیشترین درخشندگی و گرما را دارد و متولدین مرداد نیز با صفات ویژه‌ای که حاکی از گرما و خصوصیات "تابستانی مانند" می‌باشد همراه هستند یعنی، گرم، صمیمی و خوشگذران، و برعکس متولدین جُدَی که منطبق با دی ماه است افرادی جِدّی، سرد، قوی و درست با خصوصیاتی سرد همچون همان علامت زمستانی خودشان هستند و این ارتباط و همبستگی بین ماههای سال و علائم منطقةالبروج همان وانمودهای توانا و زیبای افسانه‌ای و به جا ماندهٔ علم احکام نجوم می‌باشند که با در نظر گرفتن تقدیم اعتدالین این شکوه و جلال و همبستگی کاملاً از بین می‌رود.

مسئله دیگری که از لحاظ علمی ناموجه می‌نماید تئوری فرمانروائی کواکب است[۷] به چه مناسبت و یا به چه دلائلی میتوان ثابت کرد که مثلاً مریخ کوکب مربی حمل "فروردین" و یا زهره کوکب مربی ثور "اردیبهشت" است؟ و می‌بینیم که مجدداً در اینجا ما به ایده‌ای بر می‌خوریم که هم ارزش سمبلیک و هم ارزش اساطیری دارد، که از نظر دانشمندان علوم امروزی مهمل است. همچنین همین

---

۴ - Sidereal Zodiac.

۵ - Leo.

۶ ـ منظور همان کوکب مربی است که در بخش اول توضیح داده شد.

۷ ـ منظور این است که هر برجی را منسوب به کوکبی دانسته‌اند مثلاً برج حمل که کوکب مربی آن مریخ است و هکذا، که قبلاً توضیح داده‌ام.

عقاید درباره نظرات منسوب بین کواکب نیز صادق است. مثلاً تربیع بین دو سیاره که بر روی نقشه یک آسترولوژر رسم میشود از لحاظ علم نجوم ربطی با نیروهای اندرکنشی بین سیارات در منظومه شمسی ندارد و از طرفی هم یک دانشمند ممکن است سئوال کند که چطور این همه حالات زاویه‌ای بین کواکب فقط به تعدادی حدودی پنج یا شش حالت "نظر" کاهش می‌یابد؟

تمام اعتراضات فوق واضح و روشن هستند، اما تصدیق این گونه اعتراضات هم به معنی بی‌ارزش شناختن آسترولوژی سنتی نمیتواند باشد. چون همانطور که قبلاً و بارها گفته شده علم احکام نجوم "آسترولوژی" سنتی بر اساس بیان سمبَل‌ها و علائم است، حال اجازه دهید منظور خود را دقیق‌تر بیان کنم:

در حقیقت سمبل چیزی یا برداشتی است که بر سلول ذهنی شخص نقش بسته و از آن راه رؤیت میشود "درک درونی"، و سمبل‌های واقعی هم منتجه شرایط هستند مثلاً چراغ راهنمائی و رانندگی و یا تکان دادن دست نوعی سمبل میباشند. بعضی از سمبل‌ها هم چنان با نژاد بشری از دیر باز بوده و رشد کرده‌اند که بصورت امری غریزی در آمده‌اند و من معتقدم که سمبل‌های علم احکام نجوم از مقوله دوم هستند. عقاید و نشریاتی که با سمبل‌ها و واژه‌های آسترولوژی بیان میشوند بسیار مطلوب و در ذهن بشر دارای جایگاهی ژرف و ویژه هستند به همان اندازه که فشار عشق یا غریزه صیانت نفس از عمق خاصی در روان انسان برخوردار است.

علم احکام نجوم یا آسترولوژی یک شیوه سمبلیک برای بیان باورهای دنیای درونی هر فرد است تا بفهمد که این دنیای درون بازتابی از دنیای بزرگ خارجی و ستارگان و سیارات آن میباشد. و هیچ علم و یا سیستم دیگری در علوم غریبه نمی‌تواند رابطه بین دنیای درون انسان و خارج آن را، به آن ظرافت و دقتی که آسترولوژی بیان میکند عرضه دارد.

پس حالا اگر سمبل‌های نجومی واقعاً بازتابی از نیروهای درون

انسان‌هاست، پس برای درک و تعبیر سمبل‌ها نیاز به درک و فهم آن نیروها واجب می‌نماید. غیبگویان عهد باستان و قرون وسطی برای کنترل و درک این نیروها راههای گوناگونی را تجربه کرده‌اند.

مثلاً کیمیاگران این نیروها را به هفت فلز اصلی که البته هرکدام از این فلزات نیز به نوبه خود تحت فرمان یکی از کواکب هفتگانه بوده اند پیوند دادند. در حقیقت منظور واقعی کیمیاگران ساختن طلا نبوده است، بلکه کار آنها یک کوشش خارجی در جهت هدایت منظور درونی بوده یعنی انتقال طبیعت نفسانی به "روح طلائی" و ایضاً این نیروهای درونی نیز در قدیم الایام به وسیله کاهنان یهودی مشخص و به ده شاخه درخت زندگی منسوب گردیده بودند که همان ده کانال عظیم قدرت الهی می‌باشند. و منجمین آنها را به اجرام سماوی ربط دادند. و در نتیجه در هر دو مورد منظور یکی بود یعنی تحت کنترل درآوردن نیروهای داخلی.

توماس آکوئناس[۸] که از حکمای قرون اولیه مسیحیت بوده این مطلب را به طرز بسیار جالبی بیان نموده، او میگوید: "ستارگان قانونگذاران اصلی طبیعت‌های ما هستند. اکثر مردم هرگز از طبیعت خود نمی‌توانند فراتر روند و اکثر مردم هم تحت تأثیر ستارگان هستند"، یعنی اگر از جنبه سمبلیک ستارگان بخواهیم بگوئیم، آنها قادر به کنترل نیروهای درونی خود نیستند، اما افراد بخصوصی هستند که در پرورش و تربیت ذات خود در سطحی برتر بطوری که مادون و تابع ستارگان نباشد توانا می‌باشند. این انسانها همان افرادی هستند که میتوان به آنها به کلمه حقیقی "فاعل مختار" گفت:

پس در اینصورت هنگام رسم زایجه، شما با تعدادی از علائم و سمبل‌های نیرومندی که در رابطه با روان شخص هستند مواجه می‌شوید و تشخیص اول این

---

۸ - Thomas Aquinas.

است که ببینیم تعادل این نیروها چگونه بر له و علیه زندگی فرد وارد مداخله میشوند.

هندوها فرضیه بسیار جالبی در مورد زایجه دارند که منشعب از اعتقادات آنها به تناسخ[۹] میباشد، در نظر آنها زایجه هر فرد مبین سند دارائی‌ها و دیون معنوی اوست که در زندگی قبلی داشته، حال اگر کسی چه به این مطلب اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد، به هر حال میتوان عوامل بسیار بد و منفی نقشه نجومی را "زایجه" که نشان دهنده سر منشاء اعمال هستند کاملاً دریافت نمود.

مردم غالباً از باور این عقیده که ستارگان عامل مُحَسنات یا تَنَزلات هستند متنفر و روبرگردان هستند چون میگویند این مسئله باعث نقصان "اختیار بشری" و بنابراین نقصان مسئولیت‌های اخلاقی و معنوی در اعمال است. اما به عقیده من این یک اعتراض پوچ و مهمل است، چون هیچکس نمیتواند منکر این قضیه شود که مثلاً خیلی افراد نسبت به دیگران قد بلندتر، باهوش‌تر و ذکی‌تر زاده میشوند. ولی آیا کسی این مطلب را در مقولهٔ سئوال "اختیار" میتواند قرار دهد؟ آزادی و اختیار هرکس به نواحی خاص خودش محدود میشود و اگر کسی بخواهد خود را کلاً با مسئله "اختیار" قانع کند در حقیقت به همین آزادی نسبی و محدود هم به خاطر پندارهای بیهودهٔ خودفریبانه‌اش وقفه میدهد. یک انسان فقط با شناخت و درک نواحی غیر آزاد" مسائل غیر اختیاری" زندگی خود می‌تواند واقعاً در محدوده اختیاری خویش آزاد باشد. و این چیزی است که علم احکام نجوم "آسترولوژی" در موردش کمک می‌کند چون درک و فهم صحیح از رابطه تولد و آن قسمت ویژه از کیهان که مربوط به این زایش است مهتدی راهی برای رسیدن به آزادی یا همان

---

۹ ـ Reincarnation عود روح بعد از مرگ و حلول آن به جسمی دیگر، و این مورد آنقدر تکرار میشود که شخص نتیجه کارهای بد خود را در این دنیا گرفته و در آخرین مرتبه بطور رستگار و متعالی از دنیا می‌رود و به ابدیت می‌پیوندد.

"اختیار محدود" زندگی است.

بگذارید در اینجا من بر آنچه خود گفتم ایرادی بگیرم. "مسئله علائم و سمبل‌های نجومی را بخوبی می‌پذیریم، حال اگر این سیستم خالصاً و کاملاً سمبلیک می‌باشد پس برای رسم زایچه و محاسبات مربوط به آن چه نیازی به دانستن دقیق زمان و محل تولد است؟ "خوب اگر شما هم چنین ایراد و سئوالی را مطرح کنید باید گفت که این سئوال بسیار سفسطه آمیز بوده و با دریافت‌های علمی امروز برای آن نمیتوان جوابی داشت. بطور کلی تمام روش‌های پیشگوئی و آینده نگری مانند بازی‌هائی هستند که با قوانین مختلف به اجراء درمی‌آیند. تبعیت از قوانین باعث هوشیاری و روشن شدن انسان به زندگی خودش در یک حالت فکری خاصی میگردد که او را نسبت به شناخت بهتر اشخاص و اتفاقاتی که هرگز به طور معمولی قادر به تشخیص آنها نیست رهنمود می‌سازد. و مهم نیست که شما تا چه اندازه از این قوانین اطاعت کنید، یک آسترولوژر به جای دانستن زمان و محل تولد جهت محاسباتش، حتی میتواند با دانستن زمان رویش اولین دندان کودک شما یا دیگر اتفاقات زندگی هر فرد محاسبات خود را انجام دهد. چون نکته مهم این است که اگر منجم قوانین را بطور صحیح و دقیق مورد استفاده قرار دهد باز هم نتایج حاصله یکی است.

البته این اقتدار به "هوشیار و روشن" شدن با پیشگوئی‌های نجومی برای تمام افراد متشابه نیست چون بعضی از افراد با هوشیاری ذاتی و اعتقاد بیشتر به این علم از درجه بالاتری از "روشن شدن" میتوانند بهره‌مند شوند. و اکنون تأثیر علم احکام نجوم با توجه به حقایق و باورهائی که قویاً آشکار ساخته و با توجه به ظهور بعضی قواعد علمی جنبه اساسی بهتری به خود گرفته است. اما متأسفانه هنوز منجمین سنتی اینگونه تجزیه و تحلیل‌های علمی را مورد استفاده قرار نمیدهند. و الآن زمانی است که آسترولوژرها رو در روی دو مسئله هستند، یکی انتخاب و ادامه

همان محاسبات قدیمی و سنتی که سیستمی بسیار زیبا و سمبلیک و باشکوه است که در اینصورت باید بفهمند که عملکرد آنها هرگز به اثبات نخواهد رسید مگر با مشاهده نتایج آنها و یا انتخاب مسیر علمی که در اینصورت باید بسیاری از باورها و تئوریهای قدیمی را دور ریخته و مجدداً از اول با مبانی علمی آغاز بکار کنند.

همچنانکه اشاره کردم، من معتقدم که سرانجام مبنا و پایه گذاری علمی غالب میشود، اما این مطلب به آن معنا نیست که ما آسترولوژی سنتی را بطور کلی جمع کرده و در موزه قرار بدهیم. علم شیمی امروز جایگزین همان کیمیاگری سابق است و به همین مناسبت کیمیاگری نیز امروز برای دانشمندانی که در صدد روشن کردن حقایق ناشکفته و نهفته علم شیمی هستند به خاطر علائم و سمبل‌های لطیف و جالبی که دارد بیشتر مورد توجه قرار گرفته و نه به خاطر تبدیل مس به طلا، و کیمیاگری توانسته خود را در سطحی بالاتر، با وظائفی معنوی‌تر در مقابل علم شیمی کلاسیک که کسل‌کننده و فقط در ترکیب و تبدیل مواد است نشان دهد.

و به همین طریق نیز علم احکام نجوم جدید با مقاصد و نیاتی تازه از زهدان علم متولد خواهد شد.

اساطیر
و نجوم احکامی

بعضی احکام سنتی در رابطه با آسترولوژی

در این بخش با تشریح ساده‌ای از منسوبات کواکب و بروج سیمائی ازکاربرد نجوم احکامی داده میشود، البته باید اضافه کنم که این فصول همگی بـر اساس احکام سنتی نیست و بعضی از آنها با توجه به تجربیات و پژوهش‌های علمی که در این راه مبذول گردیده تهیه شده است.

فصل شانزدهم

کواکب

از زمانهای بسیار دور فرق بین سیارات "کواکب" و ثوابت "ستارگان" بر بشر معلوم بوده است. بابلی‌ها به کواکب "ستارگان غلط انداز" می‌گفتند و آنها را با ویژگی‌های مربوط به خودشان دسته‌بندی کرده بودند. و این دسته‌بندی به واسطه دو حالت بود، یکی با مشاهده و ارصاد کواکب و تشخیص صفات طبیعی آنها، و یکی هم نسبت تأثیرات هر کوکب بر روی زمین. کاهنان بابلی[1] از روی برج های بلند معابد یا "زیگورات‌ها"[2] به رصد کواکب می‌پرداختند و در نتیجه در پیشبینی زمین لرزه‌ها، سیل‌ها و دیگر اتفاقاتی که به تأثیرات اجرام سماوی بر روی کره زمین منجر میشد اقدام می‌نمودند. ثبت و ضبط این وقایع در یک مدت زمان بسیار طولانی پایه و اساس احکام نجوم شد تا دیگر ملت‌ها بتوانند با استفاده از این مبنا علم آسترولوژی خود را پیشرفت دهند، از جمله یونانیان و رومیان نهایت سعی و همکاری خود را در این راه مبذول داشتند و آنچه امروز به عنوان اصول مدون و مرجع برای ما باقی است حاصل کوشش‌های آنان میباشد.

---

۱ ـ Astrologer - Priest چون در عهد باستان علم احکام نجوم هم در دست کاهنان بوده آنها را مؤبد ستاره‌شناس می‌گفتند.

۲ ـ زیگورات Ziggurat در معماری بابلی‌های قدیم برج‌های بلند و چند طبقه هرمی شکل پلکان‌داری بود، که از راه پلکان به رأس برج می‌رفتند و آسمان را رصد می‌نمودند.

ارتباط کواکب با عناصر مختلف اساطیری احتمالاً چیزی اختیاری و اتفاقی است اما باید دانست که این افسانه‌های اساطیری نیز صرفاً حکایات لطیف و خیالی نیستند بلکه نوعی از یک "حقیقت خاص" را در خود پنهان کرده‌اند. و هر جا که ستاره یا کوکبی با داستانی اساطیری آمیخته شده به این دلیل است که هم سیاره و هم افسانه حاکی از حقیقتی یکسان میباشند. در ذیل به تعریف مختصری ازکواکب منظومه شمسی که از لحاظ تأثیر بر سرنوشت عالم در علم آسترولوژی مهم می‌باشند اشاره می‌کنم.

عطارد[۳] - یا مرکوری: ☿

بابلی‌ها آن را نابو[۴] خدای هوش و ذکاوت می‌دانستند، نابو پسر ماردوک[۵] بود. همچنین او منشی و کاتب خدایان و ضامن نوشتن‌ها به شمار می‌رفت و از این رو همیشه در ادبیات حاضر بوده است.

زمانی که آسترولوژی به یونان رسید، یونانیان باستان عطارد را به عنوان هرمس[۶] خدای مسافرت‌ها و تجارت‌ها و منافع لقب دادند و چون خرید و فروش اجناس در بازرگانی به زبانی فصیح نیاز دارد آن را خدای علم بیان[۷] نیز قبول کردند.

همچنین در روم به آن مرکوری[۸] گفتند که ویژگی های آن همانند هرمس بود، اکثر مردم مرکوری را از آثار مجسمه سازان و نقاشان می‌شناسند. مرکوری رب‌النوعی است که بسیار فرز و چابک بوده و بر پاهای خود بالهائی برای پرواز و در

---

۳ - Mercury.

۴ - Nabu.

۵ ـ Marduk در فارسی مَردوک هم تلفظ میشود.

۶ - Hermes.

۷ - eloquence.

۸ - Mercury.

دستش عصائی دارد که به دور آن ماری پیچیده است، مرکوری اخلاقی دوستانه دارد اما ذاتاً موذی و خبیث است.

البته تأثیر هر سیاره "کوکب" می‌تواند هم خوب باشد و هم بد و این به موضع کوکب در زایجه و نظرات خوب و بد آن با دیگر کواکب بستگی دارد. ویلیام لیلی[۹] منجم معروف قرن هفدهم در کتاب خود بنام "کریستان آسترولوژی"[۱۰] در مورد تأثیرات نیکوی عطارد چنین می‌نویسد:

"نشان دهنده حیله‌گری، هوش و سیاستمداری و اندیشه و تفکر است. در بحث و جدل عالی و منطقی، در آموختن مُصِر و توانا، در صحبت و بیان سلیس و لفاظ، مایل به پژوهش در علوم غریبه، تیز و باهوش و می‌تواند هر چیزی را بدون معلم و استاد فراگیرد اگر تصمیم به پیمودن یک راه تجاری برای کسب ثروت بگیرد هیچکس نمیتواند او را از مسیرش باز دارد."

اما وقتی که عطارد در زایجه به نظر بد نشسته باشد نشاندهنده مشکلات هوشی، تزویر و نیرنگ و بکار بردن زبان و قلم بر علیه هرکس، بکاربردن تمام دارائی و خدعه در راههای پوچ و دخالت در هر امری که اصلاً در آن هدفی نیست. یک دروغ‌گوی بزرگ، لاف زن، وِراج، فضول، خطاکار سخن چین، خود نشان دهنده در علوم ناشناخته الهی همچون ارتباط با ارواح و بطور کلی یک شیاد هنرمند.

بطور خلاصه پنج صفت زیر را می‌توان برای سیاره عطارد که بر زایجه افراد تأثیر می‌گذارد در نظر گرفت:

۱ ـ تلون مزاج به طور افراط، بطوری که بطلمیوس میگوید این گونه افراد با هر بادی به همان طرف متمایل میشوند، و این به خاطر حساسیت کوکب عطارد در نفوذپذیری از دیگر کواکب است و افرادی که در این تأثیر قرار دارند نه تنها ازگرمی

---

۹ ـ William Lilly در بخش دوم راجع به این شخص صحبت شده است.

۱۰ - Christian Astrology.

به سردی و بلعکس تغییر خلق و خو میدهند بلکه در مسائل جنسی نیز ناپایدارند[۱۱].

۲ ـ عطارد اعطاء کننده هوش و ذکاوت و لطافت طبع، فکری روان و سریع الانتقال است.

۳ ـ شخصی که تحت تأثیر مستقیم سیاره عطارد است شدیداً مشتاق صحبت و سخنرانی و غالباً در لفاظی ماهر است.

۴ ـ قدرت و استعداد هنرپیشگی.

۵ ـ برخورد با مسافرت‌ها و پیغام‌ها.

عطارد مربی ماههای خرداد و شهریور است.

زهره یا ونوس:[۱۲] ♀

این سیاره در بابل بعنوان ایشتار[۱۳] خدای صبح و عصر شناخته میشد، در بعضی از مناطق بین النهرین زهره را بعنوان رب النوع جنگ می‌پرستیدند و همیشه آن را به شکل شخصیتی جنگجو ترسیم می‌کردند. در اُرُخ[۱۴] مرکز دینی ایشتار آن را بعنوان الهه عشق و احساس می‌دانستند و مسئولیت تهییج تمایلات شهوانی مخلوقات زمینی بر عهده این بانوی زیبا بود. اُرُخ شهر روحانی ایشتار به اسم "شهرفواحش مقدس" نیز معروف بود چون در آئین دینی ایشتار در آن جا همیشه فواحش را تطهیر کرده و توبه میدادند. البته ایشتار گاهی اوقات نیز بسیار ظالم و انتقامجو می‌شد. همچنین زهره، عامل بخشش و رحمت به سوی انسانها نیز به شمار می‌رفت.

---

۱۱ ـ در آسترولوژی غربی در این باره واژه mercurial «مرکوریال» را بکار میبرند.

۱۲ - Venus.

۱۳ - Ishtar.

۱۴ ـ Erech ارک هم گفته میشود.

در یونان باستان هم برای رب‌النوع آفرودیت[۱۵] صفاتی متشابه همتای رومی‌اش "ونوس" یا زهره در نظر گرفته بودند. بطلمیوس در مورد تأثیرات زهره وقتی که در محل مناسبی از زایجه تولد فرد و با نظرات خوب باشد چنین میگوید: اشتیاق به رقص و موزیک، تنفر از شرارت و خبث طینت ولی اگر به نظرات بد و منحوس تشسته باشد، در برآورنده کودنی ذهن، عاشق پیشگی، زن صفتی، ترسوئی، ناتوانی در ابراز وجود، هرزگی و شلخته گری، خطاکاری، گمنامی، و رسوائی میباشد.

اکنون مهمترین ویژه مختص به زهره مسائل نفسانی، مهربانی و گرمی عواطف شناخته شده در ضمن چون ذات این کوکب را مؤنث می‌دانند از این رو علامت آن را« ♀ » برای نشان دادن جنسیت زنانه بکار می‌برند.

زهره کوکب مربی ماههای اردیبهشت و مهر است.

مریخ[۱۶] یا مارس: ♂

شاید بر حسب رنگ قرمزگونه‌ای که سیاره مریخ دارد بابلی‌ها آن را در رابطه با نِرگال[۱۷] خدای آتش و جنگ می‌دانستند. یونانیان این سیاره را در رابطه با آرس[۱۸] خدای جنگ می‌دانند. در ایلیادهومر[۱۹] نقل شده که زئوس[۲۰] به فرزند خود آرس میگوید "از همه خدایانی که در المپیا زندگی میکنند، عمل تو بر من نفرت‌انگیزتر

---

۱۵ - Aphrodite.
۱۶ - Mars.
۱۷ - Nergal.
۱۸ - Ares.
۱۹ - Homer's Iliad.
۲۰ - Zeus.

است. بر تو هیچ چیز لذت‌بخش‌تر از جنگ و ستیزه و خونریزی نیست، مادر تو هِرا[۲۱] لجوج و نافرمانبردار است و من به ندرت بتوانم که با سخنان خود او را کنترل کنم."

شـرح فـوق مـعرف بسیار دقیقی از خـواص کـوکب مـریخ یـا مـارس در آسترولوژی است. رب‌النوعی که نام این سیاره از آن گرفته شده معادل همتای رومی او آرس می‌باشد و جنگجویان رومی نسبت به یونانیان بـه ایـن رب‌النـوع احـترام بیشتری قائل بودند.

ویلیام لیلی سابق‌الذکر در مورد محسنات سیاره مریخ در صورتیکه به نظر سعد بر روی زایجه شخصی باشد، مشخصات آن فرد را چنین بیان میدارد: فاتح جنگ و منازعه، شکست ناپذیری، شجاع، مطمئن به نفس، استوار و پابرجا، مستمر در اهداف، نیرومند و جنگ طلب.

و نیز مشخصات منفی این سیـاره را ایـنگونه بیـان مـیدارد: وراجـی بـدون صاحب نظر بودن در امری، مشتاق قتل و جنـایت و نـزاع، دزدی، مـروج فسـاد، وحشت و اضطراب، راهزنی، دهن بینی، دارای روحی سرکش، کسی که زیاد بـه دروغ قسم می‌خورد، وقیح، متهاجم، ضد بشریت، ناسپاس و کلاهبردار[۲۲].

همچنین نظر به اینکه این کوکب نمایانگر حالت مردانگـی است از لحـاظ هیبت اندامی در تشخیص ورزشکاران و پهلوانان از روی زایجه نیز مورد استفاده است و تمایلات جنسی نیز به این سیاره متداعی میشود و به همین خاطر امروزه علامت مریخ« ♂ »نشان دهنده جنسیت مردانه است.

مریخ کوکب مربی ماههای فروردین و آبان (با یک گام پائین‌تر از پلوتو) است.

---

۲۱ - Hera.

۲۲ ـ در آسترولوژی غربی لغت مارتیال martial در رابطه با کسی است که تأثیرات منفی کوکب مریخ براو فراوان باشد.

مشتری[23] یا ژوپیتر: 2

این سیاره به یکی دیگر از خدایان بابل، ماردوک که پدرش [illegible]
رئیس خدایان گماشت منسوب است و چنین گمان می‌رفت که او [illegible]
اندیشی و حکمت میباشد. همتای یونانی این رب‌النوع زئوس میباشد که او نیز
پادشاه خدایان و حکمت و مهربانی بود. در روم نیز هنگامی که این سیاره از
رب‌النوع آنان مستفیض شد نگهبان امپراطوری رومیان و سمبل برقراری عدالت و
خوبی و صداقت گردید.

ویلیام لیلی ویژگی‌های افراد منسوب به کوکب مشتری را چنین بیان میدارد:
اگر نظر مشتری با دیگر کواکب به خوبی باشد شخص بلند نظر، وفادار، محجوب،
آرزومند در رسیدن به چیزهای عالی، در تمام موارد با قلبی آکنده از محبت، متمایل
به سود رساندن به ابناء بشر، انجام دهنده کارهای برجسته، صادق و مذهبی، دارای
بیانی شیرین و نفوذ پذیر خواهد بود. همچنین دست و دل‌باز و مهربان به همسر و
فرزندانش، عالی‌منصب، دستگیر فقرا و نیازمندان، نیکوکار در راه خدا، میانه‌رو،
متنفر از انواع خسّت و شلخته گری، قاضی به حق، حکیم، محتاط، شکور و پرهیزکار
می‌باشد.

اگر این کوکب در زایجه شخص به نظر بد با دیگر کواکب نشسته باشد آنگاه
فرد، اتلاف کننده پول و ثروت، معذب از فریب و نیرنگ دیگران، مذهبی نمای
مزور، سربار دیگران، متعصب در مسائل، اشتباه و خرافی مذهبی، نادان، بی‌دقت،
بی‌معرفت در حق دوستان، بی‌تربیت، کند ذهن، منافق، دارای عقده حقارت، متملق
و چاپلوس خواهد بود.

و در جمع مهمترین خصائص رده بندی شده منسوب به این سیاره عبارتند از:

---

۲۳ - Jupiter.

۲۴ - Ea.

۱ ـ شادمانی و خرمی[۲۵].

۲ ـ کوکب مشتری بیانگر حکمت، خرد و هوش در سطحی عمیق‌تر و پیشرفته‌تر از عطارد است.

۳ ـ تأثیر مستقیم و صحیح کوکب مشتری بر روی زایجه ممکن است نشان دهنده این باشد که شخص فردی فقیه و روحانی خواهد شد که پژوهش‌های اخیر در احکام نجوم این مورد را از طریق شاخص‌های آماری به اثبات رسانده است.

مشتری کوکب مربی ماههای آذر و اسفند (با شراکت نپتون) است.

زحل[۲۶] ساتِرن: ♄

اولین الهه‌ای که با زحل از طرف بابلیان شناخته شد نی‌نیب[۲۷] یا نی‌نورتا[۲۸] بود که او هم مانند نِرگال، خدای جنگ و ستیزه به شمار می‌رفت و از همه خدایان در تخریب، شرارت و دشمنی قوی‌تر بود و به دلیل همین صفت شدید جنگجویانه‌اش چندان محبوب نبود. حتی در یونان هم که این سیاره را به کرونوس[۲۹] منسوب می‌داشتند خدائی بود که از محبوبیت بسیار پائینی بهره داشت. کرونوس کسی بود که پدرش را اخته کرد و سپس فرزندانش را بلعید تا برای فرمانروائی متعارضی نداشته باشد، اما در روم که خدای این سیاره ساترن بود از کرامت بیشتری برخوردار بود و حاکم کشاورزی و درختان میوه‌دار به حساب می‌رفت اما کیفیت شیطانی این سیاره کماکان مد نظر قرار داده میشد. اکثر منجمین قدیمی در

---

۲۵ ـ در آسترولوژی غربی در رابطه با این سیاره و حالت شادمانی و خرمی آن بر روی افراد واژه ژُوِیال jovial را بکار می‌برند که مشتق از کلمه لاتینی از اسم سیاره است.

۲۶ - Saturn.

۲۷ - Ninib.

۲۸ - Ninurta.

۲۹ - Cronos.

نوشته‌های خود صراحتاً و مؤکداً از نحوست زحل سخن گفته‌اند. بطلمیوس میگوید: هنگامی که دنیا در محور خود در آسمان غرق شده و در نیمه شب گم میشود در بالای آن آسمانی دیگر مشاهده میشود و این ناحیه‌ای است که زحل به تمرینات پر مقاومت خود ادامه میدهد [۳۰]. از قدیم‌الایام او خود را بعنوان امپراطور آسمان و جایگاه خدایان معرفی کرده بود و یونانیان با نام دیمونیوم[۳۱] که به وضوح از قدرت و مسکن او بر پهنه آسمان صحبت میکند یاد می‌کردند.

اما از زمان بطلمیوس تاکنون منجمین تعاریف روشن‌تر و مبسوط‌تری را در مورد زحل اظهار داشته‌اند منجم قرن هیجدهم ابونصر سیبلی[۳۲] میگوید چنانچه این سیاره در هنگام تولد با نظر مسعود همراه باشد مولود فردی خواهد بود دقیق و متنفذ در ارتباط‌هایش، زحمت‌کش، در سخنرانی مدق، محتاط، صبور، مؤقر، در بدست آوردن محسنات زندگی ساعی و جدی، در رابطه با همسر و دوستان یک رنگ و صریح، زود خشم و عصبانی، یک دنده و انعطاف ناپذیر، و اگر در هنگام تولد فردی این کوکب با نظر منحوس قرارگرفته باشد آنگاه مولود فردی خواهد بود ذاتاً پست و هرزه، حسود و بد چشم، طماع، غیرقابل اعتماد، نامرد و ترسو، خطاکار، کله‌شق، متمرد و بدخواه و دائماً ناراضی از خودش و محیط اطراف و زندگی.

این مطالب از نظر علم آسترولوژی امروزی نیز مورد تأئید است مضافاً اینکه از دیگر تأثیرات این کوکب خوش مشرب نبودن، بازداری از بروز احساسات و سردی عواطف است و در صورت تأثیر با نظر سعد، شجاعت، پایداری و حفظ

---

۳۰ ـ منظور گردش وضعی زمین به حول محورش میباشد که وقتی روز است مقابل آن قسمت از زمین با آسمان در هنگامی که شب است فرق دارد.

۳۱ ـ Daemonium جانشین خدایان.

۳۲ - Ebenezer Sibly.

مقررات، از خواص تأثیراتی آن است.

زحل کوکب مربی ماههای دی و بهمن (با شرکت اورانوس) است.

اورانوس[۳۳]: ♅

اکنون به شرح تأثیرات و خواص سه سیاره جدیدالکشف می‌پردازیم. اولی سیاره اورانوس که در سال ۱۷۸۱ توسط سِرویلیام‌هِرشل[۳۴] کشف شد. متخصصین احکام نجوم کیفیت‌های ناگهانی در جنبش‌ها و تغییرات اجباری را به این سیاره منسوب می‌دانند. از خواص تأثیراتی این سیاره از هم گسیختن چیزیها میباشد و البته این امر الزاماً در موارد منفی نیست بلکه در جنبه‌های مثبت نیز می‌تواند باشد. همچنین این سیاره بر اکتشافات علمی نیز دخیل است و سمبل آن هم شبیه آنتن تلویزیون می‌ماند و اختراع تلویزیون هم، به ویژه، منحصر به تأثیر اورانوس بوده است. خانم مارگرت هورن[۳۵] درکتاب خود به اسم "کتاب مدرن احکام نجوم"[۳۶] درباره خواص اورانوس می‌نویسد: کلید فهم و تغییر رنج‌ها، بلاتکلیفی، خامی، بی‌تجربگی، عمل کردن سریع تا به دلیل و منطق و سر فرصت عمل کردن، تمایل به اختراع و ابداع، علی‌الخصوص دستگاههائی که در رابطه با انواع "اشعه" و "امواج" هستند. و این مطالب زمانی است که اورانوس در خانه مناسب با اثر قوی بر روی زایجه قرارگرفته باشد.

اورانوس کوکب مربی ماه بهمن با همکاری زحل است.

---

۳۳ - Uranus.

۳۴ - Sir William Herschel.

۳۵ - Margaret Horne.

۳۶ - Modern Text Book Of Astrology.

نپتون[۳۷]: ♆

این سیاره در سال ۱۸۴۸ کشف شد. منجمین آن را بعنوان یک نیروی گریزان و بغرنج میدانند. کلمه "پنهان"[۳۸] در رابطه با خواص تأثیراتی نپتون بکار می‌رود چون هر چیزی که بطور مخفی و ماوراء احساسات معمولی باشد تحت نفوذ این سیاره است، همچنین مسائل روحی ـ معنوی و انرژی‌های غیرمادی نیز وابسته به این کوکب است، آسترولوژر معروف چارلز.ائی.او. کارتر[۳۹] در کتابش به اسم "مبادی و اصول آسترولوژی"[۴۰] می‌نویسد: سیاره نپتون مولد احساسات عمیق جسمی و عاطفی است و نه تنها بر افراد موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز تأثیر ژرفی میگذارد بلکه بر افراد مدیوم[۴۱] نیز نافذ میباشد.

نپتون کوکب مربی ماه اسفند با همکاری مشتری است.

پلوتو[۴۲]: ♇

در سال ۱۹۳۰ کشف شد و به دلیل مدت زمان کوتاهی که وارد علم احکام نجوم شده در میان آسترولوژرها درباره تأثیرات آن اختلاف نظر هست اما آن‌چه را که فعلاً اکثراً بر سر آن متفق هستند این است که پلوتو باعث تجدید حیات گذشته، رهائی نیروهای نهفته و در حال کمون و فوران ناگهانی انرژی‌های سرکوفته و یا در حال خفی است. و به گفته خانم مارگرت هورن از زمان کشف این سیاره نیز چیزهای

---

۳۷ - Neptune.

۳۸ - Hidden.

۳۹ - Charls E.O. Carter.

۴۰ - The Principle Of Astrology.

۴۱ ـ مدیوم یا واسطه افرادی را می‌گویند که ذاتاً دارای مواهب پیشگوئی، ارتباط با ارواح و دارای حس ششم بسیار قوی میباشند.

۴۲ - Pluto.

بی‌شماری به فوران یا انفجار رسیده‌اند و این چیزها قبلاً در ابهام یا محدودیت و یا واپس زدگی و غیره بوده‌اند که یک مثال بارز در این مورد توسعه تکنیک بمب اتمی است.

پلوتو مربی ماه آبان در سطح بالاست (افراد فوق‌العاده متولد ماه مذکور).

خورشید[۴۳]: ☉

البته خورشید و ماه جزء سیارات نیستند اما به علت اهمیت تأثیرات آنها در سیستم منظومه‌ای در احکام نجوم از آنها بعنوان دوکوکب جداگانه نام برده میشود.

در بابل خدای خورشید شاماش بود[۴۴] که هر روز با ارابه جادوئی خود از شرق آسمان به غرب طی طریق میکرد. خورشید به دلیل راندن شب و تبدیل آن به روز و غلبه بر زمستان و آوردن بهار و تابستان باصفت شجاعت و نیرومندی شناخته می‌شد و در ضمن رب‌النوع عدالت نیز محسوب می‌گردید.

هلیوس[۴۵] همتای یونانی شاماش نیز همان صفات را متشابهاً دارا بود. او نیز ارابه‌ای داشت که بر فراز آسمانها پرواز می‌کرد و جرائم گنهکاران را کشف می‌نمود. اما ممکن است کمی تعجب‌آور باشد که در یونان از یک الوهیت خاص برخوردار بود و از تفوق و برتری بر جزیره رودس[۴۶] لذت می‌برد.

احتیاج به توضیح نیست که خورشید مهمترین جرم سماوی در نظر منجمین است. ویلیام لیلی کیفیت‌هائی راکه در رابطه با خورشید هستند اینگونه بیان میدارد: هنگامی که با نظر مسعود بر روی زایجه مولود باشد شخص محتاط و در قضاوت و

---

۴۳ ـ Sun در احکام نجوم فارسی واژه متداولتر کلمه شمس است.

۴۴ ـ Shamash و Shama (شاما) ـ هم میگویند.

۴۵ - Helios.

۴۶ ـ Rhodes جزیره‌ای در جنوب شرقی دریاه اژه متعلق به یونان.

عدالت بی‌همتا، با عظمت و ابهت فراوان، خلاق صنعتی در راه تولید ثروت‌های سرشار از راه درست و صواب، مولودی که تحت نفوذ مستقیم و مثبت خورشید است سخنانش نافذ و مختصر و مفید و با اعتماد به نفس و همراه مهربانی است. همچنین پرطاقت، رازدار، قابل اعتماد و حرف‌هایش با سنجیدگی و تأمل می‌باشد و علیرغم قلب استوارش مهربان و انعطاف پذیر و نسبت به دیگران با رفتاری کاملاً انسانی است، زندگی پر تجمل و افسانه‌ای را دوست دارد و هرگز افکار دون به قلبش رسوخ نمیکند.

اما وقتی که خورشید با نظر منحوس در زایجه مولود قرارگرفته باشد، غرور و خودخواهی، اهانت به دیگران، نقصان در اصل و نسب، قصور در قضاوت و امعان نظر به مطالب، تن‌پروری، مشکل سازی، تلون مزاج ولخرجی، نداشتن عفت کلام و هوشیاری درکردار، بدون عقل معاش، اتلاف پول و میراث و سربار شدن دیگران، تصور به اینکه همه باید فرامین او را اطاعت کنند چون یک "آقازاده" است. از ارمغانهای منفی این ستاره میباشند.

موقعیت خورشید یا شمس بر روی زایجه اولین و مهمترین کلید دریافت شخصیت و منش‌های مولود است و بالاخره خورشید بیانگر مهمترین و قوی‌ترین نیروی رفتاری یک شخص به حسب زایجه مولودی اوست.

ماه[۴۷]: ☽

در اسطوره شناسی بابلی‌ها خدای ماه "سین"[۴۸] جزء مهمترین خدایان سه‌گانه آسمانها بود، یعنی دو خدای دیگر «شاما» برای خورشید و «ایشتار» برای زهره فرزندان او بودند. بابلی‌ها ماه را مذکر می‌دانسته و همیشه تصویر او را بصورت مردی کهن سال با ریشی بلند رسم می‌نمودند. گردش‌های پیاپی ماه که باعث

---

۴۷ ـ Moon ماه را در احکام نجوم فارسی بیشتر قمر میگویند.

۴۸ - Sin.

می‌شد اشکال مختلفی به خود بگیرد "اهلّه ماه" موجب یک افسانه خاصی برای او گردید، چنانچه در موردش می‌گفتند: "او کسی است که هیچ خدائی نمی‌تواند به قلبش نفوذ کند."

در افسانه شناسی یونان ماه رب‌النوع سلین[۴۹] خواهر هلیوس خدای خورشید شد. او پس از اینکه برادرش سفر خود را به دور آسمانها به پایان رساند مسافرت خویش را آغاز کرد. یکی از افسانه‌های باستانی در مورد عاشق شدن سلین به یک آدمی‌زاده بنام آندیمیون[۵۰] حکایت می‌کند و اینکه هنگامی که آندیمیون در خواب بود دزدکی او را بوسید. آندیمیون از زئوس تقاضا کرد تا جاودانگی او را ضمانت کند و زئوس پس از موافقت، آندیمیون را به خواب جاودان برد و از آن موقع به بعد سلین هر شب به سراغ آندیمیون خوابیده می‌رفت و به همین جهت در علم احکام نجوم امروزی تأثیرات ماه را از جنبه خواب و رؤیا بررسی می‌کنند.

ویلیام لیلی در مورد تأثیرات ماه چنین می‌نویسد: وقتی که به نظر مسعود در زایجه باشد، شخص با رفتاری متین و آرام، متمایل به خَلق و ابداع، مشتاق علوم و مبتکر، محقق و نویسنده شاهکارهای ادبی، ذاتاً مستعد به تغییر مکان و دگرگونی در عادات و رفتار، بی‌ثبات، فقط زمان حال را در نظر داشتن، ترسو، ولخرج ولی به هر حال عاشق صلح و آزادی محافظ زندگی‌اش.

اما وقتی که به نظر منحوس در زایجه باشد شخص را، صرفاً تن‌پرور و ولگرد، احمق و نادان، متنفر از کار، دائم‌الخمر، ساده‌لوح، بدون مآل‌اندیشی، گدامنش و بی‌دقت در تمام مراحل بد و خوب زندگی، می‌نماید.

ویژگی‌های ماه درست برعکس خورشید است. یعنی در حالی‌که خورشید

---

۴۹ ـ Selene سِلِنِه هم میگویند.

۵۰ ـ Endymion آندیمیون در خواب ابدی خود همیشه جوان ماند، تا سلین بتواند هر شب او را ملاقات کرده و در عشق خود با او تجدید عهد کند.

فعال، مذکر و مردانه و مقدم و سبقت‌جو می‌باشد، ماه انفعالی، مؤنث و زنانه، و غیرفعـال است. کـلید رمـز مـاه بـر روی زایـجه مـولود پـاسخ گـوئی بـه مـحیط، احساس‌پذیری و عاطفه است.

فصل هفدهم

اسامی بروج

از زمانهای بسیار دور و شاید همراه با آغاز تمدن‌های بدوی، افرادی بودند که هر شب به آسمان خیره می‌شدند و مسیر حرکت و جایگاه ستارگان را مد نظر می‌گرفتند این اشخاص را "ستاره بین"[1] می‌گفتند. این "ستاره‌بین‌ها" احکامی را یافته بودند تا با آن بتوانند احوالات زندگی مردم را پیشگوئی کنند. و بدین نحو علم آسترولوژی پا به عرصه وجود گذاشت و مطالعه این علم جدید در آن روزگاران قدیم وسعت و دامنه خاصی را در مصر باستان پیدا نمود. معبران مصری قوانین ویژه‌ای را برای پیشگوئی اتفاقات بر حسب موقعیت اجرام سماوی کشف کردند. یکی از این سیستم‌ها، سیستم "داوری"[2] بود که با آن تقدیر و سرنوشت افراد را بیان میکردند. سیستم دوم بنام "طبیعی"[3] بود که با آن اتفاقات مربوط به حیوانات و طبیعت بیجان را پیشگوئی میکردند، همچون وضعیت هوا و یا شکار حیوانات.

و بدین لحاظ جا دارد که ما آغازگران علمی را که امروز با آن سروکار داریم (نجوم و احکام آن) مصریان عهد باستان قلمداد کنیم.

---

۱ ـ Star gazer ستاره‌بین ـ که در محاوره امروزی انگلیسی زبانها بعنوان همان طالع‌بین یا ستاره‌شناس احکامی گفته می‌شود.

۲ - Judical.

۳ - Natural.

آشکار است که پیشرفت و بنیان علم نجوم و حتی زمینه آن در وهله اول مرهون کوشش‌هائی بوده که در آسترولوژی یا علم احکام نجوم مصروف شده است.

در حقیقت ستاره شناسان امروزی با تلسکوپ‌های عظیم و دستگاههای مدرن خود پیروان "تاریخ شغل آسترولوژی" هستند که در اختیار کاهنان اوزیریس[۴] بوده است. همچنین پزشکی نیز که هنر شفا دادن بیماران است ریشه‌ای عمیق در مصر باستان دارد و به دوره پادشاهی منس[۵] که حدود هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته مربوط میشود و ایضاً هنر دارو سازی نیز به همان دوره تاریخی متصل است. و باز علم شیمی که مبدأ آن از آسترولوژی به خوبی معلوم است به روحانیونی باز می‌گردد که در معابد کنار رود نیل زندگی می‌کردند.

منطقةالبروج که همان کمربند فرضی بر پهنه آسمان به عرض ۸ درجه است.[۶] و حرکت ماه و خورشید و دیگر سیارات اصلی در محدوده آن مجسم میشود در واقع ابتکار همان دانشمندان نجومی مصر باستان است. و از همان موقع به وسیله آنها به دوازده قسمت سی‌درجه‌ای تقسیم شده بود که به هر سی درجه نام یک برج را در رابطه با علامت اختیاری مجمع الکواکبی که نمایانگر آن بود، اعطاء کردند.

---

۴ ـ Osiris ـ از پادشاهان عهد عتیق و شاید افسانه‌ای مصر باستان باشد که بعلت شهرت خود در اساطیر یونان و روم نیز نفوذ کرده. اوزیریس شوهر Isis "ایزیس" و پدر یا به قولی برادر هوروس "Horus" بوده که از طرفی او را خدای مرگ و داوری نیز می‌دانستند، اوزیریس به وسیله سِت Set خدای تاریکی کشته شد ولی هوروس انتقام او را از Set گرفت.

۵ - Menes.

۶ ـ Robert W.Pelton در کتاب Your Future your Fortune صفحه ۱۳۸ آن را ۹ درجه نوشته. که البته با در نظر گرفتن بیشترین مراجع ۸ درجه است. در دائرةالمعارف لاروس فرانسه ۸/۵ درجه آمده.

۱

تعداد	اسم لاتین	اسم انگلیسی	اسم عربی	فارسی
۱	Aries	The Ram	حَمَل	بره
۲	Taurus	The Bull	ثُور	گاو
۳	Gemini	The Twins	جُوزا	دو پیکر
۴	Cancer	The Crab	سَرطان	خرچنگ
۵	Leo	The Lion	أَسد	شیر
۶	Virgo	The Virgin	سُنبُله	(باکره ـ خوشه گندم)
۷	Libra	The Scale	میزان	ترازو
۸	Scorpio[۷]	The Scorpion	عَقرب	کژدم
۹	Sagittarius	The Archer	قوس	(کمانگیر ـ کمان)
۱۰	Capricornus	The Sea Goat[۸]	جُدَی	(بز ـ بزکوهی)
۱۱	Aquarius	The Water Bearer	دَلْو	(سقا ـ سطل آبکش)
۱۲	Pisces	The Fishes	حوت	ماهی

کاربرد مباحث منطقةالبروج برای پیشگوئی سرنوشت هر مولود ـ همانطور که بارها گفته‌ام ـ منوط است به رسم دقیق موقعیت کواکب در زمان تولد. با در نظر گرفتن نظرات کواکب مانند مقارنه و مقابله و غیره.

در آغاز قرن هیجدهم آسترولوژی وجههٔ خود را نزد افراد تحصیل کرده از دست داد چون آنها در یک شکوفائی علمی مایل بودند که هر چیز را در آزمایشگاه به بوته امتحان گذارده و با فرمولهای جدید الکشف فیزیک و ریاضی و غیره صحت و سقم آن را تعیین کنند و ضمناً عده‌ای از افراد سودجو نیز که علم احکام نجوم را پیشه و حرفه خود قرار داده بودند بعلت ضعف دانش در این امر پیشگوئی‌های

---

۷ ـ Scorpius هم میگویند.
۸ ـ Capricorn هم میگویند.

ناصوابی را موجب شدند که بر طرد آسترولوژی مزید گشت. باید دانست حتی اگر کسی به تمام تعاریف و شروح بجا مانده از مصر باستان در مورد علم آسترولوژی واقف باشد و بخواهد فقط به همین واسطه به تخمین و محاسبه و پیشگوئی برآید کسی جز یک فرد کودن و خنگ نخواهد بود، چون آسترولوژی در طی قرون متمادی مراحلی را پیموده است که یک آسترولوژر ضمن تحصیل این علم و فراگیری بسیاری از علوم دیگر باید راههای علمی آن را طی کند.

فصل هجدهم

متولدین ماههای مختلف

فرودین ـ حمل: ♈

مردی که در این ماه و در تحت نفوذ این صورت فلکی "حمل" متولد شده باشد در سخنوری دانا بوده و طبیعتاً ساعی و سخت کوش است. چنین شخصی مدام در فکر فصاحت کلام در بین جمع است ولی اکثراً با آنکه به سلاست و روانی لفاظی میکند، منتها نسنجیده سخنانی میگوید که موجب رنجش مستمعین میشود. مرد متولد فروردین در برخورد با جنس مخالف خیلی سهل‌انگار است. مرد متولد فروردین به ندرت در بستر و به راحتی فوت نماید و اکثراً بعد از یک بیماری سخت و یا نوعی حادثه ناگوار جان می‌سپارد و حتی اگر ورزشکار هم باشد و در کارهائی همچون اسب‌دوانی، اتومبیل رانی یا دیگر فعالیت‌های بدنی مشارکت داشته باشد همان فعالیت‌ها برای او حادثه آفرین خواهند بود. شکار، ماهیگیری، و بطور کلی تفریحات خارج از شهر همچنین رقص و آواز موجب خرسندی "آقای حمل" میشود. چنین شخصی در مورد مسائل اقتصادی و دخل و خرج خیلی بی‌پروا و بی‌دقت عمل میکند و به همین خاطر ممکن است نسبت به کار و درآمد خود از رفاه بالائی برخوردار نباشد. بهترین شانس برای پول دار شدن مرد متولد فروردین فقط از راه "ارث" است، البته اگر قوم و خویش پولداری داشته باشد.

زن متولد فروردین: معمولاً زیبا و جذاب است و فکری سریع‌الانتقال و کنجکاو دارد، این خانم از افراط در خوردن به خاطر استعداد به چاقی باید پرهیز کند، خانم فروردینی کمی دروغگو بوده و خیلی دهن‌بین و تأثیرپذیر است. این خانم بیماریهای زیادی را تجربه میکند و غالباً یکی از آنها بطور مزمن برای او باقی خواهد ماند. عمر او طولانی است مگر اتفاقی نظیر تصادف و امثالهم در طالعش باشد "قِران" که نتواند از آن به سلامت بجهد. چنین زنی وقتی که به کهن‌سالی رسید غیبت کردن را بهترین تفریح میداند. اگر در ازدواج ناراضی باشد وفادار نمی‌ماند، و برای زنان متولد این برج اکثراً بیشتر از یک بار ازدواج پیش‌بینی میشود.

اردیبهشت ـ ثور: ♉

مرد متولد این ماه ذاتاً مبارزه‌گر بوده و اکثراً هم بر دشمنانش فائق میشود. این مرد چنانچه نتواند بر دشمنی غالب شود از قدرت قانونی یا دوستان ناصادق و یا حتی افراد درنده‌خو برای انتقام‌جوئی بهره‌وری میکند. کلاً بیماری سخت و خطرناکی متولد این ماه را آزار نخواهد داد مگر در هنگامی که نوعی بیماری بطور اپیدمی ـ مسری ـ در شهر سکونت او شایع شود. یکی از بزرگترین اشتباهات زندگی این مرد علاقه به مادیات است. مرد متولد این ماه غالباً تا میانسالی از یک زندگی معمولی برخوردار است و چنانچه سعادت دنیوی به او روی آورد در اواخر عمرش خواهد بود. و حتی ممکن است که این ثروت آخر عمری را هم به دلیل بی‌دقتی و سهل‌انگاری از دست بدهد، کارهائی که در رابطه با آب و دریا هستند و یا مسافرتهای دریائی مرد متولد این ماه را خشنود می‌سازد، دشمنان دوست‌نما در زندگی این گونه مرد بسیارند و موجب اذیت و آزارهای فراوان وی میشوند مگر اینکه بتواند آنها را از خود دور کند. مرد متولد اردیبهشت تحت هیچ شرایطی به هیچ کس نباید پول قرض بدهد.

۱

زن متولد اردیبهشت: بسیار با ملاحظه و با احتیاط بوده و از انرژی فراوانی برخوردار است چنانچه قادر است در مواقع بحرانی آن را بکار گیرد. او زنی وفادار است و موجب سربلندی همسرش میگردد. البته ممکن است که قبل از ازدواج کمی بی‌عقلی کند ولی بعد از آن فقط به فکر خانه و خانواده خود خواهد بود خیلی از مردها در ربودن گوی عشق از این خانم به رقابت خواهند پرداخت، یکی از بدترین خبط‌های این خانم پرحرفی است علی‌الخصوص بعضی مواقع سخنانی می‌گوید که به ضررش می‌انجامد چون احساسش بر عقل غلبه دارد. این خانم برای خوشبخت شدن بهتر است که تا قبل از سن بیست سالگی ازدواج نکند.

خرداد ـ جوزا: II

مرد متولد این ماه دارای ظاهری مناسب و آراسته بوده و غالباً شیک پوش و مورد توجه جنس مخالف است، ضمناً با انرژی، جاه طلب، رفیق‌باز، سخی و مغرور است، به آینده بی‌اعتنا و ولخرج می‌باشد، هنرهای تجسمی مورد توجه او بوده و با سلیقه و استعداد خود در رشد و نمو آنها ابتکار به خرج می‌دهد، مشتاق مسافرت‌های دور بوده و چنانچه وضع مالی‌اش ایجاب کند از کشورهای زیادی دیدن خواهد کرد. این آقا خیلی زود با دیگران دوست می‌شود و خیلی زود هم عاشق میگردد، خیلی از افراد به خاطر صداقتش اشتباهات او را نادیده میگیرند و ضمناً این مرد همیشه برای کمک به دیگران آماده است. گشت و گذار و مسافرت‌های دور همیشه در افق طلائی آرزوهای زندگی این مرد است.

زن متولد خرداد: ظاهری مرتب و آراسته دارد، اما دلفریبی و لوندی او بر زیبائیش ارجح است، پیشنهادات عشقی زیادی را تجربه میکند، اما برای ازدواج باید مراقب باشد که از عشاق مسن یا خیلی جوان انتخاب نکند چون در غیراینصورت برایش خوشایند نخواهد بود. این خانم برای مردی که انتخاب کند

فداکار، مهربان، مطمئن، خوب و دوست‌داشتنی خواهد بود، تمام هنرهای نمایشی از قبیل رقص، آواز، موزیک و غیره برای او جذاب و دلپذیر هستند این خانم با همه اوصافی که دارد "خانه داری" بلد نیست، این خانم ضمن اینکه از پیشنهادات عشقی مردان بزرگتر از خودش که زندگی خانوادگی رضایت بخشی ندارند باید بپرهیزد برای فائق آمدن بر هیجانات و احساساتش نیز باید کوشا باشد.

تیر ـ سرطان: ♋

مرد متولد تیرماه برای انجام کارهائی که در نظر دارد خیلی دمدمی‌مزاج است و مرتباً تصمیم خود را عوض میکند. اینگونه متولدین غالباً غیراجتماعی بوده و موجب رنجش خاطر دوستان خود می‌گردند، خطر مواجه با مسائل قانونی و ناکامی در زندگی هر مرد متولد تیرماه بسیار است. مسافرت و جابه‌جائی زیاد برای او خوب نیست و از این کار باید اجتناب کرده و در یک مکان اسکان بگیرد چنین شخصی همه راههای خوشبخت شدن را امتحان میکند، سلامتی و ثروت در طالع دارد. زندگی به نظرش خیلی سخت و تکراری می‌آید، حرص و آز او به مادیات بر قناعتش غلبه دارد، و معنویات را فدای مادیات میکند. قلباً جاه طلب است ولی از نظر اندیشه و عمل کرد برای رسیدن به اهداف ضعیف می‌باشد.

زن متولد تیرماه: زیبا و لوند است، همچنین از نظر شخصیتی دو چهره و اکثراً غیرقابل اعتماد، قدرت کنترل عصبانیت خود را ندارد و به همین جهت برای خودش خیلی دشمن تراشی میکند. او نسبت به کسانی که در موقع احتیاج به کمکش شتافته‌اند ناسپاس است. از طرفی در شرایطی که به نفعش باشد خیلی مؤدب و کدبانو میشود، مشتاق کارهای پر تحرک است و بسیار زیرک و باهوش بوده و قدرت آموختن و فراگیری زیادی را دارد، این خانم از مسافرت کردن با کشتی یا هواپیما باید پرهیز کند چون هر دوی این‌ها برایش خطرآفرین هستند. اعمال او

تحت کنترل احساسات هیجانی اوست و اگر بر این ضعف فائق نشود نهایتاً با شکست و ناکامی مواجه میگردد ضمناً تمرین کنترل و خویشتن‌داری را نباید فراموش کند.

مرداد ـ اسد: ♌

مرد متولد این ماه شجاع، با صلابت و پرجذبه است او از خطر ترس و واهمه‌ای ندارد و حتی می‌تواند خودش را به آتش بزند. این شجاعت و بی‌باکی ضامن موفقیت او در بدترین شرایط زندگی است، مغرور و خودخواه است، مشتاق دوستی و علاقه بوده و عشق از ملزومات زندگی اوست و به خاطر زنی که مورد علاقه‌اش واقع شده هنگام لزوم نقش یک شوالیه از جان گذشته را ایفاء میکند. آرزوهای درونی و جاه طلبی‌های او برایش مخاطره‌آمیز هستند، به خاطر سرسختی و یکدندگی در خواسته‌هایش غالباً بر موانع پیش رو در راه رسیدن به اهدافی که دارد پیروز می‌شود.

زن متولد مرداد ماه: خیلی مؤقر بوده و خطر بیماریهای خطرناک نیز ندارد اما باید از آتش و آب پرهیز کند. اگر خانم متولد مرداد ماه با بُعد مثبت باشد باید گفت که طبیعتاً باهوش، دارای کنترل اراده، همنشینی خوب و مهربان است و اگر با بُعد منفی باشد زنی بَدخُلق، سهل انگار و لاابالی، شایعه پراکن و مشکل ساز است. خانم متولد مرداد ماه غالباً دارای خانواده‌ای کوچک است ولی بچه‌های او از نعمت مادری مهربان برخوردار بوده و همیشه سلامت و شادمان هستند. وضعیت مالی و اقتصادی این خانم بستگی به شانس دارد، زن متولد مرداد چنانچه منافعش اقتضاء کند در راهی که مد نظر دارد بسیار دلفریب می‌شود و برعکس چنانچه تصمیم بگیرد عکس آن را عمل کند فوراً بصورت سلیطه‌ای بدخو در می‌آید.

شهریور ـ سنبله: ♍

مرد متولد این ماه را از وضع ظاهرش که بسیار مناسب و آراسته است به خوبی می‌توان شناخت، این مرد همیشه سعی میکند با تظاهر به نوع دوستی و سخاوتمندی و مهربانی، خودبینی و عقده‌های درونی خودش را التیام دهد. او در خیلی از موارد فعال و ساعی و با احتیاط است، و به این جهت یک زن باهوش برای به دام انداختن چنین مردی می‌تواند از همین شیوه استفاده کرده و ضمناً خودش را هم برای او بهترین زنها جلوه دهد. مرد متولد این ماه ذاتاً سست و ضعیف است، در زندگی دچار امراض مختلف میشود و قاعدتاً از رسیدن به موقعیت‌های بالا باز می‌ماند این مرد به احتمال قوی از خوشبختی آنچنانی برخوردار نخواهد بود، دوستان خطاکار در اطراف او زیاد هستند و باید در این باره مراقب باشد و به تملق و خوش‌آمدگوئی آنهاکه به خاطر مقاصد خودشان میباشد فریفته نشود چون در غیر اینصورت با خطر سقوط مواجه خواهد شد. به علت خطرات ناشی از بیماری و تصادف، عمر متولد این ماه کوتاه است مگر آنکه مراقبت‌های ویژه را مبذول دارد.

زن متولد شهریور: مایل است که زود ازدواج کرده و تشکیل خانواده بدهد و سعی میکند که یک زن نمونه باشد. او زنی است عفیف، آرام، مؤدب کدبانو و برتر از همه مدیر و ذاتاً خوب. این خانم با توانائی کامل و هوشیاری مستمر از خطراتی که برایش اتفاق می‌افتند اجتناب می‌ورزد. مردان مجذوب شخصیت زنانگی او هستند ولی این خانم با اندیشه و نقشه‌های عاقلانه از دام آنها رهائی می‌یابد، فرزندان او اکثراً خوب و زیبا هستند، زن متولد شهریور برعکس مرد متولد این ماه دارای عمر طولانی است ولی ممکن است در سنین بالا دچار بیماری‌های سختی شود که قاعدتاً با صبر و پرهیز و درمان آنها را دفع میکند. این خانم به تقوا و عفت خود توجه خاصی دارد و از تظاهر و خودنمائی گریزان است. خطرناکترین مرحله زندگی زن متولد شهریور حدود سن سی‌وپنج سالگی است.

مهر ـ میزان: ♎

مرد متولد این ماه منازع‌ترین و ستیزه جوترین مرد روی زمین است، البته محسنات بسیار خوب دیگری هم دارد که نباید فراموش کنیم، چنین مردی اگر در یک دعوا تسلیم شده و سکوت کند از باور نکردنیهاست، این آقا خیلی مشتاق جنس مخالف است و در ضمن در مورد اهدافش نیز بسیار استوار و ثابت قدم میباشد و هیچ فریب و نیرنگی او را از مقصود وا نمی‌دارد. او در مطرح کردن و ابراز وجود بسیار ماهر و با خویشاوندان مهربان است. اگر حوزه فعالیت‌های مالی خود را به قسمت‌های تجاری و بازرگانی منتقل کند عواید و منافع بسیاری نصیبش میگردد ولی به هر حال در تمام موارد اقتصادی برنده است.

زن متولد مهر ماه: ستیزه جو و پرخاشگر است اما چنان رفتار خوشایند و دلفریبی دارد که همیشه مورد تصدیق دیگران قرار میگیرد. در ایفای نقش شادی آفرینی ید طولائی دارد، این خانم قاعدتاً زود ازدواج میکند و به علت درایت ذاتی سعی میکند همسری را انتخاب کند که برایش منعم باشد، خانواده او نسبتاً کوچک و فرزندانش سالم و تندرست خواهند بود چون در مواظبت از آنها وسواس ویژه‌ای دارد. اکثر خانم‌های متولد مهرماه از حس ششم قوی و خوبی برخوردارند بطوریکه فطرتاً قادر به تعبیر خواب و یا پیشگوئی بعضی از حوادث آینده می‌باشند. چنین زنی باید از آتش و آب پرهیز کند چون سرانجام یکی از این‌ها برای او حادثه آفرین خواهند شد ضمناً اجتناب از افراط در مسافرت هم برای او لازم است.

آبان ـ عقرب: ♏

مرد متولد این ماه نیز ظاهری آراسته و محجوب دارد اما حالت و مشرب او زننده است. در جسارت و گستاخی حد و مرزی برای خود ندارد و همیشه سخنانش با اعمالش مغایر است. اشتباهات این آقا به قدری زیاد است که ناگفتنش

بهتر ـ مرد متولد آبان بعضی اوقات خیلی فعال و پر جنب‌وجوش است و بعضی اوقات هم برعکس جدی و خاموش. به نظر دیگرانی که در وهله اول با او برخورد می‌کنند شخصی نادرست و شیطانی می‌نماید. ولی باید این نکته مهم را در نظر داشت که این قوانین در مورد کلیه مردان متولد آبان تعمیم ندارد، کوکب مربی زایجه از نظر نزدیکی آن به ماه قبلی و بعدی منطقةالبروج باید مشاهده شود، و سپس قضاوت کلی را در مورد تصویر غم افزای این آقا نمود.

و اما خانمی که متولد همین ماه و تحت تأثیر همین صورت فلکی است، اشتباهات فراوانی نظیر آنچه در مورد مرد متولد این ماه است دارا میباشد. سخنان و رفتار او شیرین و دلچسبند اما ذاتاً نسبت به دیگران بدگمان است این خانم تمایل زیادی به غیبت و شایعه پراکنی در مورد دوستانش دارد ولی با بالا رفتن سن رفتارش بهتر میشود، فراموش نشود که در مورد این ماه بخصوص نزدیکی زمان تولد به دو ماه قبلی و بعدی منطقةالبروج یعنی میزان و قوس را باید در نظر گرفت، همزیستی طولانی با خانم متولد آبان بسیار مشکل است او باید در استفاده کردن از هر موقعیتی نهایت سعی خود را بنماید و اکثراً هم به گفته‌های خود خیلی آب و رنگ میدهد.

آذر ـ قوس: ♐

مرد متولد آذر ماه عموماً از سلامتی کامل برخوردار بوده و به دلیل قوای جسمانی احتمالاً جذب ورزش‌هائی نظیر کشتی، شکار، مسابقه دو، یا دیگر فعالیت‌هائی که به محیط باز و آزاد مربوطند میشود. او نه تنها خود را باینگونه ورزش‌ها سرگرم میکند بلکه سعی میکند اکثر دوستان خود را نیز از میان چنین ورزشکارانی انتخاب کند او نسبت به دخل و خرجش بی‌اعتنا بوده و هرگز فکر عاقبت کار را نمیکند. مرد متولد آذر ماه به دلیل صداقت و اعتمادی که از خود نشان

میدهد همیشه بعنوان یک دوست خوب شناخته میشود و نیز بـه دلیـل طـبیعت برون‌گرا و دوستانه‌ای که دارد در هر اجتماعی پذیرفته میشود. یکـی از بـزرگترین خطاهای او نفوذ پذیری و دهن بینی است که همین امر هم اغلب موجب شکست او درکارهای تجاری میشود.

و اما زن متولد آذر ماه بسیار سازنده و خلاق است ولی غالباً به دلیل بی‌دقتی و تنبلی بیش از حدی که دارد موجب سقوط و ناراحتی خودش مـیشود. او زنـی است مهربان و امین و خوش قلب، قاعدتاً از سلامتی عمومی برخـوردار بـوده و بیماری خاصی تهدیدش نخواهد کرد مگر سانحه و حادثه‌ای ناگوار برایش پیش بیاید. خانم متولد آذر ماه وقتی که ازدواج کند خیلی زود بچه‌دار شده و در مادری نمونه است، بطوری که دیگران به خاطر این حسن و مزیت به او غبطه میخورند و اگر این خانم مجرد بماند تقوای او موجب نجات و رستگاریش میشود. خانم متولد آذر ماه به خاطر مزایا و محسناتی که دارد مورد توجه بسیـاری از مـردان است و پیشنهادات زیادی در باب دوستی دریافت میدارد، امـا اگـر ایـن خـانم در مـورد محسنات خودش بی‌تفاوت و سهل انگار باشد مورد سوء استفاده قـرار خـواهـد گرفت علی‌الخصوص ممکن است که مردی دغل با وعده ازدواج او را بفریبد.

دی ـ جُدَی: ♑

مردی که تحت تأثیر این صورت فلکی متولد شده باشد ذاتاً بی‌ملاحظه بوده و اکثراً ریسک‌های بی‌مورد می‌کند ولی این اندیشه و عمل ناصواب با آموزش و پرورش صحیح قابل اجتناب است. بعضی اوقات رفتـارهایش مـوجب نـاراحـتی اطرافیان شده و حتی گاهی نیز مخاطره آمیز است. خانم هائی که با چنین مردانی درگیری عاطفی پیدا میکنند باید هوشیار بوده و فوراً از آنها دوری نمایند این آقا هر چه راکه در آن واحد بتواند بدست بیاورد، تحصیل نموده و سپس به قول خود وفا

نمی‌کند. ولی اینگونه متولدین در مورد کار بسیار سخت کوشَ و تلاش‌گر بوده ولی از لحاظ صحت مزاج با مشکلاتی روبرو میشوند که بر افراط کاری آنها می‌افزاید. اگر مرد متولد دی ماه در اثناء شب به دنیا آمده باشد از نظر شخصیتی ضعیف بوده و این منش تا سنین بالا یعنی حدود شصت سالگی (اگر عمر طبیعی اجازه دهد) با او خواهد بود و سپس مغلوب بُعد بهتری خواهد شد.

زن متولد دی ماه معمولاً از نظر جسمانی زیبا و از نظر شخصیتی بسیار فریبنده است، این خانم مورد توجه جنس مخالف بوده و همین توجه باعث غرور او شده و نتیجتاً به طرف بی‌ثباتی و بی‌وفائی کشیده میشود. این خانم در ایام نوجوانی و جوانی بسیار حسود و خیال پرداز است ولی زمانی که تصمیم به ازدواج میگیرد به شوهرش وفادار خواهد بود. اما به هر حال طبیعت فریبنده او باعث میشود که هدف وسوسه‌های دیگران قرار گیرد، این خانم به طرز جالبی و با یک نشاط و مسرت خاصی با زندگی کنار میآید که محبوب همه دوستان و همقطاران میگردد.

بهمن ـ دلو: ♒

مرد متولد بهمن خوش مشرب، شادان و خندان است. به مسافرت عشق ورزیده و آب و دریا را دوست دارد در مسائل مادی بسیار بلندنظر و ولخرج است، این آقا معمولاً تا سن چهل سالگی از سعادت آن‌چنانی برخوردار نیست و اگر نیک بختی خوبی در طالعش باشد حتماً بعد از چهل سالگی است. مرد متولد بهمن از نظر جسمانی قوی و ذاتاً از تندرستی کامل برخوردار است ولی خطر سانحه و حادثه در زندگی زیاد دارد. و چنانچه عمر طبیعی و طولانی داشته باشد تا سنین بالا نیز سرزنده و جوان حالت است. این آقا تشنه راستی و صداقت میباشد. او با هر اجتماعی خود را وفق داده و از روحیه‌ای انعطاف پذیر برخوردار است در طول

عمر دوستان زیاد و پابرجائی خواهد داشت.

زن متولد بهمن متشابهاً با خصوصیاتی مانند مرد متولد هیمن ماه است. به ویژه اینکه در بلایا و مصائب به رفتار و منش خود توجه خاصی مبذول می‌دارد تا عمل ناشایسته‌ای از او سر نزند، این خانم تمایل زیادی به خوش گذرانی دارد و همین مطلب باعث میشود که در ایام نوجوانی در معرض تهدید و فریب و نیرنگ دیگران بوده و خدای ناکرده از خانه و خانواده فراری شود. خوشبختی او در زندگی بیشتر بستگی به شانس دارد تا سعی و کوشش، او نسبت به سلامتی خودش بی‌ملاحظه است و از نظر مالی هم فقط در سنین بالا امکان ثروتمند شدن را دارد آن هم به شرط دقت و تنظیم بودجه و کاستن از خرج‌های عبث و بیهوده. این خانم وقتی که ازدواج میکند نسبت به توجهات و عشق همسر خود بی‌تفاوت است.

اسفند ـ حوت: ♓

مرد متولد اسفند ذاتاً نیکو سرشت، قاعدتاً بذله گو و شوخ بوده و گاهی نیز به خاطر مسائل جزئی خیلی جسور میشود. زنان، حادثه آفرین‌های اصلی زندگی او می‌باشند و بعلت بی‌ملاحظگی به مشکلات جدی و دشوار برخورد خواهد کرد. افراط و بی‌اعتدالی این آقا با ابتلاء به یک بیماری حاد و یا نوعی حادثه که سرانجام موجب بکار انداختن عقلش میشود پایان می‌پذیرد و بدینصورت راه صحیح زندگی را انتخاب خواهد کرد. نصیحت واقعی به مرد متولد اسفند ماه این است که با هوشیاری کامل دقت کند تا دوستان خود را از افراد واقعاً صادق و با وفا انتخاب کند.

زن متولد اسفند ماه نیز صادق، باهوش و باوفا می‌باشد از نظر حس قضاوت بسیار قوی و آگاه بوده و در ضمن از نظر جسمانی نیز زیبا میباشد در ایام کودکی و نوجوانی به دلیل ذکاوت و برتری که نسبت به همقطارانش دارد پیوسته مورد حسد

و رشک دیگران واقع میشود. نوع دوستی، وفاداری، اقتصاددانی و خانه‌داری چنین زنی برای مردی که بتواند عشق او را برباید گنجینه‌ای بی‌پایان است. قاعدتاً از یک عمر طولانی برخوردار است ولی در طول زندگی دچار چند بیماری خطرناک خواهد شد. زن متولد اسفند در مورد پیدا کردن اشیاء گم شده حس ششم خوبی دارد و از طرفی هم با همین حس قوی در تشخیص افراد ناصادق حاذق است. به سادگی در دام عشق کسی اسیر نمیشود و در ایام ازدواج و همسرداری وفادار است.

فصل نوزدهم

بعضی از رصدهای بطلمیوس

افرادی که متولد شش ماه اولیه سال می‌باشند مستعد تغییر زندگی در هرسه‌سال بوده و یا اتفاقات مهم زندگی آنها به توالی هر سه سال است[1]. رؤیاهائی را که این اشخاص در طول ماه تولدشان[2] می‌بینند بسیار مؤثر و حقیقی است.

افرادی که متولد شش ماه دوم سال هستند اتفاقات مهم یا تجارب و یا تغییرات بزرگ زندگی خود را به توالی هر ۷ سال خواهند داشت[3]. رؤیاهای این افراد در ایامی که ماه در بدر کامل است حقیقی می‌باشد.

کسانی که با متولدین هم ماه خود ازدواج کنند ندرتاً خوشبخت شوند.

فرزندانی که ماه تولدشان با یکی از والدین یکسان باشد شدیداً تحت نفوذ تأثیرات آن برج بوده و یا سعادتمند کامل میشوند و یا بدبخت و حد وسط و معتدل ندارد.

مولودی که در غُره یا محاق یا بدر کامل متولد شود، چنانچه زنده بماند عمرش طولانی نخواهد بود.

کسانی که نزدیک به هنگام ظهر متولد شده باشند به خاطر تأثیر مستقیم و

---

۱ ـ با تناسب تپش‌های خورشیدی (بخش دوم) و با اندکی اختلاف صحت دارد.
۲ ـ مثلاً اگر کسی متولد اردیبهشت ماه است تمام رؤیاهای او از اول اردیبهشت تا آخر آن.
۳ ـ ایضاً شماره ۱.

شدید و بیشتر آفتاب در زندگی بسیار موفق و قدرتمند خواهند بود.

کسانی که نزدیک و یا به هنگام نیمه شب متولد شده باشند به موفقیت و خوشبختی آن عده که متولد ظهر و یا نزدیک به آن هستند، نخواهند بود و احتمال قریب به یقین است که افراد متولد نیمه شب بیشتر وقایع مهم زندگی خود را بعد از سی سالگی تجربه کنند.

همچنین کسانی که متولد نیمه شب هستند بعد از مرگ مورد تـجلیل قـرار گرفته و با توجه به زایجه نجومی آنها در بدو تولد، استحقاق نامی را خواهند داشت که در آن زمینه فعالیت کرده‌اند.

کسانی که نزدیک به نیمه شب متولد شده‌اند مستعد به دیدن رؤیاهای واضح و حقیقی بوده و از حس ششم[۴] خوبی برخوردارند. این اشخاص به علوم غریبه و متافیزیک تمایل بیشتری دارند.

اگر در هنگام تولد مولودی تمام کواکب یا بیشتر آنها فوق الارض باشند مولود به احتمال قوی فردی مشهور و خوشبخت خواهد شد.

و بلعکس اگر در هنگام تولد مولودی، تمام کواکب یا بیشتر آنها تحت‌الارض باشند ترقی مقام و سعادتمندی کمتر خواهد بود.

مزیت دانستن روز و زمان دقیق تولد را باید دانست: زیرا فقط با زمان دقیق می‌توان حالات و نظرات کواکب را بر روی زایجه مولود به درستی ترسیم نمود، و چون این عمل به راستی انجام گیرد از بدی زمان که همانا نظرات منحوس کواکب به یکدیگر هستند به مستولی شدن نافرجامی بـر زنـدگی مـولود مـیتوان پـی بـرد و همچنین است بلعکس آن وَ اِلاٰ فَلاٰ. کلودیوس بطلمیوس .

---

۴ ـ شاید ایراد گرفته شود که مگر در زمان بطلمیوس هم حس ششم شناخته شده بوده است؟! این لغت جایگزین کلمه‌ای است که بطلمیوس در مورد الهام بکار برده.

□ فصل بیستم

بعضی حکایات تاریخی در ارتباط با نجوم احکامی

همانطور که کراراً اشاره شد منجم باید در علم خود حاذق و صاحب درایت باشد و نقل است از استاد ابوریحان بیرونی در کتاب التفهیم که منجم سزاورا نباشد مگر در چهار علم به کمال رسد، حساب، هندسه، هیأت "ستاره شناسی" و احکام نجوم. در حکایاتی که در این فصل بیان میشود همه از محاسبات منجمین دانشمند و طراز اول در علوم بوده است. دو حکایت اول را عیناً از چهار مقاله نظامی عروضی به تصحیح مرحوم دکتر محمدمعین نقل می‌کنم و چند روایت مابقی را به منجمین غربی اختصاص خواهم داد.

یعقوب اسحق کندی یهودی بود اما فیلسوف زمانه خویش و حکیم روزگار خود، و به خدمت مأمون او را قربتی بود. روزی پیش مأمون درآمد و بر زبر دست یکی از ائمه اسلام بنشست. آن امام گفت: "تو ذمی[1] باشی چرا بر زبر ائمه نشینی؟" یعقوب جواب داد از برای آنکه آنچه تو دانی من دانم و آنچه من دانم تو ندانی. آن امام او را به نجوم شناخت و از علوم دیگرش خبر نداشت، گفت: "بر پاره‌ای کاغذ

به ردائی و از یعقوب اسحق به استری و ساختی که هزار دینار ارزیدی[۲] و بر در سرای ایستاده بود. پس دوات خواست و قلم، و بر پاره‌ای کاغذ بنوشت چیزی، و در زیر نهالی[۳] خلیفه بنهاد و گفت: "بیار". یعقوب اسحق تخته‌ای خاک خواست، و برخواست و ارتفاع بگرفت و طالع درست کرد و زایجه بروی تخته خاک برکشید، و کواکب را تقویم کرد و در بروج ثابت کرد و شراط خبی[۴] و ضمیر[۵] بجای آورد و گفت: "یا امیرالمؤمنین، بر آن کاغذ چیزی نبشته است که آن چیز اول نبات بوده است و آخر حیوان شده" مأمون دست در زیر نهالی کرد و آن کاغذ برگرفت و بیرون آورد. آن امام نوشته بود بر آنجا که "عصای موسی" مأمون عظیم تعجب کرد و آن امام شگفتیها نمود. پس رداء او بستد و نیمه کرد پیش مأمون و گفت: دو پایتابه کنم "[دو ساق بند پا درست کنم] این سخن در بغداد فاش گشت و از بغداد به عراق و خراسان سرایت کرد و منتشر گشت. فقیهی از فقهاء بلخ از آنجا که تعصب دانشمندان بود کاردی برگرفت و در میان کتابی نجومی نهاد که به بغداد رود و به درس یعقوب اسحق کندی شود و نجوم آغاز کند و فرصت همی جوید. پس ناگاهی او را بکشد. برین همّت منزل به منزل همی کشید تا به بغداد رسید و به گرمابه رفت. و بیرون آمد، و جامه پاکیزه در پوشید. و آن کتاب در آستین نهاد و روی به سرای یعقوب اسحق آورد. چون به در سرای رسید مَرکَبهای بسیار دید با ساختِ زر به درِ سرای وی ایستاده، چه از بنی‌هاشم و چه از معارف[۶] دیگر و مشاهیر بغداد، سر بزد[۷]

---

۲ ـ اسبی با زین و یراق کامل.
۳ ـ تُشک.
۴ و ۵ ـ از شرایط استخراج و چیزهای پنهان.
۶ ـ اهل علم و فضل.
۷ ـ سرزده وارد شدن.
۸ ـ و این همان ابومعشربلخی معروف است که پیش از این در بخش اول از او سخن گفتیم.

و اندر شد، و در حلقه پیش یعقوب در رفت و ثناء گفت و گفت: "همی خواهم از علم نجوم بر مولانا چیزی خوانم" یعقوب گفت: تو از جانب مشرق به کشتن من آمده‌ای نه بعلم نجوم خواندن، ولیکن از آن پشیمان شوی و نجوم بخوانی و در آن علم به کمال رسی، و در اُمت محمد(ص) از منجمان بزرگ یکی تو باشی." آن همه بزرگان که نشسته بودند از آن سخن عجب داشتند، و ابومعشر[۸] مُقِر آمد، و کارد از میان کتاب بیرون آورد و بشکست و بینداخت و زانو خم داد، و پانزده سال تعلم کرد تا در علم نجوم بدان درجه رسید که نام او امروز معروف و مشهور است.

روایت دوم: حکیم موصلی از طبقه منجّمان بود در نیشابور، و خدمت خواجه بزرگ نظام‌الملک طوسی کردی، و در مهمات خواجه با او مشورت کردی و رأی و تدبیر از او خواستی. موصلی را چون سال برآمد[۹] و فُتور و سستی ظاهر شدن گرفت و نیز سفرهای دراز نتوانست کرد، از خواجه استعفا خواست تا به نیشابور شود و بنشیند و هر سال تقویمی و تحویلی بفرستد، و خواجه در دامن عمر[۱۰] و بقایای زندگانی بود، گفت: "تسییر[۱۱] بران و بنگر که انحلال طبیعت من کی خواهد بود و آن قضاء لأبد و آن حکم ناگزیر[۱۲] درکدام تاریخ نزول خواهد کرد؟" حکیم موصلی گفت: "بعد از وفات من به شش ماه."

خواجه اسباب ترفیه او بفرمود، و موصلی به نیشابور رفت و مرفه بنشست، و هر سال تقویم و تحویل می‌فرستاد اما هر گاه که کسی از نیشابور به خواجه رسیدی، نخست این پرسیدی که "موصلی چون است؟" و تا خبر سلامت و حیات وی می‌یافت خوش طبع و خوش‌دل همی بود، تا در سنه خمس و ثمانین و اربعمایه

---

۹ ـ کهنسال شد.
۱۰ ـ اواخر عمر.
۱۱ ـ از اعمال نجوم است.
۱۲ ـ زمان مرگ.

آینده‌ای از نیشابور در رسید، و خواجه از موصلی پرسید، آن کس خدمت کرد و گفت: "صدر اسلام وارث اعمار[۱۳] باد، موصلی کالبد خالی کرد، گفت: "کی"؟ گفت: نیمه ماه ربیع الاول جان بصدر اسلام داد." خواجه عظیم رنجور دل شد و بیدار گشت، و بکار خود باز نگریست و اوقاف را سجل کرد و ادارات را توقیع کرد و وصیت نامه بنوشت و بندگانی که دل فارغی حاصل کرده بودند آزاد کرد، و قرضی که داشت بگزارد، و آن جاکه دست رسید خشنود کرد و خصمان را حلالیت طلبید، وکار را منتظر بنشست تاکه رمضان اندر آمد و به بغداد بر دست آن جماعت[۱۴] شهید شد. پس چون طالع مولود و زیج درست بود و منجم هم حاذق و فاضل، آن حکم هر آینه راست آمد.

در دوم نوامبر سال ۱۹۳۹ ، منجم معروف سوئیسی کارل اِرنست کرافت[۱۵] نامه‌ای برای اداره امنیت آلمان فرستاد و طی آن خاطر نشان کرد زندگی هیتلر در اثناء روزهای هفتم تا دهم نوامبر در خطر خواهد بود و ممکن است که توسط یک وسیله انفجاری به او سوء قصد شود. در عصر روز هشتم نوامبر هیتلر جهت شرکت در مراسم جشنی وارد مونیخ شد. هیتلر ضمن اجرای مراسم برای بازگشت به برلین محل جشن را زودتر از موعد مقرر ترک کرد. چند دقیقه بعد از رفتن هیتلر بمبی که در یکی از ستونهای سالن کار گذاشته شده بود منفجر گردید و باعث کشته شدن هفت نفر و زخمی شدن ۶۳ نفر گردید.

ستاره شناس بزرگ دانمارکی تیکوبراهه[۱۶] همانند کپلر[۱۷]، کپرنیک[۱۸] وگالیله[۱۹] از

---

۱۳ ـ عمرها.

۱۴ ـ منظور فرقه اسماعیلیه است که خواجه‌نظام‌الملک توسط یکی از فدائیان حسن‌صباح کشته شد.

۱۵ - Karl Ernest Krafft.

۱۶ - Tycho Brahe.

۱۷ - Kepler.

بنیانگزاران نجوم جدید به شمار می‌رود. مضافاً او از آسترولوژرهای بسیار حاذق و ماهر بود و در خدمت رودلف دوم[۲۰] امپراطور اطریش بسر می‌برد، در سال ۱۵۶۳ در سن هفده سالگی پیش بینی کرد که در سال ۱۶۶۵ یعنی ۱۰۲ سال بعد بیماری طاعون اروپا را فرا خواهد گرفت. پیشگوئی او با شیوع طاعونی که از ۱۶۶۵ تا ۱۶۶۶ اروپا را صدمه زد تحقق یافت. همچنین تیکو براهه در سال ۱۵۷۲ ستاره جدیدی را در صورت فلکی ذات‌لکرسی[۲۱] رصد کرد و تولد شاهزاده‌ای را اعلام داشت که بر علیه آلمان وارد جنگ خواهد شد اما در سال ۱۶۳۲ از بین خواهد رفت. این پیش‌بینی هم با ظهور گوستاووس آدولفوس شاهزاده سوئدی که با برپا کردن جنگ تا مرکز اروپا پیش رفت به حقیقت پیوست و ضمناً این شاهزاده در همان سال ۱۶۳۲ در جنگ لوتزان[۲۲] کشته شد.

این هم یکی از حقه‌های منجمین شارلاتان و زرنگ:

در عهد قرون وسطی به لوئی یازدهم پادشاه فرانسه خبر دادند که یکی از منجمین پیش‌بینی کرده که معشوقه او فوت می‌نماید. شاه دستور احضار منجم را صادر نموده و ضمن ابراز ناخرسندی از پیش‌بینی او اظهار داشت: "بگو ببینم تو که در نجوم تا این حد مهارت داری زمان مرگ خودت چه موقعی می‌باشد" منجم زرنگ فوراً از حیله شاه آگاه شد و ضمن تعظیم به عرض شاه رساند: "اعلیحضرتا مرگ من ۳ روز پیش از فوت شما خواهد بود" لوئی یازدهم که پادشاهی ترسو و خرافی بود دستور داد که وسائل راحتی منجم را مهیا نموده و به خوبی از او مواظبت نمایند تا مبادا صدمه‌ای ببیند.

---

۱۸ - Copernicus.

۱۹ - Galileo.

۲۰ - Emperor Rudolph II of Austria.

۲۱ - Cassiopeia.

۲۲ - Lutzen.

کتابنامه

۱ ـ آثارالباقیه، ابوریحان بیرونی، اکبر داناسرشت، امیر کبیر ۱۳۶۳
۲ ـ نفائس‌الفنون فی عرایس‌العیون، شمس‌الدین محمدبن‌محمود آملی ، اسلامیه ۱۳۷۹
۳ ـ الفهرست، محمدبن‌اسحاق‌الندیم، محمدرضاتجدد، امیرکبیر ۱۳۶۶
۴ ـ التفهیم‌لاوائل‌صناعة التنجیم، ابوریحان بیرونی، استاد جلال الدین همائی، مروی ۱۳۶۲
۵ ـ سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه‌نصیرالدین‌طوسی، محمدمدرسی، امیرکبیر ۱۳۶۳
۶ ـ تاریخ تاریخ در ایران، دکتر رضا عبدالهی، امیر کبیر ۱۳۶۶
۷ ـ حقیقت و افسانه، برتراندراسل، منصور مشگین پوش، رازی
۸ ـ چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، مرحوم محمد قزوینی، مرحوم معین، امیرکبیر
۹ ـ تاریخ نجوم اسلامی ـ کرلو الفونسو نلّینو، احمد آرام، ۱۳۴۹
۱۰ ـ سرنوشت جهان، ریچارد موریس، ابوالفضل حقیری، آسیا ۱۳۶۸
۱۱ ـ طالع کرات، مهندس امیر زاغیان، ۱۳۶۴
۱۲ ـ دایرةالمعارف سیاح، مجلدهای ۴ و ۵ ، اسلام ۱۳۶۸
۱۳ ـ مثنوی معنوی به تصحیح مرحوم محمد رمضانی، پدیده ۱۳۶۱
۱۴ ـ مرزهای بیکران فضا، شماره ۸ و ۹ ، ۱۳۷۰

۱۵ ـ برهان قاطع، ابن خلف تبریزی به تصحیح محمد عباسی، انتشارات فریدون علمی.

۱۶ ـ فرهنگ عمید ۳ جلدی امیرکبیر، ۱۳۶۳

۱۷ ـ فرهنگ زبان فارسی امروز، صدر افشار و نسرین و نسترن حکمی، کلمه ۱۳۶۹

۱۸ ـ فرهنگ اصطلاحات نجومی، دکتر ابوالفضل مصفی. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۶

۱۹ ـ فرهنگ اصطلاحات علمی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹

۲۰ ـ فرهنگ اندیشه نو، عده‌ای از مؤلفان، مازیار ۱۳۶۹

۲۱ - *Christian Astrology, William Lilly, London Library 1974.*

۲۲ - *Modern Text Book of Astorlogy, Margaret Horne , London Library, 1974.*

۲۳ - *The Principle Of Astrology, CharlesE.O Carter, London Library 1975.*

۲۴ - *The Complete Book Of Predictions, PANTHER Granada Publishing, England 1986.*

۲۵ - *Astrology. The Stars and Human Life Christopher Mcintosh, England Macdonald Unit 1973.*

۲۶ - *Your Future Your Fortune, Robert W.Pelton, Fawcett Pub Inc . U.S.A 1973.*

۲۷ - *Teach Your Self Book, Astrology, Jeff Mayo, London 1974.*

۲۸ - *The Practice Of Astrology Dane Rodhyar, London 1978.*

۲۹ - *Business Success and Astrology Terki King , London 1974.*

۳۰ - *Write Your Own Horoscope , Josoph F.Goodavage, U.S.A 1986.*

۳۱ - *Complete Fortune telling, Agnes M.Miall, London 1962.*

۳۲ - *The Random House Dic - Vol 1,2 . U.S.A 1987.*

۳۳ - *Dictionnaire Encyclopédique Pour tous et Pettit Larousse, Paris 1972.*